

« بسیار کارهای زیبای دیگر ده این
« پارسه » شده که من و پدرم کرده‌ایم
هر کاری که بدیده زیباست بر ری خدا
ما کردیم »
خشارشا

پارسه

(تخت جمشید)



تالیف :

علی سامی

« بسیار کارهای زیبای دیگر در این
« پارسه » شده که من و پدرم کرده ایم.
هر کاری که بدیده زیباست بیاری خدا
ما کردیم » خشیارشا

پارس (تخت جمشید)



تالیف :

علی سامی

« در پس این آثار و یادبودها که در سراسر جهان
بلند آوازه شده اند ، میراثی از گذشته نهفته است ،
میراثی پس تابناک که سراسر آن بهم پیوسته است و
نفوذش تا با امروز ادامه یافته . این نفوذ اگرچه گاه
از دیده نهان می‌شود ، با اینهمه همیشه برجای بوده است .
آرزو مندیم که این نفوذ و این میراث همچنین پایدار
بماند . »
میراث باستانی ایران ص ۴۰۵

ترجمه انگلیسی این کتاب در اسفند ماه سال ۱۳۳۲ (مارس ۱۹۵۴) چاپ
شد و تاکنون پنج نوبت تجدید چاپ و در سی هزار نسخه منتشر شده است . متن
فارسی نیز در مهرگان ۱۳۳۴ با همکاری استاد و باستان شناس شهیر آقای سید
محمد تقی مصطفوی بچاپ رسید و اینک دو هزار نسخه دیگر همان متن با تغییرات و
اضافاتی تحت شماره ۴۳-۴۸/۱۲/۵ اداره کل فرهنگ و هنر فارس در چاپخانه موسوی
شیراز بتاريخ اسفند ماه ۱۳۴۸ خورشیدی بچاپ رسیده است .

حق چاپ و تقلید و ترجمه محفوظ برای مؤلف است



اماگر اندیشه کنی که از هیچکس نترسم ، این مردم پارس را نگاهدار ،
اگر مردم پارس نگاهداری شوند ، از این پس تا دیرترین گاه : شادی
تپاه نشدنی از اهورمزدا ، بآن خاندان شاهی برسد .
داریوش بزرگ

سرزمینی کهن

با

فرهنگی درخشان

سرزمینی که امروز کشور عزیز ما را تشکیل میدهد بخشی از فلات پهناوری است که روزگاران پادشاهی بزرگ ماد و شاهنشاهی گسترده هخامنشی و اشکانی و ساسانی را شامل بوده است. این پهنه تاریخی، دارای چنان فرهنگ درخشانی بوده است که شعله های تابنده اش تا ورای هند و خوارزم، و تا دل آفریقا و اروپا، پرتوافکن گردیده بود، و امروزه دیدار مانده هایش سبب شگفتی و آفرین اندیشمندان و دانشوران جهانیان است.

ایران بین کشور های خاور زمین از لحاظ فرهنگ و دانش شگرف دیرین خود، چون خورشید تابانی میدرخشد و نامور ترین سرزمینهای تاریخی جهان میباشد. از یکصد و بیست و اندی کشور که در عصر ما کشورهای روی زمین را تشکیل میدهند، بسیاری از آنها دنبال گذشته خود میگردند که کی و چه بوده اند؟ و چه پیشینه فرهنگی و دانشی داشته اند؟ آنان کوشش دارند برای خود تاریخ و پیشینه و آثار و داستان و افسانه های کهن درست کنند، اما ایران را نیازی باین دستاویزها نیست. از آنرو که از هزاران سال پیش دارای چنان نیروی خلاقه و آثار هنری بوده که چشم جهانیان را خیره ساخته است. و در هر گوشه و کنار کشور این اثر های جاودانی بچشم میخورد.

سرگذشت ها و داستانها و تاریخها، چه بسا که مورد تردید قرار میگیرد، اما آنچه را که نتوان در آن تردید کرد، همان یادبود هنری بیجا مانده از اقوام است که چون اندیشمندان و پژوهشگران آنها را می بینند، تاریخ و هنر و فرهنگ آن مردم را در آنها میخوانند. آری آثار باستانی کشورها تاریخ گویائی از شکوه ها و بزرگیها، از اندیشه های بلند از فرهنگ های ریشه دار پیشرفته میباشد. تاریخی بی شبه و بی تردید.

کاوشها و پژوهشهایی که از دیرگهان در جاهای گوناگون این سرزمین باستانی انجام پذیرفته و گرد فراموشی و بیمهری سده ها و هزاره ها را، از پیکر آن رفته است، فرهنگی بسی شکوفان و تابان نمودار ساخته که بیش از دو قرن اوقات گرانمایه ترین دانشمندان و پژوهشمندان جهان را بخود مشغول داشته و در هر رشته آن، صدها کتاب و رساله و مقاله نوشته اند. شناخت این هنر و دانش برزادگان و پرورش یافتگان این مرز و بوم فرض است و باید با دید ژرفتری بدان بنگرند.

دیدار آثار با فر و شکوه تخت جمشید، پرده ای از هنر و فرهنگ مردمان هنرور این سرزمین را در دو هزار و پانصد سال پیش نمودار میسازد. هر ریزه کاری که در سنگ تراشیهای پله ها و درگاهها با سرانگشت هنرمندان کاربندی شده، هر جزئیکیارچه سنگی، یا سر ستون گران وزن، نمودار کمال نیرومندی و هنر آزمائی گذشتگان و نیاگان ماست که تاریخ جالب و مصوری را تشکیل میدهند. فرزندان عزیز ایران که خون پاک ایرانی در رگهایشان روان است، تاجائی که دست رسشان باشد، باید بنوبه خود در نگاهداری و بزرگداشت این یادبود ارجمند گذشته، از هر گونه کمک و مساعی با کسانی که کمر همت بر صیانت و نگاهداری این آثار بسته اند، فروگذار ننمایند. مأموران وزارت فرهنگ و هنر هم اکنون با کمال صمیمیت و دلسوزی برای ترمیم و صیانت این آثار میکوشند، بر اما هم فرض است که کمال همکاری را بنمائیم و از اینراه دین ملی خود را باین آثار ادا نمائیم.

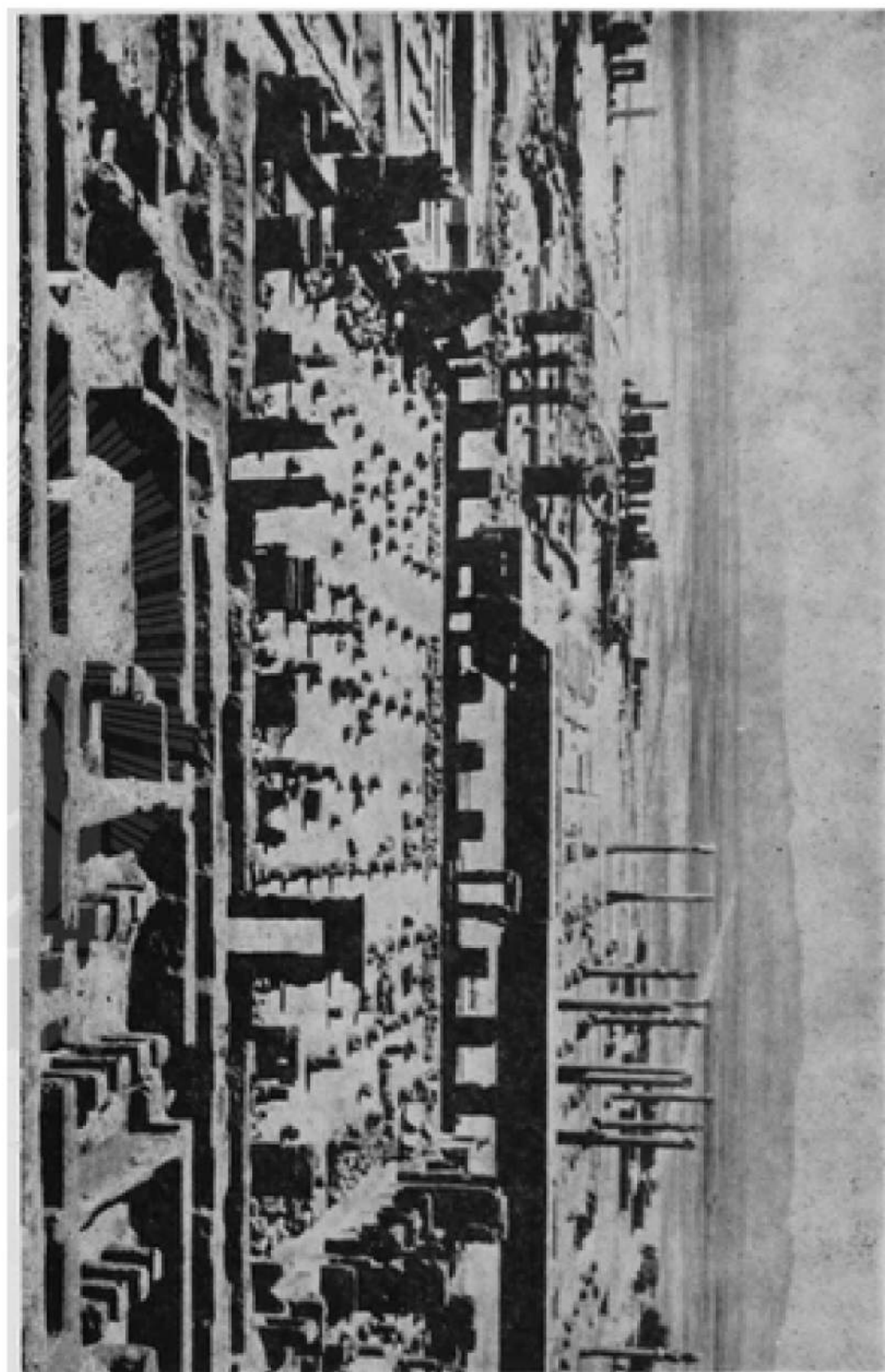
این آثار هزاران سال دیگر که ما خاک و خشت باشیم باید بماند و همانطور بر تارک زمان چون دانه گرانبھائی پرتو افکن باشد.



سرباز مادی

فهرست مطالب :

صفحه	عنوان
۱	۱- سرآغاز
۴	۲- توضیحات کاملی درباره کاخها و تزیینات
۱۰	۳- حصار تخت جمشید و وسعت بناهای روی صفا
۱۲	۴- پلکان بزرگ ورودی
۱۳	۵- دیوار جنوبی و سنگ نوشته بزرگ
۱۵	۶- تالار ورودی
۱۸	۷- کاخ آپادانا
۲۲	۸- پلکان کاخ آپادانا
۲۹	۹- صد ستون سنگی
۳۵	۱۰- کاخ مرکزی
۳۸	۱۱- کاخ تچر (تالار آینه)
۵۰	۱۲- تپه مرکزی
۵۱	۱۳- کاخ هدیش
۵۴	۱۴- اندرون (حرم سرا)
۵۸	۱۵- خزانه شاهنشاهی
۷۳	۱۶- جایگاه پاسداران و نگهبانان
۷۴	۱۷- چاه سنگی
۷۶	۱۸- دبیرخانه شاهی
۷۹	۱۹- آرامگاه اردشیر دوم و سوم هخامنشی
۸۴	۲۰- ساختمانهای خارج از صفا
۸۹	۲۱- چیزهای ارزشمند پیدا شده
۱۱۴	۲۲- سرانجام تخت جمشید
۱۱۶	۲۳- شرح مختصر کاوشهای علمی تخت جمشید
۱۲۵	۲۴- خط میخی هخامنشی



سراغاز

هخامنشیها که تیره برجسته و سرشناس و ممتازی از پارسیها بودند ، پس از بنیانگذاری يك شاهنشاهی پهناور ، از درّه سند تا آنسوی نیل و از آمودریا تا کرانه‌های دانوب ، بر آن شدند که کاخ باشکوه و آبرومندی که در خور آن شاهنشاهی گسترده ، و سرآمد همه پایتختهای کشورهای شرق باستانی باشد ، در خاک پارس که زادگاهشان بود ، بسازند . بنابراین در دامنه « کوه رحمت » ، مشرف بر جلگه سرسبز و گسترده مرو دشت که از هزاران سال پیش از هخامنشیها ، کهواره فرهنگ و هنر چشمگیری بوده ،^۱ نقشه کاخ بزرگی را طراحی ، و نخستین خشت بنای بزرگترین تالارش بین سالهای ۵۱۴ تا ۵۱۲ پیش از میلاد بدست توانای داریوش بزرگ کار گذارده شد .^۲

مقر فرمانروائی این دودمان پیش از کشورگشائی و جهاننداری کوروش ،

۱- مقصود تپه‌های ما قبل تاریخی باکوم ، سه کیلو متری جنوب غربی تخت جمشید و تل شقا و چند تپه دیگر که در آنها کاوش شده و آثاری از اواخر هزاره پنجم و هزاره چهارم و سوم پیش از میلاد یافته‌اند (موزه تخت جمشید - موزه ایران باستان) . ۲- همان صندوقهای سنگی محتوی الواح سیم و زر

یعنی هنگامی که برخاک پارس و خوزستان فرمانروائی داشتند در پاسارگاد^۱ و تخت سلیمان^۲ بود و پس از آغاز شاهنشاهی تازمان داریوش یکم، شوش^۳ و هگمتانه^۴ و بابل نیز بر پایتختهای پیش افزوده گردید. هم اکنون آثاری از آن‌ها در مسجد سلیمان و برد نشاندۀ^۵ خوزستان و پاسارگاد موجود و گویای يك فرهنگ و هنر شگرف و ممتاز پارسیها، پیش از دست یافتن بسایر کشورهای متمدن جهان و تشکیل شاهنشاهی هخامنشی میباشد.

شاهنشاهی ایران که کوروش بزرگ بنیانگذار آن بود و بدست کبوجیه فرزندش و سپس داریوش بزرگ جانشین شایسته و برومندش تکمیل و گسترده تر شد، شامل بخش بزرگی از آسیای میانه و تمام آسیای باختری

۱- پاسارگاد که در دوره‌های اسلامی بنام مشهد مادر سلیمان معروف گردیده، هشتاد کیلومتری شمال تخت جمشید سر راه شیراز به اصفهان سه کیلو متر خارج از جاده بین سعادت آباد و قادر آباد قرار گرفته است. بنای سنگی آرامگاه کوروش بزرگ و مانده‌های سه کاخ رفیع و مقداری نقوش وصفه بزرگ معروف به تخت سلیمان و چند آثار دیگر در آنجا باقی مانده که شرح کامل آنها در کتاب پاسارگاد تألیف مؤلف داده شده است.

۲- تخت سلیمان در خارج از مسجد سلیمان کنار راه بین این شهر و فرودگاه قرار گرفته قسمتی از پلکان ورودی و چند درگاه سنگی و مقداری از سنگهای بناها در آنجا موجود و نمایشگر يك کاخ بزرگ از سنگهای سفید مرمر نما میباشد. ۳- شوش پایتخت کهنسال عیلام که از صدها سال پیش از سلطنت هخامنشی، دائروا زمراکز مهم شرق باستان میباشد، برای اطلاعات بیشتر به کتاب ویرانه‌های شوش تألیف آقای دکتر حبیب‌الله صمدی مراجعه شود.

۴- هگمتانه پایتخت قدیم پادشاهان ماد که در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد بنا گردیده است، اطلاعات مشروح‌تر در باره این شهر را در کتاب هگمتانه تألیف آقای سید محمد تقی مصطفوی میتوان یافت.

۵- دو کیلومتری ساحل چپ رود کارون.

و قسمتی از خاک افریقا و اروپا میشد و کشورهایی که در زیر پرچم این شاهنشاهی بودند ، بموجب سنگ نبشته های میخی که بر سینه بیستون و نقش رستم و تخت جمشید ، نقش بسته ، عبارت بودند از : ماد ، عیلام (خوزستان) ، پارت (شمال شرقی و شمال خراسان) ، بابل و آشور (نواحی شمالی و جنوبی بین النهرین) ، لیدیه (آسیای صغیر) ، فینیقیه (سوریه و لبنان فعلی) ، مصر و حبشه و لیبی و ارمنستان و جزایر یونانی نشین کرانه های دریای سیاه و مدیترانه و بحر اژه ، بلخ و کابل و هند و سکائی و سغد و خوارزم و عربستان .



تخت جمشید علاوه بر اینکه تنها یادگار ایران بزرگ و یادبود دوران شکوه و سرافرازی شهریاران عظیم الشان پارس میباشد ، يك سند گران بها و گویائی از هنر و فرهنگ ریشه دار و برجسته دنیای کهن است . از تمدن و صنعت گذشته چه قبل و چه بعد از بنای تخت جمشید ، در سایر نقاط دنیا برخی آثار مانده ، ولی بندرت در میان آنها اثری دیده میشود که پیاپی عظمت و اهمیت تخت جمشید برسد . این مجموعه ای از پدیده های هنر و فرهنگ و پایه مهارت و استادی هنروران و همت بلند پادشاهان میباشد . دیدار بقایای این آثار نه تنها نمایاننده آثار صنایع عجم میباشد ، بلکه بیان کننده دانش و هنر و معرفت مردمان شرق باستان است که در لوای این شاهنشاهی بسر میبرده اند .

توضیحات کلی در باره کاخها و تزیینات

چون ضمن دیدار تخت جمشید به نکاتی برخورد مینمایند بنا براین لازم میداند پیش از شرح آثار بدانها اشاره نماید :

۱- کاخ تخت جمشید و سایر بناهای این دودمان به شهادت لوحه‌های گلی میخی که ضمن کاوشهای تخت جمشید پیداشد و توسط استادان خواننده خطهای میخی ترجمه و تفسیر گردیده ، بوسیله کارگران روزمزد که دستمزد کافی دریافت میداشته ، ساخته گردیده و بهیچوجه کار رایگان و بدون مزد و یا وادار ساختن اسیران را بزور و جبر بکارهای ساختمانی، در بناهای هخامنشیان معمول نبوده است ، بلکه همه کارکنان و کارگران چه ایرانی و چه از سایر کشورهای تابعه و گشوده شده ، دستمزدی فراخور شایستگی و پیشه‌شان بیول نقره رایج زمان دریافت میداشته‌اند .^۱

۲- بنیان گذاری تخت جمشید پس از فتح هندوستان توسط داریوش بزرگ انجام گرفته ، زیرا در لوحه‌های زر و سیمی که درون صندوق سنگی گوشه‌های کاخ آپادانا پیداشد ، داریوش حدود شرق کشورش را تا هندوستان

۱- سی و اندی هزار لوحه گلی در تخت جمشید پیدا شد . تعدادی از آنها که ترجمه شده همه سند خرج پرداخت دستمزد کارگران است . برای اطلاعات بیشتر به ترجمه الواح گلی تخت جمشید تألیف آقای سید محمد تقی مصطفوی چاپ سال ۱۳۳۰ ضمیمه مجلد اول گزارشهای باستان شناسی مراجعه شود .

نوشته است و این نواحی نیز در سال ۵۱۴ پیش از میلاد گشوده شد .

۳- نام اصلی تخت جمشید در سنگ نبشته پیشانی درگاه تالار ورودی (مدخل) و در لوحه‌های گلی مربوط بدستمزدها، همه جا «پارسه» نوشته شده و مهاجمین که در زمان اسکندر مقدونی بایران آمدند آنجا را «پرسه پلیس» یعنی شهر پارسه (پارسه شهر) نامیدند که تا این زمان زبانه تمام بیکانگانی که برای دیدار تخت جمشید می‌آیند، میباشد .

نام این پایتخت توسط تاریخ نویسان و گویندگان بعد از اسلام به «تخت جمشید» پادشاه داستانی دودمان پیشدادی نامگذاری شده و تا این زمان بهمین نام نامیده میشود و الا نام اصلی آن بطوریکه گفته شد «پارسه» از واژه پارس گرفته شده است .

۴- تخت جمشید يك پایتخت تشریفاتی بوده که جشن فروردگان و نوروز را در آنجا برگزار کرده چند روزی از روزهای بهار را در آنجا میگذراندند و سپس از راه پاسارگاد رهسپار پایتخت تابستانی خود هگمتان «همدان» میشدند . شوش پایتخت اداری و رسمی و مقر زمستانی هخامنشیان بوده است .

۵- سنگهای درگاهها و ستونها و سرستونها و زیرستونها، همه از کوه مشرق تخت جمشید (بنام کوه رحمت) جدا گردیده و پیاپی کار آورده شده است. هم اکنون در آن کوه تکه‌های زیادی سنگ موجود است که برای ساختمانها جدا شده و در جای خود باقی مانده است . از آنجمله هیولای دوسرستون گاواست که در درّه شمالی خارج از تخت جمشید بحال نیمه تراش در پائین کوه افتاده است . همینطور قلمه های ستون و زیرستون و سنگهای درگاه

نقاشیده. مرمر سیاه بکار رفته، برای زیرستونهای تالار حرمسرا (موزه فعلی) و برای پیکرها، از کوه مجد آباد مغرب پلخان آورده شده است. از سنگ این کوه هم اکنون برای تزئینات و نما سازی بناهای شیراز استفاده میشود. ۶- سقف تمام تالارها و ایوانها از چوبهای قطور سدر لبنانی و دیگر چوبهای جنگلی پوشیده بوده که در آتش سوزی معروف تخت جمشید، بکلی سوخته و گاهی تکه های سوخته یا نیم سوخته آن بین کاوشها دیده شده است.

۷- دیوار تالارها و اطاقها هر جا که سنگ کاری نبوده و دیوار بین درگاهها و نیمدرها، با خشتهای قطور با بعد $۱۳ \times ۳۲ \times ۳۲$ سانتیمتر ساخته شده است. آجر هم بهمین ابعاد در بعضی از ساختمانهای تخت جمشید با ملات قیر بکار رفته است. نمونه هایی از آنها که ضمن حفاریها بدست آمده، در موزه تخت جمشید نگاهداری میشود.

۸- درها چوبی و قطور بارو کشی از طلا یا فلز دیگری بوده است. قسمتی از روکش طلای در کاخ آپادانا (تالار بار) و همچنین روکشهایی از مفرغ و مس که پیدا شد، این نظریه را کاملاً تأیید نمود.

۹- کف تالارها و ایوانها و راهروها هر جا که سنگ نبوده با مخلوطی از شن و گچ و خاک سنگ که روی آنرا با رنگ قرمز ثابت و با دوامی رنگ آمیزی کرده اند، اندود گردیده. نمونه این کف قرمز زیبا و محکم در بعض جاها باقی مانده و دیده میشود. مخصوصاً در خزانه و حرمسرا و کاخ تَجَرّ ۱۰- کاخهای تخت جمشید بطور حتم در اثر سوختن، ویرانه گردیده و همه جا هنگام خاکبرداری آثار سوختگی چوب در و پرده و فرش دیده

شد و روی بدنه دیوارها نمایان بود . حتی بناهای خارج از صفه هم از این آتش سوزی معروف که توسط اسکندر و سربازان وحشی مقدونی و یونانی صورت گرفته ، در امان نماند و آثار سوختگی همه جا نمایان است .

۱۱- اگر آغاز ساختمان تخت جمشید را حدود سال ۵۱۲ پیش از میلاد حساب کنیم تا سال ۳۳۱ پیش از میلاد که اسکندر آنجا را آتش زد و ویرانه ساخت یکصد و هشتاد و اندی سال عمر آبادی این بنا بیش نبوده است .

۱۳- از هنرمندان و استادکاران اقوام متمدن که در آن هنگام جزء این شاهنشاهی بوده اند، مانند کارگران مادی ، سوریه ای ، مصری ، بابلی ، آشوری ، یونی و غیره استفاده شده است، ولی بهیچوجه کارگریونانی در بناهای هخامنشی کار نکرده و نفوذ و هنریونانی در هنر هخامنشی اصلاً و ابداً نمودار نیست. ولی از هنرمندان یونیه که در کرانه های آسیای صغیر و جزایر دریای اژه میزیسته اند و برای یونانیها هم کار میکرده اند ، استفاده شده است .

در لوحه های گلی پیدا شده در دییرخانه و خزانه تخت جمشید بخط میخی عیلامی نام کارگران و تخصص و ملیت آنها صریحاً ذکر شده و رفع هر گونه ابهام یا تصور نابجائی را غیر از آنچه گفته شد، مینماید . اگر و پلیرس و معبد معروف آتن حدود چهل پنجاه سال پس از بنای تخت جمشید ساخته شده است .

۱۴- سوای بناهای روی صفه ، تالارها و اطاقهای مجللی هم در خارج از صفه تخت جمشید تا حدود نیم کیلومتر بنا شده که آنها هم از سنگ، و بسیار ظریف و هنری ساخته شده و مقداری از آنها در خلال کاوشهای سی ساله

تخت جمشید نمودار گردیده است .

این ساختمانها جهت مشاوران و افسران و همراهان پادشاه و نمایندگان کشورها مورد استفاده قرار میگرفته است و با بناهای روی صفه جمعاً شهر شاهی را تشکیل میداده است .

۱۵- شهر بزرگ و منتسب باین پایتخت استخر بوده . ویرانه های آن با چند ساختمان سنگی حجاری شده نظیر بناهای تخت جمشید، در هشت کیلو متری شمال تخت جمشید کنار جاده شیراز به تهران دیده میشود . در ویرانه های استخر آثار دوره سلوکی و اشکانی و ساسانی و بعد از اسلام هم موجود است و این شهر از زمان هخامنشیها تا حدود قرن اول هجری مرکز استان پارس بوده است ، و بعد از آن شیراز جایگزین آن میگردد .^۱

۱۶- در زیر تمام تالارها و ایوانها و رویهمرفته زیر کلیه بنا، آبروهائی در سنگ کوه تعبیه نموده که آب پشت بام کاخها بتوسط ناودانهای سنگی از وسط جرزها بدرون آبروها که گاهی تا شش متر عمق دارد ، میریخته و از جنوب تخت جمشید خارج میگردد . عرض آبروها تا یک متر هم میرسد . در مشرق و خارج کاخ صد ستون پلکانی است که بدرون مجراها میرود و برای پاک کردن آبروها مورد استفاده قرار میگرفته . هم اکنون سیلاب کوه شرقی تخت جمشید را، همین زیرشوها و آبروهای زیرزمینی میکشد و بخارج از تخت جمشید میرسد.

قسمت مهم و اعظم این بنای رفیع در زمان داریوش بزرگ و قسمتی

۱- در صفحه ۱۹۹ کتاب تمدن ساسانی جلد دوم تألیف مؤلف این کتاب

درباره شهر استخر بطور مشروح بحث شده است .

نیز در زمان فرزندش خشیارشا ساخته و پرداخته گردید . سایر شاهان هم
گاهی تغییراتی در بعضی از کاخها داده و ضمائی بدانها افزوده‌اند.



نقش درگاه ورودی و منظره کاخ آپادانا و پلکان شمالی آن

حصار تخت جمشید

و وسعت بناهای روی صُفّه

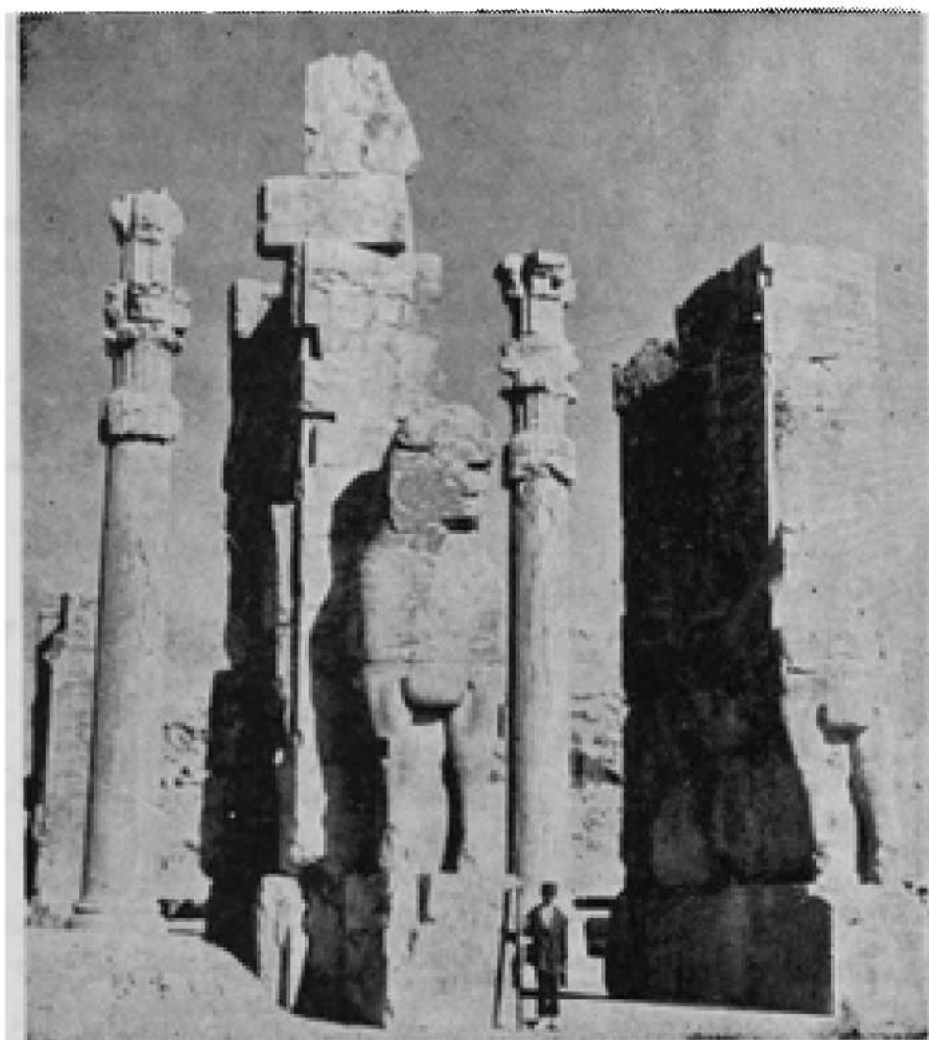
بناهای روی صُفّه قسمتی ویژه شاهنشاه و ولیعهد و ملکه و بانوان و شاهزادگان بوده ، مانند تَجر و هدیش و حرمسرا و قسمتی نیز جهت پذیرائیا و مراسم رسمی و شرفیابی نمایندگان و فرستادگان کشورهای تابعه و شخصیتها و افسران پارسی و مادی مورد استفاده قرار میگرفته است ، مانند کاخ آپادانا ، صد ستون و کاخ مرکزی و بعضی هم برای خزانة شمشها و سکه های زر و سیم ، پرده ها و اشیاء گرانبها و نگاهداری اسناد و نوشته های محاسباتی و ساختمانی و یا جایگاه پاسداران و نگاهبانان کاخ پادشاهی ، ساخته شده است .

آن قسمت که مربوط به پذیرائیا و شرفیابیا و تشریفات رسمی و برگذاری جشنهای ملی و دینی بوده ، دارای وسعت زیاد و درگاههای ورودی پهن و آنچه برای سکونت شخص شاه و ولیعهد و محارم و غیره قرار میگرفته ، کم وسعت تر و دارای درگاههای کوچکتر و باریک تر میباشد .

وسعت تمام صُفّه روی هم رفته در حدود یکصد و سی و پنج هزار متر مربع یعنی سیصد متر از مشرق تا مغرب و چهارصد و پنجاه متر از شمال به جنوب .

بناهای روی صُفّه را دیواری عظیم و مرتفع با سنگهای گران وزن بشکل کثیر الاضلاع ۴۳ ضلعی از طرف شمال و مغرب و جنوب ، و یک دیوار خشتی قطور به بلندی در حدود ۱۲ متر و قطر هشت متر در بالای کوه از طرف مشرق ،

در بر گرفته است^۱ و باز در همان کوه دوسه جا آثار سنگ بندی دیوار هائی دیده میشود که علاوه بر حصار روی کوه ، کاخ را از طرف مشرق حفظ مینموده است . سنگهای بکار رفته در حصار سنگی از همان کوه مجاور تخت جمشید جدا گردیده و هم اکنون قطعات بزرگ سنگ که از کوه جدا شده و میخواستند پپای کار بیاورند ، در همه جای کوه پراکنده است .



منظره تالار ورودی وستونهایش

۱- کوه رحمت در شرق تخت جمشید قرار گرفته و دیوار عظیم سنگی مشرف بجلگه مرو دشت، طرف مغرب واقع گردیده است .

پلکان بزرگ ورودی

تنها راه ورود به کاخ تخت جمشید دودستگاه پلکان بزرگ دو طرفی میباشد که بطور زیبا و محکمی از سنگهای بزرگ ترتیب یافته است . تعداد پلکانهای هر طرف ۱۱۰ عدد و هر چهار یا پنج پله‌ای از يك سنگ یکپارچه بزرگ و پهن تشکیل یافته است . درازای هر پله ۶/۹۰ متر و پهنای آن ۳۷/۵ سانتیمتر و بلندی ۱۰ سانتیمتر میباشد .

بین پلکان دو طرفی سطحه است که پس از گذشتن از ۶۸ پله بدان میرسند این سطحه ۷۳/۵ متر مربع وسعت دارد و توسط ۴۲ پله دیگر، پیالای صفه راهنمایی میشوند .

کنار پلکان نامبرده يك دست انداز سنگی بلندی ۷۵ سانتیمتر و کلفتی ۴۳ سانتیمتر گذارده بودند . دو تکه آن که موجود بود بجای خود گذارده شد و بقیه ازین رفته است . پله‌ها و سطحه‌ها همه صیقلی و راهوار و نمودار شکوه و عظمت دیرین خود میباشد .

در این پله‌ها و اصولا در اکثر از حجاریها ، سنگها را علاوه بر آنکه بطور دقیق درزگیری و بهم متصل ساخته اند ، توسط بستهای آهنی دم چلچله‌ای بهم چسبانیده‌اند که هیچگاه بین آنها شکافی بوجود نیاید . این بستها با اندازه‌های مختلف ، از سی سانتیمتر تا دو سانتیمتر دیده شده و روپوشی از سرب روی آنهاست که دوچار زنگ زدگی و تباهی نگردند .

دیوار جنوبی سنگ نوشته بزرگ

خدا این کشور را از دشمن از خشکسالی از دروغ نگاهدارد، و داریوش بزرگ

بر دیوار سنگی جنوبی تخت جمشید نوشته بزرگی ب سه خط میخی پارسی،
عیلامی و بابلی بدر ازای ۸ متر و پهنای دو متر که بزرگترین کتیبه تخت جمشید
است، نقر شده که مضمون آن چنین میباشد:

«اهورمزدا ی بزرگ، بزرگترین خدایان، اوداریوش شاه را آفرید،
اوبوی شاهی را ارزانی فرمود، بخواست اهورمزدا داریوش شاه است.
داریوش شاه گوید: این کشور پارس، که اهورمزدا آنرا بمن ارزانی
فرمود، زیبا و دارای اسبان خوب و مردان خوب است. بخواست اهورمزدا
داریوش شاه از هیچکس نمیترسد.

داریوش شاه گوید: اهورمزدا با خدایان خاندان سلطنتی مرا یاری
کناد، و این کشور را از دشمن، از خشکسالی، از دروغ نگاهدارد. باین
کشور نه دشمن نه خشکسالی و نه دروغ راه نیابد. اینرا من ازاهورمزدا
باخدایان خاندان شاهی درخواست میکنم. این را بمن ارزانی فرماید.
من داریوش، شاه بزرگ، شاه کشورهای بسیار، پسر و پستاسپ هخامنشی.
داریوش شاه گوید: بخواست اهورمزدا این است کشورهای که من
با کمک این مردم پارس از آن خود کردم. از من بیم دارند، بمن باج
میدهند: خوزستان، ماد، بابل، عربستان، آشور، مصر، ارمنستان،

کپد و کیه^۱ ، سارد^۲ ، یونانیها آ نایکه در خشکی هستند و آ نایکه در دریا ساکنند ، کشورهای آنسوی دریا ، اسکار تی^۳ ، پرثو^۴ ، زرنک^۵ ، هرات ، بلخ ، سغد ، خوارزم ، ث ت گوش^۶ ، رخج^۷ ، هند ، گندار^۸ ، سکائییه ، مکیا^۹ .

داریوش شاه گوید : اگر اندیشه کنی که از هیچکس نترسم ، این مردم پارس را نگاهدار ، اگر مردم پارس نگاهداری شوند ، ازین پس تادیرترین گاه ، شادی تباہ ناشدنی از اهور مزدا ، به آن خاندان شاهی برسد .»



نمای شرقی تالار ورودی

- ۱- ناحیه کوهستانی آسیای صغیر بین رود قزل آیرماق و فرات
- ۲- لیدیه (آسیای صغیر) ۳- جنوب پارت و غرب سیستان ۴- پارت
- ۵- خاک سیستان فعلی و جنوب هرات ۶- پنجاب ۷- نزدیک هرات
- ۸- دره کابل - قندهار ۹- نواحی مجاور دره هرمز

تالار ورودی مدخل

«این در که همه مردم کشور از آن می‌گذرد
من ساختم.» خیارشام شاه

پس از گذشتن از پلکان بزرگ ورودی، نخستین بنائی که جلب توجه را میکند و بفاصله پانزده متری پلکان قرار دارد، تالاری است بوسعت ۶۲۵ متر مربع که سقف آن بروی چهار ستون قرار گرفته و اینک دو ستون آن باقی مانده و قطعات يك ستون دیگر را در سالهای اخیر وصالی کرده و بجای خود گذارده‌اند. تالار ورودی دارای سکوهای سنگی در اطراف بوده که همه صیقلی شده و شفاف بوده است.

تالار ورودی سه درگاه بزرگ دارد که بر جرز درگاه غربی هیولای گاو و بر دو جرز درگاه شرقی نقش بزرگ انسان بالدار که تنه حیوان دارد حجاری گردیده است. درگاه دیگر که بطرف آپادانا (تالار بار) باز میشود، فقط تا یک متر آن از سنگ ساده صیقلی شده بدون نقش، و بقیه با آجر بوده است. در کنار این درگاه جای پاشنه در از سنگ منقش بگلپای ۱۲ برگ، دیده میشود، از روی این جا پاشنه میتوان حدس زد که قطر درهای چوبی سی سانتیمتر بوده و باروکشی از طلا یا فلز دیگری تزئین گردیده بوده. از این درگاه بحیاط شمالی کاخ آپادانا و از آنجا بخود کاخ میروند.

بر بالای چهار جرز درگاههای شرقی و غربی نوشته‌ای يك مضمون

۱- ارتفاع ستونهای این تالار ۱۶/۶۶ متر، عرض درگاهها ۵/۱۲۵ متر دیوارها از خشت و آجر و در مدخل ۴/۶۰ متر کلفتی داشته است.

وبسه زبان پارسی و عیلامی و بابلی نوشته شده است ، براینمضمون :
« خدای بزرگی است اهورمزدا ، که این زمین را آفرید ، که مردم را
آفرید ، که شادی را برای مردم آفرید ، که خشیارشا را شاه کرد ، شاهی
را از بسیاری و فرمانداری را از بسیاری فرمانداران .
من هستم خشیارشا ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورهای که شامل
همه گونه مردم است ، شاه این زمین بزرگ دور و دراز ، پسر داریوش
شاه هخامنشی .

خشیارشاه گوید : بخواست اهورمزدا ، این در که همه کشورها از آن
میگذرند ، من ساختم ، و بسیار کارهای زیبای دیگر در این پارسه
(تخت جمشید) کرده شده ، که من و پدرم کرده ایم ، هر کاری که بدیده
زیباست آن همه را بخواست اهورمزدا ما کردیم .

خشیارشاه گوید : اهورمزدا مرا و شهریاری مرا پیایاد و آنچه بوسیله
من و پدرم کرده شده ، آنرا اهورمزدا پیایاد .»

در این نوشته خشیارشا تصریح مینماید ، که پدرش داریوش و خود او
بناهای عالی در پارسه ساخته اند .

درگاه شرقی بطرف يك خیابان بطول ۹۲ متر و عرض حدود ده متر باز
میشود که آن خیابان ، این ورودیه و ورودیه نیمه تمام کاخ صد ستون
سنگی را بهم متصل میسازد .

در کنار دیوار جنوبی این ورودیه در حیاط آپادانا يك قطعه سنگ
یکپارچه حوض مانندی با اندازه $۵/۶۸ \times ۴/۸۵$ متر و بلندی حدود دو متر
نیمه تراش موجود است که از لحاظ حجم زیاد خود از عجائب و شاهکارهای

حجاری میباشد. گودی آن یکمتر است.

در شرق و شمال حیاط کاخ آپادانا، اطاقهای خشتی بوده که شاید جای پاسداران و نگهبانان و خدمتکاران کاخ بوده است. پایه خشتی دیوار و اطاقها که در خلال کاوشهای سی ساله بدست آمد، بهمان حال پوشانده شد و نگاهداری میگردد.



سربازان و پاسداران پارسی و مادی بر دیوار پلکان کاخ آپادانا

« اینت شایسته ای که من دارم. از گانه تاجیه
از بند تالیدیه سایه صغیره دار پوش بزرگ

کاخ آپادانا

بزرگترین و باشکوه ترین کاخ تخت جمشید از لحاظ وسعت و ارتفاع و سلیقه و مهارتی که استادان فن و معماران برای ساختمان پلکان و سرستون و ستون و زیرستونهاش بکار برده ، و از شاهکارهای هنری و معماری عهد باستانی بشمار میرود ، کاخ بار داریوش بزرگ است که بنام آپادانا نامیده میشود .

تالار و ایوانهای این کاخ سربفلك کشیده در قسمت مرتفعی از صفا تخت جمشید و مسلط بر جلگه وسیع مرو دشت ، بروی صخره های صاف شده کوه ، پی گذاری گردیده و در موارد برگذاری جشنهای ملی و مذهبی و پذیرائیهای رسمی و شرفیابی نمایندگان و فرستادگان کشورهای تابعه ، مورد استفاده قرار میگرفته است .

این کاخ مرکب است از يك تالار در وسط و سه ایوان در مشرق و شمال و مغرب و تعدادی اطاقها در جنوب . وسعت تالار مرکزی ۳۶۰۰ متر مربع (۶۰ × ۶۰ متر) با ۳۶ ستون (۶ × ۶ ردیف) با ارتفاع ۱۹/۲۶ متر (جمع ارتفاع زیرستون و ستون و سرستون تا زیر سقف)^۱ ، ایوانها هم هر کدام ۱۲ ستون دارد و اینك از ۷۲ ستون تالار و سه ایوانش ، ۱۳ ستون بیش

۱ - اندازه دقیق ستونها و اجزایش : پایه ستون ۱/۵۵ متر ، بدنه ستون ۹/۸۵ متر چهار اجزاء سرستون رویهمرفته ۷/۸۶ متر ، جمعا ۱۹/۲۶ متر .

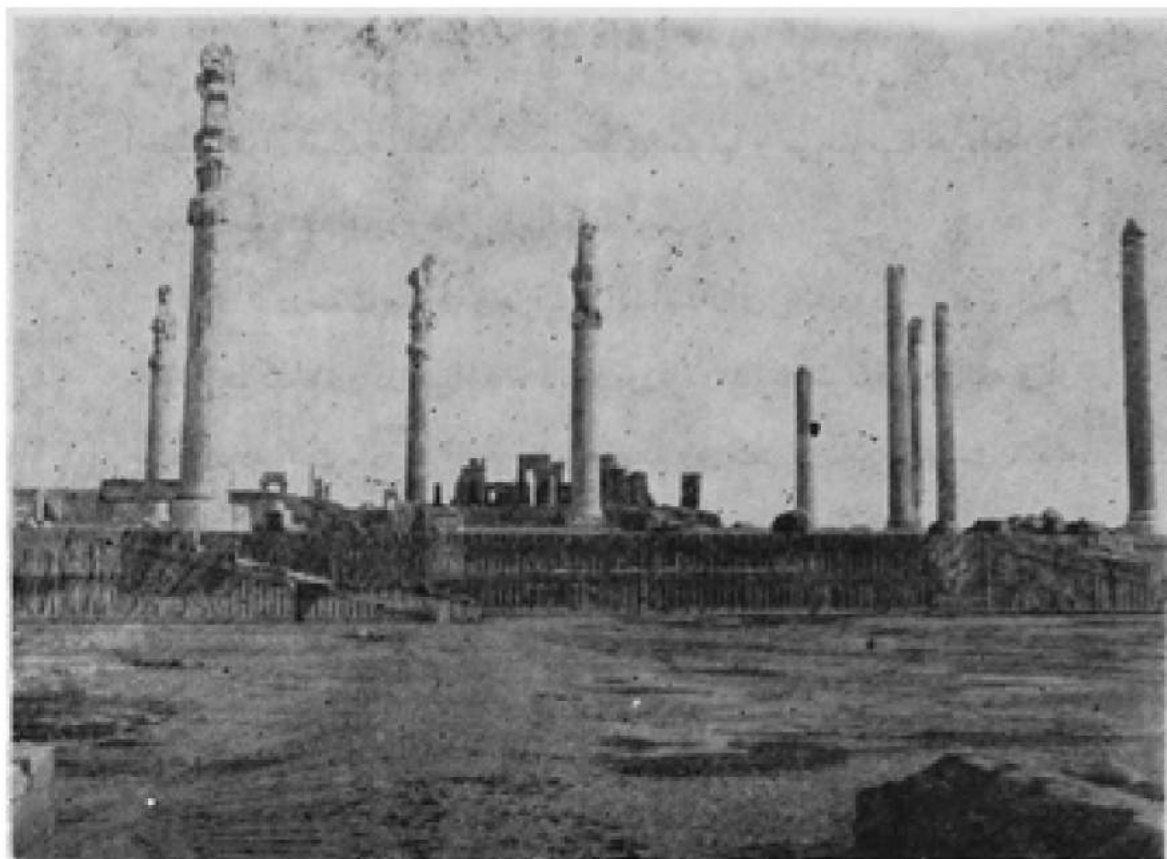
برجا نمائنده و قطععات يك ستون از ايوان شرقی را در اين يکی دو سال
اخير مشغول نصب ميباشند . شکسته های ستونها و سرستونها هر مقدار که
زیر خاک بوده در همان حوالی پراکنده است .

آبادانا در سمت مشرق و مغرب هر کدام دارای يك درو در سمت شمال و
جنوب هر کدام دو در ميباشد . ديوار دور تالار ۵/۵ متر کلفتی داشته و از
خشت بوده است . درها از چوبهای محکم و روکشی از طلا داشته است . يك
قطعه از روکش طلای اين درها که روی آن نقش سه گاو بالدار طراحی
گردیده با اندازه ۱۲ X ۳۱ سانتيمتر در زمستان سال ۱۳۱۹ خورشیدی
ضمن کاوشهای ما پيدا شد که با ميخهای زرین بدر کوبیده ميشده است .
(موزه ايران باستان)

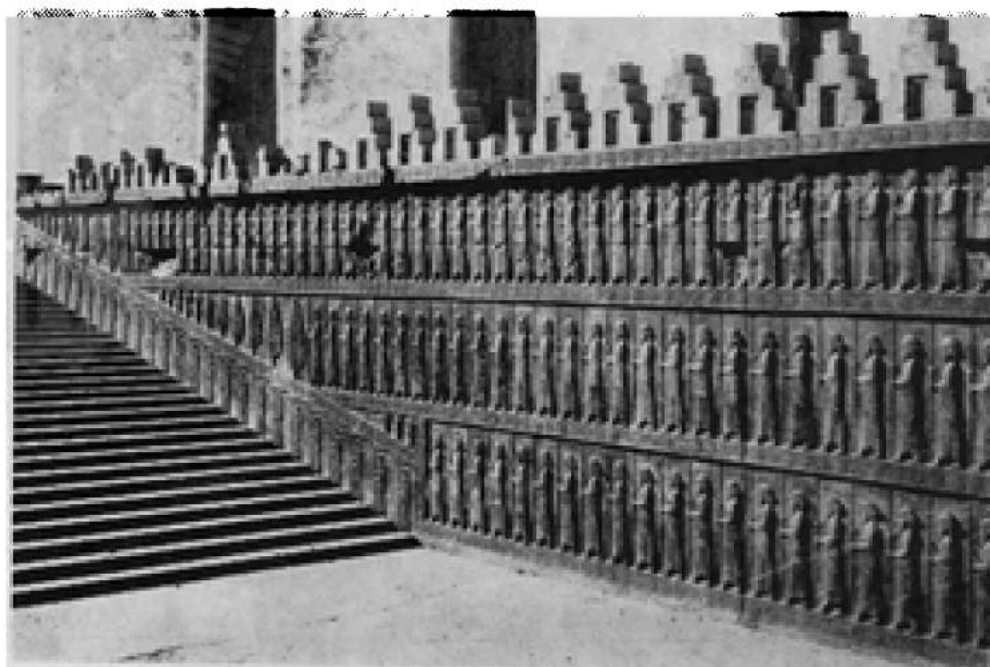
نمای داخلی تالار مرکزی با کاشیهای رنگين منقوش بنقش حيوانات
و درختان سرو و نخل و بعضی با خطهای ميخی ، مزین بوده است . قطعاتی
از اين کاشیها که پيدا شده در ايوان شرقی عمارت محل سکناي کارکنان
نصب گردیده و قسمتهائی هم که نقش حيوانات و خطوط ميخی دارد، بموزه
ايران باستان منتقل گردیده است .

در دو گوشه ديوار شرقی کاخ آبادانا در پائين سال ۱۳۱۲ خورشیدی
دو صندوق سنگی که درون هر کدام يك لوحه طلاويك نقره بود پيدا شد.
روی اين لوحه ها حدود ايران بزرگ هخامنشی بسه زبان پارسی و عيلامی
و بابلی^۱ نوشته شده است بدین مضمون :

۱- ميخی پارسی ۱۰ سطر عيلامی و بابلی هر کدام هفت سطر است .



کاخ آپادانا و منظره دیوار پلکان شرقی



منظره قسمتی از پلکان شرقی آپادانا - سربازان خوزستانی

«داریوش شاه، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها پسر و پستاسپ هخامنشی»
 داریوش شاه گوید: اینست شاهنشاهی که من دارم از سکاها که آنطرف
 سغد است، تاجبشه، از هند تا سارد که آنرا اهورمزدا که بزرگترین
 خدایان است بمن ارزانی فرمود. اهورمزدا مرا و خانواده شاهی مرا پیاید.»
 دو صندوق دیگر با چهار لوحه در دو گوشه دیوار غربی بوده که چون
 آن دیوار از قرنهای پیش بکلی از بین رفته، معلوم نیست که چه وقت و بدست
 چه اشخاصی افتاده که بدون توجه بارزش مهمی که خط روی آن داشته،
 آنها را آب و برای مصرف دیگری بکار برده اند.

جعبه های سنگ ۱۲ × ۴۵ × ۴۵ سانتیمتر اندازه دارد و لوحه ها
 ۳۳ × ۳۳ سانتیمتر و قطر ۱۵ میلیمتر و وزن رو به مرفته نه کیلوگرام (لوحه
 طلا ۵ کیلوگرام، لوحه نقره چهار کیلوگرام).

چهار جعبه سنگی نامبرده بدست توانای داریوش بزرگ در چهار جز
 کاخ بار، بجای خشت اولیه بنا کار گذاشته شده بود. جای یکی از صندوقهای
 سنگی که در گوشه شمال غربی کاخ در سنگ کوه کنده شده، موجود و بخوبی
 دیده میشود. (این لوحه ها هنگامی که پرفسور هر تسفلد سرپرستی کاوشهای
 تخت جمشید را داشت، پیدا شد)

سرستونهای ایوان شرقی بشکل پیکر شیر بوده که یکمعد آن در
 فروردین ۱۳۲۱ در گوشه شمال شرقی حیاط آپادانا در گودال پیدا شد
 و شکسته های بقیه نیز در همان ایوان پراکنده است ولی سرستون ایوان
 شمالی و غربی پیکره گاو بوده که نمونه ای از آن در حیاط آپادانا و در موزه
 تخت جمشید موجود است.

پلکان کاخ آبادانا

«آنچه در اینجا و آنچه در جای دیگر شده
همه را بنخواست اهور مزدا من کردم»
خسروشاه

آبادانا دو دستگاه پلکان مفصل دو طرفی که از شاهکارهای حجاری دوره هخامنشی میباشد، داشته. یکی در شمال که چون زیر خاکهای آوار رفته و از خاک بیرون بوده، آسیب فراوانی دیده و قسمتهایی از آن باتیشه محو و قطعاتی هم ازین رفته است. دیگری که در سمت مشرق بوده خوشبختانه چون بیست و اندی قرن زیر خاک پنهان مانده، جز قسمتهای مختصری از آن، بقیه سالم و نمودار درجه مهارت و استادی طراحان و سنگ تراشان و کارگران، و شکوه و عظمت کار فرمایان بلند نظر و نیرومند بوده و خود بمنزله تاریخ مصور و بی تردیدی میباشد.

جبهه این پله ها بادیوارش ۸۱/۷۵ متر طول دارد و از سه قسمت متمایز و متنوع ترکیب یافته است و هر کدام منظور و صحنه خاصی را حکایت مینماید. در یک طرف (دست راست) سرداران و افسران ارشد پارسی و مادی و سربازان جاودان پارسی و خوزستانی را با تجهیزات و لباسهای مخصوص بخود مینمایاند، که برای شرکت در یکی از مراسم و عرض شادباش بکاخ بار میروند. در ردیف بالا ارا به های شاهی نمایانیده شده است. در طرف دیگر (دست چپ) نمایندگان ۲۳ کشور در سه ردیف که هر دسته توسط یک نفر پارسی یا مادی راهنمایی میشود، با پیشکشها و مالیات مقرری

و فرآورده‌های و بژه سرزمین خود، نمودار گردیده که عازم شرفیایی به پیشگاه شاهنشاه هخامنشی در کاخ بار میباشند. قسمت دیگر که دیوار جلوپله را تشکیل میدهد، نقوش سربازان و پاسداران پارسی و مادی با سپر و تیردان آنها حجاری شده و بر بالای آن نقش حیوان نشسته بالدار با سراسن، طراحی گردیده است.

۲۳- کشوری که نمایندگان و فرستادگان نشان در طرف چپ پلکان حجاری شده، در ردیف بالا به ترتیب از طرف دست راست عبارتند از:

۱- نه نفر مادی با لباسهای کوتاه حامل ظروف پراز زر و سیم و گلدان و ظرفها و شمشیر مادی و دستبند و تکه‌های دوخته جامه (جبه، شلوار، آستین لباس).

۲- شش تن خوزستانی حامل دو کمان و دودشنه و شیرماده و بچه‌های او

۳- چهار نفر هراتی با ظرفهای پروشتر دو کوهان با کتربا و پوست شیر یا حیوان دیگری.

۴- چهار نفر نمایندگان رنج^۱ حامل ظروف و شتر.

۵- شش نفر مصری که گاو و پارچه هدایای آنهاست.

۶- پارتی‌ها چهار نفر با کاسه و جام و شتر دو کوهان.

۷- اسکار تا ۲ پنجنفر که جامه و شلوار و اسب بادهانه می‌آورند.

ردیف وسط:

۱- سه نفر ارمنی حامل اسب و گلدان بزرگ.

۲- شش نفر بابلی با ظرفهای پراز طلا و پارچه و گاو کوهان دار.

۱- کناره‌یرمند افغانستان کنونی تا قندهار ۲- جنوب پارت و مغرب سیستان

۳- هفت تن از مردمان آسیای صغیر (سیلیسی یا کیلیکیه) ۳ حامل ظروف و پوست دباغی شده و لباس وقوچ .

۴- شش نفر نمایندگان سکاهاى تیزخود با اسب دهنه دار و دو حلقه دستبند و قطعات پارچه وجبه وشلوار .

۵- شش نفر ازاهاالى گنداره ۴ با گاو کوهان دار و نیزه و سپر .

۶- سفديها پنجنفر باخنجر و دست بند زرین و تبرزین و اسب .

ردیف پائين :

۱- شش نفراهاالى فينيقيه حامل گلدانهاى طلا و بازو بند و ظروف و ارايه .

۲- پنجنفر اهاالى کبد و کيه (ناحيه کوهستانى آسیای صغیر بين رود قزل آيرماق و رود فرات) با اسب قوی هیکل درشت استخوان و قطعات لباس .

۳- يونانيان آسیای صغیر هشت نفر که دو ظرف پراز طلا و دو جام طلا و طاقه هاى پارچه ، هداياى آنها میباشد .

۴- بلخيها (باختریش) چهار نفر شتر دو کوهان بلخى و ظرفهاى پراز اشیاء ، پیشکشی آنهاست .

۵- پنجنفر هندی که پیشکشیهائى خود را در کوزه هاى در بسته داخل سبدهائى گذارده و بدو سر چوبى آویزان کرده اند و چوب را يکنفر بردوش گرفته است .

سپس پنج مجلس ديگر در موازات شیب پلکان بروى نقش شیر و گاو به ترتيب زیر :

۱- اهاالى اسكودرى (تراس و مقدونيه) چهار نفر اسب و سپر و نیزه میآورند .

۱- نواحى قدیم جنوب شرقى آسیای صغیر ۲- جای کابل فعلی تا پیشاور



نمایندگان کشورهای تابعه شاهنشاهی هخامنشی هدایای خود را میبرند
(پلکان شرقی آپادانا)

۲- عربها (بادیه نشینان بین شامات و بین النهرین) با شتریک کوهان و پارچه .

۳- زرنگیان چهار نفر که پیشکشی آنان گاو و نیزه و سپر میباشد .

۴- لیبی ها سه نفر با نیزه و عرابه دو اسبه و بز .

۵- آخرین مجلس سه نفر نمایندگان حبشه حامل زرافه (شتر گاو پلنگ) و داس و عاج .

در طرفین پله ها در هر پله یک نفر از افراد فوج جاودان (فنا ناپذیر) با تجهیزات نظامی نیزه بدست ایستاده اند و در سطحه بین دو پله ها بردست انداز سنگی سمت مشرق زیرکنگره ها، چند نقش سربازان جاویدان پارسی نیمه تراش دیده میشود که هنوز قسمتهائی از آنها را تراشیده اند .

بین نقشهای دو بدنه راست و چپ دو نوشته میخی موجود است . نوشته دیوار طرف راست بین سرداران پارسی و هادی: با خطهای عیلامی و بابلی است، ولی نوشته دیوار طرف چپ بین نمایندگان کشورها، میخی پارسی است. مضمون هر دو یکی و بدین شرح است :

دخدای بزرگی است اهورمزدا ، که این زمین را آفرید ، که آن آسمان را آفرید ، که این مردم را آفرید ، که شادی برای مردم آفرید ، که خشیارشا را شاه کرد ، یک شاه از بسیاری ، یک فرماندار از بسیاری .

من خشیارشا ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورها ، دارای همه گونه مردم ، شاه در این زمین بزرگ دور و دراز ، سرداریوش شاه هخامنشی . خشیارشا ، شاه بزرگ گوید : آنچه در اینجا بوسیله من کرده شد و آنچه دور از اینجا بوسیله من کرده شده همه آنرا بخواست اهورمزدا کردم .

اهورمزدا با خدایان ، مرا و پادشاهیم را و آنچه بوسیله من کرده شد ،
نگاهدارد . »



آوردن بهترین فرآورده و کالای هر کشور بدربار هخامنشی و گذراندن
آن از نظر شاهنشاه ، که شاید در جشنهای فروردگان و مهرگان برگزار میشده ،
علاوه بر جنبه تشریفاتی و پرداخت مالیات و خراج مقرری سالانه‌شان در
افزایش و پیشرفت و به سازی کالا و فرآورده هر کشور مؤثر بوده و هنرمندان
و پیشه‌وران و کشاورزان کشورها ، کوشش میکردند که بازده و فرآورده
هر سال خود را بهتر و زیباتر از سال پیش از نظر پادشاه بگذرانند .

نقوش این پله‌ها از شاهکار هنری دوره هخامنشی و با هیچ بهائی نمیتوان
آنها را برابر کرد و نسل و نژاد ایرانی موظف است که در نگاهداری آن از
جان و دل بکوشد و نگذارد که مرور زمان و عوامل مخربه طبیعی آن
شفافیت و جلا و زیبایی‌اش را دستخوش تباهی سازد . نویسندگان این کتاب
زمانی که افتخار سرپرستی کاوشها و نگاهداری این میراث عظیم را داشت ،
در حدود امکاناتی که در اختیار بود در سال ۱۳۲۳ خورشیدی يك سايبان
ساده روی آن احداث کرد که حدود بیست سال این نقوش بی نظیر و بدیل را
در زیر خود نگاه داشت و اکنون که این سطور را مینویسد آن سايبان
ساده برداشته شده و امیدوار است که مسئولان امر اندیشه ساختمان يك
سايبان متناسب را بروی این آثار ، زودتر بمرحله عمل در آورند تا بدینوسیله از
تباہ شدن تدریجی آن جلوگیری شود .

همانطور که این آثار گرانبها ، قرنهای متمادی و مخصوصاً امروز ، مورد

افتخار و مباهات ایرانیان پاك نها بوده و هست ، سده ها و هزاره های دیگر
 پس از این، که ما خاك و خشت باشیم، باید موجب سربلندی و مباهای نسلهای
 آینده هم باشد .



انسان بالدار با تنه حیوان که در چند جا بر پیشانی دیوار جلوپله ها
 نقش گردیده است (پله های آپادانا - کاخ مرکزی - تچر)

صدستون سنگی

بزرگترین کاخ پذیرائی از حیث وسعت ، صدستون سنگی خشیارشا است که تقریباً ۴۹۰۰ متر مربع (۷۰ × ۷۰ متر) اندازه فضای داخلی آن و از صدستون سنگی (ده ردیف در ده) که هر کدام ۱۲ متر ارتفاع داشته تشکیل می یافته است .^۱

کاخ نامبرده در قسمت مشرق کاخ آپادانا و دو متر گودتر از آن قرار دارد. تشکیلات ستون و ضمائم آن درین قصر مانند ستونهای کاخ آپادانا است منتها از حیث قطر و بلندی به نسبت $\frac{1}{3}$ کوچکتر و کوتاهتر از آنهاست . دوتکه سرمستون گاو در ایوان تالار ۳۲ ستونی (شرق فضای شمالی کاخ صدستون) پیدا شده که حدس زده میشود مربوط بکاخ صدستون بوده است. تالار صدستون هشت درگاه ورودی و خروجی دارد (دو درگاه در هر طرف) چهار درگاه شمالی و جنوبی وسیع و بعرض ۳/۷۰ متر میباشد . بر بدنه درگاههای شمالی ده ردیف سربازان نیزه دار پارسی و مادی يك در میان نقش گردیده و بر فراز آنها اورنگ شاهنشاهی قرار دارد، در حالی که شاهنشاه روی آن نشسته و بگزارش یکی از بزرگان ماد رسیدگی مینماید . دو مجمر یا عود سوز در برابر شاه نموده شده و پشت سراو دو نفر از ملازمان در بار دیده میشود . چون شبیه این مجلس حجاری در ساختمانهای

۱- در سنگ نبشته پهلوی دیوار سنگی ایوان جنوبی کاخ تچر بنام «ست ستون» یاد گردیده است .



درگاه جنوبی کاخ سدستون سنگی

معروف بخزانة موجود است، از ذکر خصوصیات و توضیحات بیشتری در اینجا صرف نظر مینماید .

بر درگاههای جنوبی، هر طرف ۱۴ نفر که جمعاً ۲۸ نفر و هر کدام نماینده مردم یکی از کشورهای شاهنشاهی هخامنشی میباشد مجسم گردیده است . آنها اورنگ شاهنشاهی را بروی دستهای خود نگاهداشته اند ، صندلی شاه که اصولاً از زر بوده در بالای تخت قرار دارد . شاهنشاه درین مجلس تنهاست و فقط خدمتگزاری پشت سراو دیده میشود . در بالای سر شاه پس از نمودن دو ردیف شیر و گاوهای کوهی ، شکل فروهر را در حال پرواز نقش شده است .

ملیت اشخاصی که در زیر تخت شاه قرار گرفته اند ، با تطبیق بنقوش پلکان و نقوش زیر تخت اردشیر سوم (بالای آرامگاه) بشرح زیر است :

نقوش طرف دست راست هنگام ورود به تالار ، از بالا پیاثرین :

عیلامی ، ارمنی ، سوریهای ، سیلیسی ، مصری ، یونانیهای کرانه دریا ، قندهاری ، ساگارتی ، سکائی ، سغدی ، عرب ، لبنانی ، یک تیره دیگر سکائی .

طرف دست چپ از بالا پیاثرین : ماد ، آریان ، بابلی ، آراخوزی ، لك ب دوکیه ، سکائی ، پارتی ، باختری ، تیره دیگر سکائی ، هندی ، ستاگید زرنکی ، حبشی .

بر چهار درگاه شرقی و غربی که تنگتر از چهار درگاه مشروح بالاست ، نموداری از شکار شیر و جدال شاه با مظهر اهریمن حجاری گردیده است ، شاه با تمام نیرو بر مظاهر مختلف اهریمن غالب آمده شکم او را میدرد . مظهر اهریمن و حیواناتی که هم نبرد شاه قرار گرفته ، در هر درگاهی بشکلی

جداگانه جلوه داده شده است . یکجا بشکل حیوانی بالدار با سر و تنه و پای شیر و دم عقرب و چنگال عقاب ، جای دیگر شبیه گاو کوهی و در سومی بشکل شیر و چهارمی شبیه مرغ شکاری است .

نیمدره‌های سنگی تالار صد ستون بطرف ایوانی که در شمال کاخ قرار گرفته و به هیولای دو حیوان شبیه بگا و در دو طرف آن ایوان منتهی و تزئین گردیده، باز میشود و دیگر نیمدره‌ها در سه جهت شرقی و جنوبی و غربی بسته و تشکیل طاقچه‌های سنگی داده است . دور تا دور تالار صد ستون را راهروها و طاقهای کوچک مربوط به نگهبانان کاخ و خدمتکاران پذیرائی احاطه میکرده است .

در اواخر دوره هخامنشی برای این کاخ بزرگ در فضای شمالی آن دست بکار ساختمان يك ورودیه، همانند ورودیه آپادانا شده بودند که نیمه تمام مانده و اینك تکه‌های بزرگ سنگ و سرستون و بدنه‌های ستون نیمه تراش در همان پیرامون پراکنده ، برخی تراشیده شده و پاره‌ای تراشیده است . فضای شمالی صد ستون توسط يك خیابان نود متری پهن بمدخل اصلی کاخ و پله‌های معظم ورودی متصل میگردد . در مشرق صد ستون و در جانب شرقی فضای شمالی آن ، ساختمانهای خشتی بوده است که مهمترین آنها تالاری است با ۳۲ ستون که زیر ستونهای سنگی آن موجود میباشد.^۱

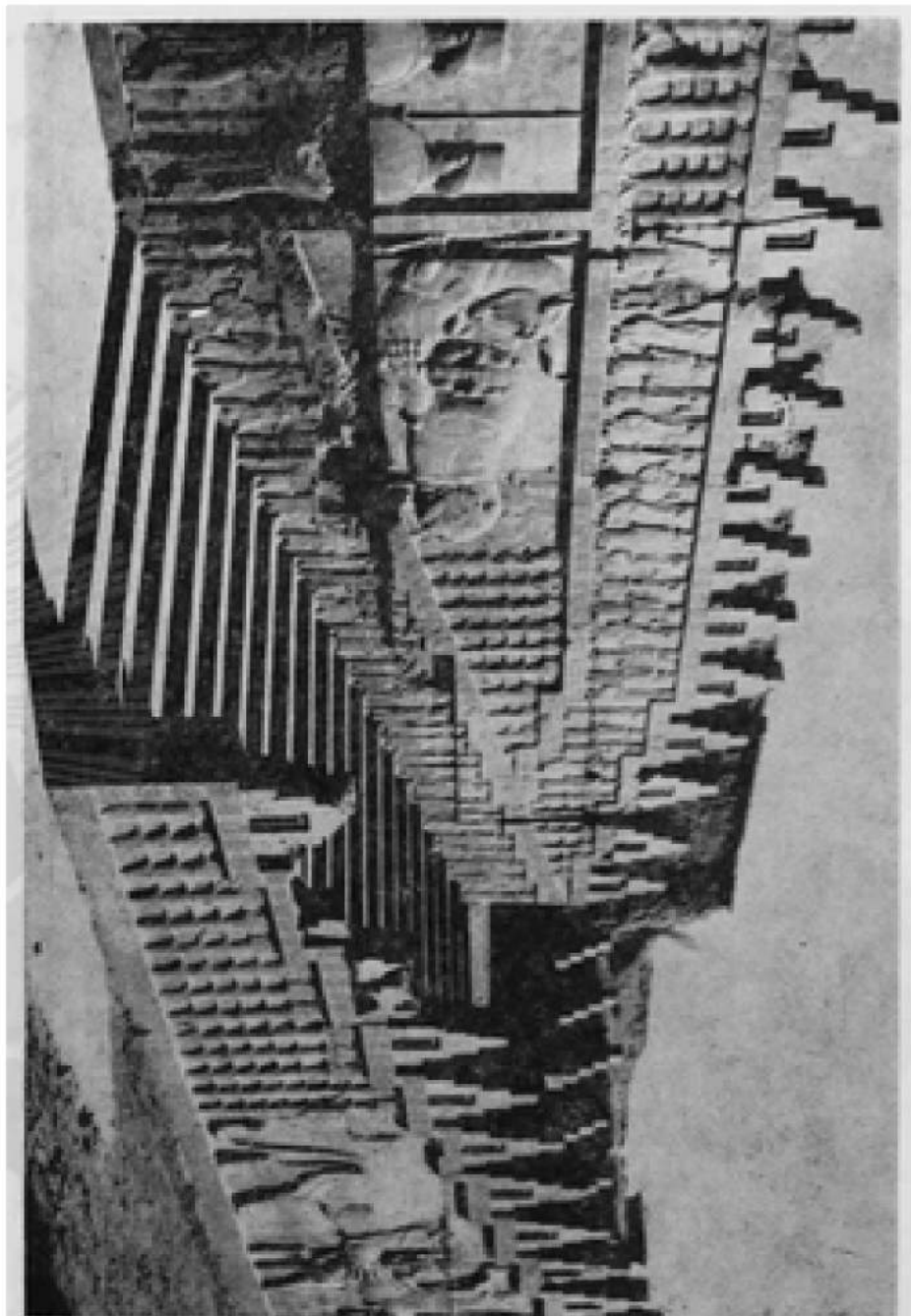
۱- پژوهشهای فنی باستان شناسی و حمل خاکهای انباشته شده در صد ستون که در پاره‌ای از جاها تا حدود ۲/۵ متر میرسید، در تابستان سال ۱۳۱۹، و خاکهای فضای شمالی صد ستون بین سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۵، و خاک اطاقهای شرقی صد ستون را که تا چهار متر میرسید در سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ توسط بنگاه علمی تخت جمشید تحت سرپرستی مؤلف برداشته شد و بخارج از صفه منتقل گردید .

حد واصل این ساختمانها و کوه رحمت ، يك خیابان به پهنای ۷/۵ متر و درازای ۱۵۰ متر بوده است که خاکبرداری آن در سال ۱۳۲۷ شروع و در سال ۱۳۲۹ پایان پذیرفت .

راجع بساختمانهای شرقی کاخ صد ستون که اینک دیوارهای خشتی آن در اثر کاوشهای اخیر نمودار گردید ، چنین حدس زده شد ، که جایگاه نگاهداری و توقف عرابه ها و اسبهای سلطنتی در روزهای سلام و بارعام و هنگامی که پادشاه میخواست به بیرون از کاخ عزیمت نماید ، بوده است . داریوش بزرگ در کهنترین سنگ نوشته خود ، از اسبهای زیبا و خوب سخن گفته و داشتن آنها را از مزایای سرزمین پارس شمرده است .



منظره کاخ صد ستون پس از خاکبرداری در کاوشهای سال ۱۳۱۹



نقوش پلکان شمالی کاخ مرکزی

کاخ مرکزی

در گوشه جنوب شرقی آپادانا کاخ چهارگوش دیگری است که چون در میان سایر کاخهای تخت جمشید قرار گرفته و وسیله ارتباط بین آپادانا و کاخ صد ستون سنگی و عمارت حرمسرا و خزانه و تچرا میباشد، آنرا میتوان کاخ مرکزی خواند^۱. این ساختمان دارای سه در نسبتاً بزرگ بوده که بریک درگاه آن نقش ۲۸ تن از نمایندگان کشورهای جزء امپراطوری حجاری گردیده، در حالیکه تخت شاهی را بروی دست دارند و داریوش بزرگ و ولیعهد و الاتبارش (خشیارشا) بروی تخت قرار گرفته اند. (ولیعهد طبق معمول پشت سر شاه ایستاده و داریوش بروی صندلی نشسته است)، ساختمان این بنا نیز در عهد داریوش بنیان‌گذاری گردیده و ۲/۶۰ متر از سطح حیاط شمالی بلندتر میباشد و در زمان خشیارشا گسترش پیدا کرده است. کاخ مرکزی دارای دو ایوان ستون دار در شمال و جنوب بوده که دور آن ایوانها، مانند تالار ورودی سکوهاى سنگی گذارده بودند. پله‌های این کاخ نیز از شاهکارهای حجاری تخت جمشید است. در یک طرف سرداران

۱- دانشمند فقید پرفسور هر تسفلد این کاخ را سه دری Tripylon نامیده است، زیرا تالار مرکزی آن دارای سه درگاه بزرگ میباشد و دکتر اشمیت در کتاب خود آنرا کاخ شوری نامیده، زیرا بقعیده او نقوش برجستگان ماد و پارس که بر بدنه پلکان آن نقش شده، برای تجمع در حضور شاهنشاه هخامنشی از پلکان بالا میروند.

و بزرگان پارس و در طرف دیگر مادیها نمایانده شده، که دسته جمعی برای شرفیابی میروند. نقوش این پلکان در منتهای ظرافت و استادی طراحی و حجاری شده و تنها محلی است که پارسیان و مادیان هر کدام جدای از هم در يك سمت پله نمایانده شده اند. از روی این نقوش میتوان احتمال داد که محل سلام خاص، یادفرویزه شاهنشاهی یادفتر نظامی درین کاخ مستقر بوده است.

سرستون ایوان جنوبی کاخ مرکزی از سراسر انسان و تنه حیوان بوده که يك نیمه سرستون نسبتاً سالم آن بموزه ایران باستان منتقل گشته است و يك نمونه ناقص و شکسته آن در موزه تخت جمشید موجود میباشد. سرستونهای ایوان شمالی هم مانند ایوان جنوبی بوده است.

کاخ نامبرده بوسیله پلکان سنگی معظم و باشکوه شمالیش بحیاط مشرق آپادانا و از آنجا بکاخ بزرگ بارو تالار ورودی مربوط میشده و بوسیله پله های دیگر فرعی (که فعلاً موجود نیست) به بناهای اندرون (حرمسرا) راه داشته است. يك پلکان سنگی ظریفی هم در جنوب داشته، که اکنون در موزه ایران باستان نگهداری میشود. این پلکان، کاخ مرکزی را به هدیش مربوط میساخته است. طرف مغرب نیز اطاقها و راهروهای وجود داشته که باطاقهای جنوب آپادانا متصل میگرددیده است.

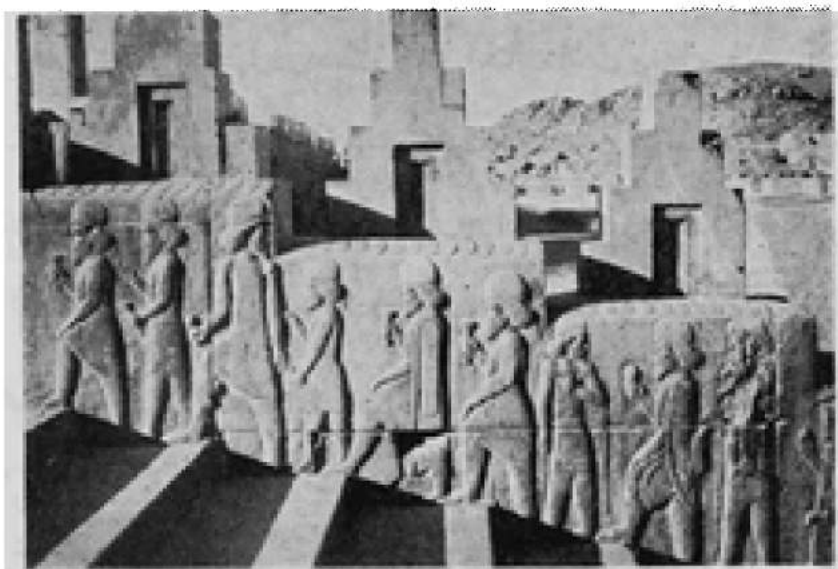
غیر از سه کاخی که شرح داده شد تالار ورودی که دارای وسعت زیاد و درگاههای پهن و بلند است، سایر ساختمانهای روی صّفه که ازین پس شرح داده میشود، برای سکونت پادشاه و ولیعهد و اندرون و حرمسراها و خزانه و دفتر، اختصاص داشته، که بترتیب بذکر آنها میپردازد.



نقش درگاه شمالی کاخ مرکزی



نقش درگاه جنوبی کاخ مرکزی



نقش بزرگان و سرداران مادی بر بدنه پلکان کاخ مرکزی

کاخ تَجَر (تالار آینه) «داریوش شاه، شاه بزرگ شاهان» شاه بیاری از کشور این تَجَر را بنا کرد

ساختمان جنوب آپادانا که در حدود دومتر از فضای آنجا بلندتر و سنگهای آن بخوبی مانده است ، در نوشته میخی کنده شده برطرفین درگاه جنوبی تالار مرکزی همان کاخ ، بنام تَجَر خوانده شده است، ولی چون سنگهای آن مثل سایر ساختمانهای تخت جمشید بطوری صیقلی و شفاف بوده که صورت در آن منعکس میشده، و اینک هم در یکی از نیمدرها تکه از آن باقی میباشد ، بنام تالار آینه معروف گردیده است و البته این نام (تالار آینه) از چندی پیش باین کاخ داده شده و مبنای صحیحی ندارد. تَجَر ، تَجَر ، طَزَر در فرس باستانی کاخ زمستانی معنی شده . در بجه های این کاخ برخلاف سایر کاخها در جهت تابش آفتاب است و برای زمستان مناسب میباشد . ضمن کاوشهای بنگاه علمی تخت جمشید در سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ در ساختمانهای ضلع جنوب غربی خارج ارسفَه بروی یکی از زیرستونها که سالم مانده است، واژه تَجَر تکرار گردیده است و معلوم میدارد که تَجَر واژه برای مکان خاصی نبوده ، بلکه بمعنی اعم (اطاق یا کاخ) استعمال میشده است .

کاخ تَجَر عبارت از يك تالار مرکزی است که ۱۲ ستون سنگی داشته

واطراف آنرا از جهات شرقی و شمالی و غربی ، اطاقهای کوچک مخصوصی خواب و استراحت و نظافت و استحمام و لباس کن و سایر کارهای اختصاصی شاهنشاه محصور کرده ، فقط در جنوب ایوانی بادور دیف ستون داشته است . راه ورود بکاخ اختصاصی در بدو ساختمان از دو ردیف پلکان جنوبی بوده و پله های غربی بنا بر نوشته ای که دارد ، زمان اردشیر سوم بدان اضافه شده است . ترجمه نوشته بدین مضمون است :

« خدای بزرگی است اهورمزدا ، که این زمین را آفرید ، که آن آسمانرا آفرید ، که بشر را آفرید ، که شادی را برای بشر آفرید ، مرا که اردشیرم شاه کرد ، یگانه شاهی از بسیاری شاهان و یگانه فرمانروائی از بسیاری فرمانروایان .

اردشیر ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورها ، شاه این سرزمین گوید : من پسر اردشیر شاه هستم ، اردشیر پسر داریوش شاه ، داریوش پسر اردشیر شاه ، اردشیر شاه پسر خشیارشاه ، خشیارشا . پسر داریوش شاه ، داریوش پسر ویشتاسپ نام ، ویشتاسپ پسر ارشام نام هخامنشی .

اردشیر شاه گوید : این پلکان سنگی را من ساختم .

اردشیر شاه گوید : مرا اهورامزدا و میترا (ایزد مهر) نگهدارند و این کشور و آنچه را من کردم . »

بر دو جز سنگی یکپارچه دو سوی ایوان جنوبی تپجر نوشته ای به زبان (پارسی - عیلامی - بابلی) کنده شده و معلوم میدارد که این کاخ را داریوش ساخته و خشیارشا تزیینات آنرا با تمام رسانیده است . مضمون نوشته بدین شرح است :



کاخ تچر



پلکان بین تچر و هدیش



نقش درگاه کاخ تچر

« خدای بزرگی است اهورامزدا ، که این زمین را آفرید ، که آن آسمانرا آفرید ، که انسانرا آفرید ، که شادی را برای مردم آفرید ، که خشیارشا را شاه کرد ، یگانه شاهی را از شاهان بسیار و یگانه فرمانروائی را از فرمانروایان بسیار .

من (هستم) خشیارشا ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورهاییکه دارای نژادهای بیشماری است . شاه این زمین بزرگ پهناور ، پسر داریوش شاه هخامنشی .

خشیارشا ، شاه بزرگ گوید : باراده اهورمزدا این بنا را داریوش شاه که پدر من است ساخت ، مرا اهورمزدا با خدایان پاینده بدارد ، با آنچه که من کرده ام و آنچه را که پدر من داریوش شاه کرده همه این چیزها را اهورمزدا با خدایان نگاهدارند . »

در درگاه جنوبی تالار تچر نیز نوشته‌ای بر بالای نقش شاه دارد که مفاد آن چنین است : « داریوش شاه ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورها ، پسر ویشتاسپ هخامنشی که این تچر را بنا کرده . »

نکات قابل توجه در کاخ تچر :

۱- حجاریهای ظریف و دقیقی است که در همه جا مخصوصاً در حواشی و بدنه پله‌های غربی و جنوبی کاربندی شده و معلوم میدارد که استادان فن ، نهایت مهارت و هنر آزمائی خود را در طراحی و استحکام و زیبائی کاخ اختصاصی شاهنشاه بکار برده اند . نقوش طراحی شده بر دیوار پله ها ، باز اشخاصی را مینمایاند که حامل هدایائی از قبیل بزکوهی و آهو و ظروف

پرازاشیاء بهادار میباشند و همچنین حجارى درگاهها ، با آنكه از تیشه بیداد مهاجمان مقدونى و عرب و ترك در امان نمانده ، مع هذا شفافیت خود را از دست نداده است .

بر درگاههای شمالی و جنوبی ، ورود و خروج شاه نمایانده شده . درین حجارىها طوق و یاره و تاج کنگره دار و دستبند و محاسن شاه ، از طلا و فلز قیمتی بوده که بتاراج رفته است . بر دو درگاه شرقی و غربی منظره نبرد شاه با حیوان افسانه‌ای و شکار شیرو گاو کوهی نقش گردیده .

۲- بر جرز سنگی اطاقهای کوچک شرقی و شمالی خدمه‌های مخصوص که هر کدام اسباب و لوازمی در دست دارند دیده میشود ، ازین آن نقوش نقش خدمتکار بدون محاسن که عطردان و حوله‌ای بدست دارد و خدمتکاران دیگر که حامل آتشدانهای دستی کوچک و عود دان میباشند، جلب نظر را مینماید .

۳- ۱۸ نوشته میخی مکرر هر کدام در يك سطر در حاشیه بالای دریچه‌ها و طاقچه‌ها بدین مضمون نقر شده است : « این گیلوئی سنگ پنجره ، در خانه شاهی داریوش ساخته شده است . »

۴- مانده‌هائی از فرش گچی کف اطاقها که تکه‌های مختصری از آن در گوشه اطاقهای شمالی دیده میشود ، این کف قرمز رنگ از مخلوط گچ و خاکه سنگ و شن ترکیب یافته و ماده قرمز خوش رنگ ثابتی بروی آن مالیده‌اند . نمونه‌های بهتر و سالمتر آنرا در اطاقهای حرمسرا و عمارت معروف بخزانه که بعداً توضیح داده خواهد شد ، میتوان دید .

۵- یادگارهای فراوانی که بسیاری از آنها جنبه تاریخی دارد، بر سنگهای

این کاخ نوشته شده است . در میان آنها نمونه های خط ثلث و نستعلیق و خط شکسته ثلث ، از شاهان و امرای گذشته و معروف فارس که این آثار را دیدن کرده اند در درون طاقچه ها و پنجره ها یادبود مانده است ، که خود تشکیل موزه ای از خطوط را داده است . ۱۰ از همه قدیم تر یادبود شاهپور سکاانشاه در زمان شاپور دوم ساسانی است (۳۰۹ تا ۳۷۹ میلادی) بر جرز ایوان جنوبی بخط پهلوی بدین مضمون :

« در ماه اسپندارمذ (اسفند) بسال ۲۲ پادشاهی خداپرست خدایگان شاهپور شاهنشاه ایران و غیر ایران که از نژاد خدایان است (که نژادش بخدایان پیوسته است) .

در آن زمان بود که شاپور سکاانشاه پادشاه هند (سند) سیستان و تخارستان (افغانستان فعلی) دیران دیر پسر خداپرست خدایگان هرمزد شاهنشاه از درگاه خدایان (مقصود شاهپور بزرگ است) نماز برد ، مرخص گردید و باین راه براستخراندر ، سوی سیستان شد و بمبارکی و صواب برصد ستون (ست ستون) آمد ، پس اندرین کاخ غذا خورد ، پس بهرام پسر نخو و هرمزد اندرز بد سیستان و فرسی پسر مؤبد گرازان و ... ی ن ی ؟ پسر ریو مهران شهر بان دَ دَنك و فرسی دیر و دیگر پارسیان آزاد و سیستانیان آزاد و مردمی از شهر زرنك و فرستاده همه فادوسپانان (نزد او آمدند) و مرجان با او بود . پس بزرگ شادی کرد (شادی فراوان کرد) ، پس بهرمزد پدر آفرین کرد ،

۱- از سال ۱۳۱۰ که حفاری آغاز گردید و تخت جمشید تحت نظارت کامل وزارت فرهنگ قرار گرفت ، بموجب قانون عتیقات نوشتن خط و یادبود اکیداً ممنوع و مرتکب به کیفر نقدی زیاد و حبس طولانی محکوم میگردد .

پس بشاهنشاه شاپور افرین کرد ، پس بخویشتن آفرین کرد . پس بآن کسانی که این کاخ را ساختند آفرین کرد .»

کتیبه پهلوی زیرین مربوط بسال چهل هشتم سلطنت شاهپور دوم است که توسط دونفر از نزدیکان شاهپور «سلوکوس پسر راست شاپور و کاورقازی» در ۱۰/۵ سطر نوشته و برای این مفاد است که این دونفر بدتخت جمشید آمده و کتیبه شاپور را دیده و از کتیبه و کارهای شاپور تعریف کرده اند .^۱

بر بدنه شرقی درگاه سنگی بین ایوان و تالار سمت ایوان نوشته ای بخط کوفی در هشت سطر مربوط بزمان عضدالدوله است ، بشرح زیر :

« بسم الله حضرة الامير الجليل عضدالدوله فنا خسرو بن الحسن سنة اربع واربعين وثلاثمائة في منصرفه مظفر آمن فتح اصبهان وأسرة این ماكان وكسرة جيش خراسان وأحضر من قرأ ما في هذه الآثار من الكتابه » (۳۴۴ هـ.ق)

دو کتیبه خط کوفی باز بهمین تاریخ بنام ابونصر فرزند عضدالدوله در نزدیک کتیبه نامبرده نوشته شده و حکایت مینماید که وی در سال ۳۹۲ هـ.ق با سپاهیان زیادی به تخت جمشید آمده است . کتیبه ثلث دیگری از عمادالدوله ابوکالیجار مرزبان بن سلطان الدوله ابوشجاع در نیمدر بین ایوان و تالار نچر درشش سطر بشرح زیر نوشته شده :

« حضر شاهانشاه المعظم ملك الملك محي دين و غياث عباد الله و قسم خليفه الله ابوكاليجار بن سلطان الدوله معز امير المؤمنين اطال الله بقاء هذا المكان روز بهمن ماه من ماه ابان سنه ثمان وثلثين واربع مائه متوجهاً باطالع الاسعد

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر به صفحه ۶۳ و ۶۴ جلد اول کتاب تمدن ساسانی تألیف مؤلف مراجعه شود .



کاخ تچر و پلکانش



نقش خدمتکاران بر پلکان کاخ تچر

الی کرمان و کان حضره فی ثمان عشرة و اربع مائه و هی سنة الفتح
بغاروق « (۵۴۱۸ ق)

بر دربیچه دیگری از سلطان بایزید^۱ کتیبهای بخط خود او (خط
نسخ ریز) در هشت سطر بشرح زیر نقل گردیده است :

« بماند سالها این نظم و ترتیب زما هر ذره خاک افتاده بجائی
غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی بینم بقائی
مگر صاحب دلی روزی برحمت کند در حق درویشان دعائی^۲

حرره اضعف عباد الله العبد المغمور ابویزید بن محمد بن مظفر المنصور اللهم
اصلح شأنه وغفر له ولوالديه ولجميع المسلمين برحمتك يا ارحم الراحمين
ویرحم الله عبداً قال آمینا ، فی اواخر ذی الحجه اثنتین و سبعین و سبعمائه
(۵۷۷۲ ق) ، دو کتیبه دیگر از همین سلطان در سایر دربیچه ها موجود میباشد
که نقل همه آنها درین مختصر مناسبتی ندارد .

از سلطان ابراهیم بن شاهرخ شاه نوه امیر تیمور سه کتیبه بخط خود او
در همین بنا دیده میشود که بهترین و مشروح ترین آنها بر جز سنگی
ایوان جنوبی زیر خط میخی بدین شرح نوشته شده :

کرا دانی از خسروان عجم ز عهد فریدون و ضحاک و جم
که در تخت و ملکش نیامد زوال زدست حوادث نشد پایمال
نه برباد رفتی سحرگاه و شام سریر سلیمان علیه السلام

۱- سلطان مظفر الدین بایزید (ابویزید) متولد سال ۷۵۷ هجری متوفای

نهم شوال ۷۹۲ هجری فرزند امیر مبارزالدین محمد مؤسس سلسله آل مظفر

۲- شعر از شیخ بزرگوار سعدی شیرازی است (دیباچه گلستان)

باخر ندیدی که بر باد رفت خنک آنکه بادانش وداد رفت

الا تا درخت کرم پروری که بیشک بر کامرانی خوری^۱

کتبه سلطان ابراهیم شاهرخ فی سنة ست و عشرين و ثمانمائة (۸۲۶ هجری).
از سلطان علی پسر سلطان خلیل آق قوینلو نیز در همین کاخ بخط خود او
(خط ثلث) سه کتیبه موجود است که بهترین و مفصل ترین آنها بر قسمت
فوقانی سنگ درگاه (ایوان جنوبی) در یازده سطر خط ثلث بشرح زیر
نوشته شده است :

آنکه پاینده و باقی است خدا خواهد بود

صحبت دنیا که تمنا کند	با که وفا کرد که با ما کند
ملك سليمان مطلب كان هباست	ملك همانست سليمان کجاست
زین گهر و گنج که نتوان شمرد	سام چه برداشت ، سليمان چه برد
خاك شد آنكس که درین خاك زیست	خاك چه داند که درین خاك چیست
هر ورقی چهره آزاده ایست	هر قدمی فرق ملك زاده ایست
عمر بخشنودی دلها گذار	تا ز تو خشنود بود کردگار
هر که به نیکی عمل آغاز کرد	نیکی او روی بدو باز کرد
حرره علی بن سلطان خلیل بن سلطان حسن اصلح الله شانهم فی شهر سنه	
احدی و ثمانین ثمان ماهه (۸۸۱ ه.ق)	

یکی از عنایات حق است این که نه ساله ام مینویسم چنین

از شادروان شاهزاده معتمدالدوله فرهاد میرزا والی نیرومند فارس
نوشته ای در نه سطر بخط نسخ در زیر طاقچه سنگی دیوار شمالی تالار نیچر

۱- شیخ اجل سعدی (بوستان)

موجود میباشد که در سال ۱۲۹۴ قمری نوشته شده است .

پهلوی همین کتیبه ، کتیبه دیگری بخط نستعلیق توسط شاهزاده

احشام الدوله فرزند معتمدالدوله فرهاد میرزا نوشته شده است . !

زیرستونهای تچر - گرچه نمونه‌ای از آن بدست نیامده ولی از

روی يك زیرستون ایوان جنوبی آن که بجا مانده و از روی سنگ پی

زیرستون میتوان بطور یقین دانست که چهارگوش و دو طبقه‌ای همانند

ستونهای تالار مرکزی آپادانا بوده منتها از حیث اندازه $\frac{1}{4}$ آن بوده است

ستونها نیز از سنگ و شیارهایی شبیه شیارهای ستون آپادانا داشته و سرستون

آنها پیکر گاو بوده است .

ایوان جنوبی تچر از دور دیف چهار تائی ستون تشکیل مییافته ، يك محجر

کنگره دار سنگی بقطر ۳۳ سانتیمتر و ارتفاع ۷۰ سانتیمتر ، که در هر دو

طرف آن شکل درختهای نخل حجاری و با گلهای ۱۲ برگ حاشیه بندی

شده ، در جلو ایوان گذارده بودند . تکه‌های چندی از آنها که ضمن

خاکبرداریها بدست آمده ، بجای خود گذارده شده است و بعضی نیز هنوز

در گوشه و کنار پراکنده است که بجای خود باید قرار گیرد . یکقطعه آن

هم در موزه ایران باستان نگهداری میگردد .

حیاط تچر - در جنوب تچر و دو متر پائین تر از سطح ایوان ، فضای نسبتاً

وسعی است که حیاط تچر را تشکیل میداده . آنچه استنباط میشود این

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر راجع بسایر کتیبه‌های ثلث و نستعلیق کننده

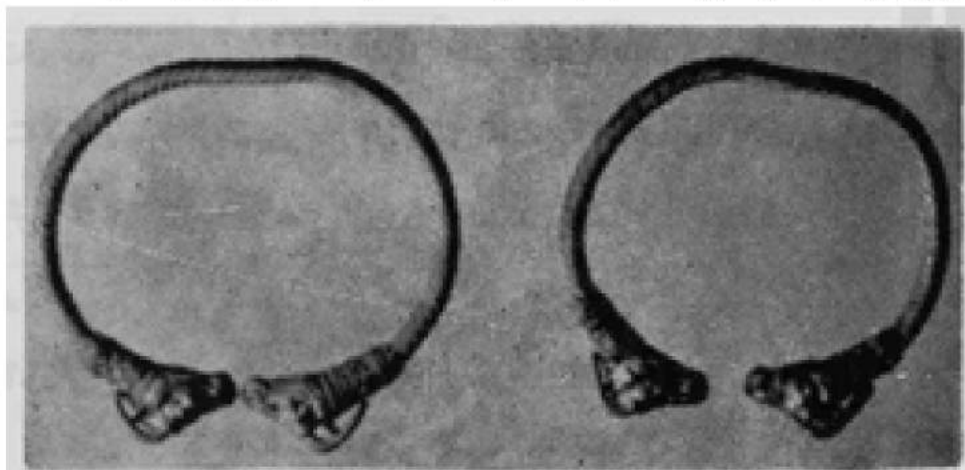
شده بر سنگهای کاخ تچر و مضمون آنها ، به صفحه ۲۴۴ تا ۲۶۴ کتاب پایتختهای

شاهنشاهان هخامنشی تألیف مؤلف نشریه شماره ۸ دانشگاه پهلوی مراجعه شود .

فضا در بدو ساختمان تادیوار جنوبی قصر امتداد داشته و بعداً در زمان اردشیر سوم یا شاید پادشاه دیگری، قسمتی از فضای جنوبی آنرا گرفته و ساختمانهای ستون‌داری روی آن نموده‌اند. در هر حال سنگهای حجاری دیوار جنوبی این حیاط طبق قرائنی که ضمن کاوشهای ما بدست آمد، متعلق باین مکان که فعلاً نصب است، نبوده و قویاً محتمل است که از جای دیگری که شاید از اطراف تپه مرکزی بوده، آورده باشند.

حجاری دیوار نامبرده يك ردیف ۳۲ تائی نیزه داران پارسی که ۱۶ نفر در طرفین نوشته میخی روبروی هم ایستاده، و پشت سر سر بازان باز دو نوشته در دو طرف کنده شده و سپس نقش شیر و گاو تکرار گردیده است.

در انتها الیه غربی همین دیوار باز نوشته‌ای میخی بوده که شکسته و فقط قسمت کمی از هشت سطر پائین آن مانده است. عین همین طراحی بر دیوارهای شمالی و شرقی حیاط تچر کاربندی شده. انتها عده سر بازان نیزه دار کمتر است (بر دیوار شمالی ۱۸ نفر و بر دیوار شرقی ده نفر سر باز) بالای نوشته دیوار شرقی نقش فروهر در حالی که حلقه‌ای در دست دارد و دو انسان بالدار باتنه حیوان در دو طرف آن حجاری شده است. بالا و پائین و فواصل حجاریها همه جا با حاشیه‌ای از گلهای ۱۲ برگی زینت یافته است.



تپه مرکزی

هنگامی که از پله‌های شرقی حیاط تپه بالا می‌روند دست چپ، تپه و جای مرتفعی است که کاوشگران پیش از ما آنرا تپه مرکزی نامیده‌اند، ولی ضمن کاوشهایی که در آنجا از طرف بنکاء علمی تخت جمشید در سال ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ بعمل آمد، اینطور استنباط شد که ساختمانهایی بر فراز آن بوده که پی‌های خشتی آن در چند جا دیده شد و از سکه‌ای مربوط به اردشیر ساسانی که در آنجا پیدا شده، حدس زده می‌شود، که تازمان ساسانیان آن قسمت هنوز دائر و قابل سکونت و کاملاً ویرانه نگردیده بوده است.

يك رشته از آبروهای زیرزمینی که از لحاظ گودی پس از آبروی که در مشرق تالار ورودی نیمه تمام صد ستون پیدا شده (در زمستان سال ۱۳۳۳)، گودترین رشته آبرو زیرزمینی می‌باشد، در زیر این ساختمان کشیده شده و آب اطاقهای مجاور و کاخ هدیش را بدرون مجراهای بزرگتری می‌برده است. در جنوب این تپه تا ایوان جلو هدیش اطاقها و راهروهایی وجود داشته که ضمن کاوشهای ما، پایه‌های خشتی آنها نمودار شد و مقداری از نقوش اطراف پله‌ها در حال آوردن پیشکش ضمن آن خاکبرداری بدست آمد که بعضی بموزه تخت جمشید و پارامای هم‌درهمان محلی که پیدا شده، نگاهداری می‌شود.

«بخواست اهورمردا این کاخ را
من ساختم.» خیارشاه

کاخ هدیش

کاخ اختصاصی خشیارشا بموجب سنگ نبشته دو جرز سنگی ایوان شمالی آن بنام هدیش یادگردیده . ۱۰ این کاخ از تچر بزرگتر و در قسمت جنوب صفه و بر فراز بلندترین جا و روی سنگ کوه قرار گرفته است .

هدیش مشتمل بر يك تالار مرکزی با ۳۶ ستون و يك ایوان ۱۲ ستونی در شمال و يك ایوان باریك سرتاسری (مانند بالکن) در جنوب و عده‌ای اتاقهای كوچك در مشرق و مغرب برای استراحت و دفترو زندگی بوده است . سنگهای این بنا که در شفافیت و حجاری دست کم از سایر حجاریهای تخت جمشید نداشته، بلکه در بعضی موارد برتر و متنوع تر بوده ، در اثر آتش سوزی شدید ، آسیب زیادی دیده و خرد شده است و میتوان حدس زد که آتش سوزی باشدت هرچه تمامتر در نایبودی این کاخ ظریف که در بلندترین جای صفه قرار گرفته ، مؤثر گردیده سنگها را گداخته و بکلی متلاشی ساخته است ، بطوریکه اکثر از درگاهها ریخته و آ نهائی نیز که بر پا مانده ، پوسیده و ریختگی زیادی پیدا کرده و نقشهایش هم محو شده است . تالار مرکزی دارای ۳۶ ستون و وسعت آن ۱۳۳۲ متر مربع

۱- مضمون نوشته عیناً مثل نوشته جرز های سنگی ایوان جنوبی تچر است با این تفاوت که در آخر این نوشته خشیارشا تصریح کرده که بخواست خداوند این بنا (هدیش) را اوساخته است .

(۳۶/۵ × ۳۶/۵ متر) طرز زیرستون آن گرد و به نقشی شبیه زیرستونهای ایوان شمالی آپادانا مزین میبوده . در درگاه ورودی شکل خشیارشا با خدمتکارانی که چترشاهی و حوله و مگس پران در دست دارند ، حجاری شده است ، و بر درگاه اطاقهای كوچك اطراف ، بهمان ترتیب كه در تچر شرح داده شد ، شكل خدمه های مخصوص دربار حجاری گردیده كه آتشدان و عطردان و حوله ، بدست دارند . بر حاشیه چینهای لباس شاه در همه جا نام او بخط میخی كنده است .

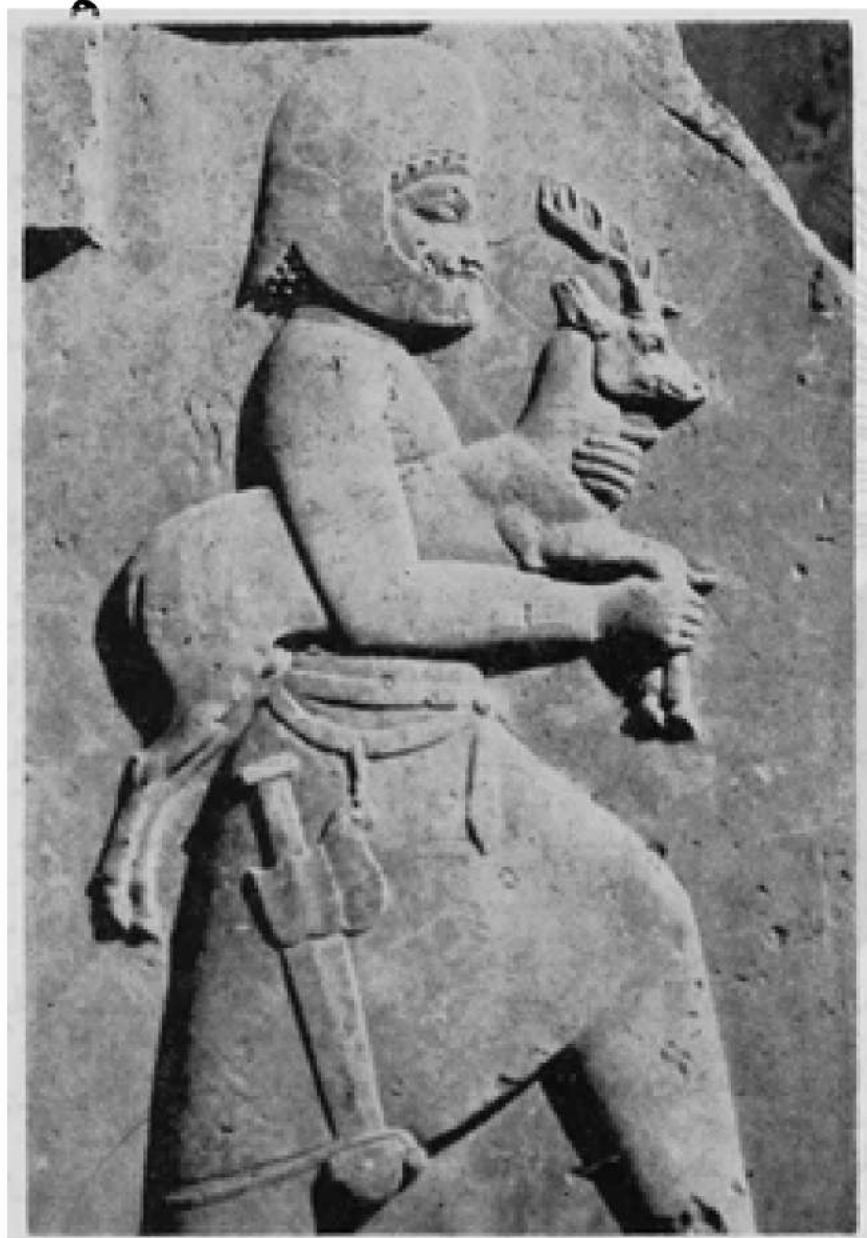
نكته جالب توجه درین كاخ اختصاصی وجود نقشهای اشخاصی است درون پنجره ها كه چیزهایی را روی دوش یا در دست گرفته میآورند و در بعضی پنجره ها بزكوهی هدیه شان میباشد . جز در هدیش در هیچيك از كاخهای روی صفه دیده نشده است كه درون پنجره های سنگی را نیز حجاری کرده باشند .

ایوان باریك سرتاسری جنوبی ، مشرف بساختمانهای زیرین (حرمسرا) و مسلط بر جلگه گسترده مرودشت و نظرانداز آن تا كوههای روبرو باز میباشد . این ایوان دارای نرده ای سنگی بوده كه تكه های شكسته و پراكنده شده آن در ساختمانهای خشتی پائین ضمن حقاریهای سال ۱۳۲۸ بنگاه علمی تخت جمشید پیدا شد و امید است كه آنها را بوسائل ممكنه بر بالای صفه بیاورند و در محل خود قرار داده شود .^۱

يك رشته مجرای زیرزمینی آبهای پشت بام این كاخ را با بروهای اصلی زیرزمینی میسرانیده است .

۱- خاكهای درون اطاقهای شرقی تالار هدیش در بهار سال ۱۳۳۴ برداشته شد.

در مشرق هندیش دومتر پائین تر یکعده اطاقهایی وجود داشته ، که توسط طاقهای ضربی خشتی از انبار های زیرزمینی جدا میگشته . این قسمت بخصوص از لحاظ فن معماری حائز اهمیت است ، زیرا در سال ۱۳۲۹ که در آنجا کاوش میکردیم مانده پایه های طاق ضربی آن بخوبی مشهود بود و از روی همان آثار نسبت بتجدید ساختمان طاقهای ضربی مزبور اقدام گردید.



نقش پلکان هدیش

اندرون (حرمسرا)

بهنگامی که داریوش شاه شد بناهای عالی بسیاری کرد
و بهنگامی هم که من شاه شدم ساختمانهای بسیار عالی کردم.
خسار شاه

ساختمانهای خشتی جنوب هدیش تا برسد بساختمانی که امروزه دفتر
بنگاه علمی تخت جمشید و موزه است، معروف باندرون گشته و چنین تصور
نموده اند که محل سکونت حرمسرا و بانوان سلطنتی بوده است.

قسمت مهمی ازین ساختمان در سال ۱۳۱۱ توسط باستان شناس شهیر
فکید پرفسور هر تسفلد خاکبرداری و تجدید ساختمان گردید تا بکارسکنای
هیئت علمی و کارکنان حفاری آید. تجدید ساختمان روی نقشه و پی اولیه
بنا بامختصر تغییراتی متناسب با وضعیت زندگی امروزی انجام گرفته.

تالار بزرگ آن که فعلا برای نگاهداری اشیاء پیدا شده در خلال کاوشها
اختصاص داده شده و بشکل موزه درآمده است، دارای نقشه و طراحی شبیه
تالار مرکزی تیرمیا باشد، با این اختلاف که نیمدرهای این تالار برخلاف
جهت تابش آفتاب قرار دارد.

يك قسمت از حرمسرا که در جنوب کاخ هدیش قرار دارد در سال ۱۳۲۸
خاکبرداری شد و مقصود ازین خاکبرداری پیدا کردن نقشه تالارها و راهروها
بود. این چند ساختمان عبارت از يك راهرو طویل در وسط و يك عده
اطاقهای بزرگ چهار ستونی در طرفین راهرو میباشد که هر اطاق يك

سندوقخانه باریك نیز دارد .

ضمن برداشتن خاکهای زائد ساختمانهای جنوبی عمارت فعلی موزه در سال ۱۳۱۱ توسط هیئت علمی امریکائی، يك لوحه سنگی خط میخی باندازه ۵۲ × ۵۸ سانتیمتر پیدا شد که روی آن ۴۸ سطر میخی بدستور خشیارشا نوشته شده است . در این نوشته ، خصوصیاتى از شاه شدن خشیارشا بین برادران دیگر و شرح زنده بودن پدر و نیای داریوش بزرگ، هنگامی که داریوش شاه شد ، بدینمضمون نوشته شده است :

« خدای بزرگی است اهورمزدا ، که این زمین را آفرید ، که آن آسمان را آفرید ، که برای مردم شادی آفرید ، که خشیارشا را شاه کرد ، يك شاه بین شاهان بسیار و يك فرمانروا بین فرمانروایان بسیار .

من خشیارشاهستم ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورهای که دارای ملیت های گوناگون اند ، شاه این زمین بزرگ پهناور ، پسر داریوش هخامنشی پدر من داریوش بود . پسر داریوش و یشتاسپ نام . پسر و یشتاسپ ارشام بود . هم و یشتاسپ و هم ارشام هر دو زنده بودند هنگامی که داریوش شاه شد . خواست اهورمزدا چنان بود که داریوش پدر من در این زمین شاه شود . هنگامی که داریوش شاه شد ، ساختمانهای عالی بسیاری کرد .

خشیارشاه گوید : داریوش را پسران دیگری بودند . اما خواست اهورمزدا چنین بود که پدر من داریوش پس از خودش ، مرا بزرگترین بداند . هنگامی که پدرم از تخت برفت (بمرد) بخواست اهورمزدا من بجای پدرم شاه شدم . هنگامی که من شاه شدم بسیار ساختمانهای عالی بنا کردم . آنچه را که بوسیله پدرم کرده شده بود ، من نگاه داشتم و کارهای

دیگری بدانها افزودم . آنچه من ساختم و آنچه که پدرم ساخته همه را
بخواست اهورمزدا کردیم .

خشیارشا شاه گوید : اهورمزدا مرا و شهرهای مرا و آنچه را که بوسیله
من کرده شد ، بیایاد و آنچه بوسیله پدر من کرده شد آنرا اهورمزدا
نگاهدارد .^۱

نقاشی عهد ساسانی - بر روی سنگ بدنه ایوان شمالی تالار موزه
يك مجلس نقاشی مربوط به عهد ساسانی دیده میشود . در این نقاشی که
با فوك سوزن یا شیئی فوك نیز دیگری طراحی شد ، شهریار ساسانی را سوار
بر اسبی مینمایاند . در همان طاقچه‌ها و در یکی دو جای سنگ دیوار موزه
بار نقاشیهائی بهمان ترتیب و متعلق بدوران ساسانیان نقش کرده‌اند .^۲
این نقوش که بزحمت با چشم دیده میشود نموداری از شکل لباس و
کلاه و طرز سواری شاهان ساسانی میباشد که بدان واضحی و تشخیص
جزئیات ، در سایر نقشهای برجسته آنان که بروی سنگها حجاری گردیده ،
نمیتوان دید .

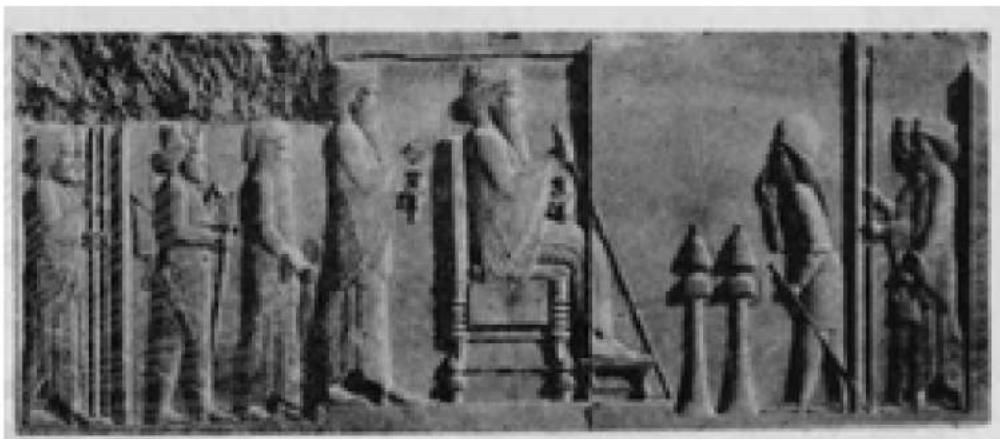
کف اطاقهای اندرون همه جا نمونه کف سازی قرمز که قبلاً شرح داده شد
دیده میشود و در گاههای تالار موزه به نقشهائی نظیر نقشهای درگاه تچر
حجاری شده است .

۱- درباره ولیعهد شدن خشیارشا بین برادران که بعضی از او بزرگتر بوده‌اند
در صفحه ۲۱۶ جلد اول تمدن هخامنشی و در صفحه ۳۰۷ کتاب پایتختهای
شاهنشاهان هخامنشی (مجلد سوم تمدن هخامنشی) تألیف مؤلف مفصل بحث شده است .
- شرح کامل این نقاشیها در مجلد چهارم گزارشهای باستان شناسی صفحه ۲۷۰
و در کتاب پایتخت شاهنشاهان هخامنشی تألیف مؤلف صفحه ۳۱۲ داده شده است

نقش ساسانی بر دیوار سنگی ایوان تالار حرمرسا



خزانۀ شاهنشاهی
 «تو که در روزگار پسین میانی بان دستور دانی که
 امروز مردا فرموده رفت ارکن، تا در زندگانی شاه
 پس از مرگ بختۀ باشی، خیارش شاه»



بناهای خشتی جانب شرقی صفه تخت جمشید در دامنه کوه رحمت .
 بین سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ زمانی که باستان شناس فقید دکتر اشمیت
 ریاست حفاری تخت جمشید را از طرف بنگاه شرقی شیکاگو بعهده داشت
 از زیر خاک بیرون آمد . چون مقداری ظروف سنگی مرمرین و اشیاء
 تجملی ضمن این خاکبرداری بدست آمد ، کاوشگران را بر آن داشت
 که این دستکاه ساختمانها را جایگاه نگاهداری سکه ها و شمشهای سیم
 وزر و ظروف و اثاثیه و اشیاء گرانبها دانسته ، خزانه بنامند .

عمارت مفصل نامبرده جمعاً ۱۰۰۵۰ متر مربع وسعت (۷۵ × ۱۳۴ متر)
 داشته و مشتمل است بر دو تالار بزرگ ، یکی با صد ستون و دیگری با ۹۹

ستون چوبی ، و تعدادی اطاق و راهرو و چند حیاط با ایوانها . این ساختمانها همه از خشت خام ، و در زیر خروارها خاک گذشت سده ها پنهان گردیده بود . آستانه درها و زیر ستونها از سنگهای صیقلی شده ، ولی ستونها چون از چوب بوده ، بکلی سوخته و آثاری از آنها نمانده است . خیابانی بعرض ۵/۵ متر این دستگاه عمارت و منضات آنرا از چهار طرف احاطه میکرده و از دیگر ساختمانهای مجاور ، جدا میساخته است . در حقیقت چنانچه برای خزانة ساخته شده باشد ، تمام تدابیر و پیش بینیهای لازمه را برای حفاظت آن و عدم سرایت حریق معمول داشته اند .

بطور کلی هم در عمارت خزانة و هم در حرمرسا در همان دوره هخامنشیان نقشه ساختمان تغییر یافته ، آنرا بصورت فعلی که از زیر خاک درآمده است در آورده اند ، و نقشه اولیه این دو بنا طرز دیگری بوده است که ضمن بررسیهای دقیق معلوم گردید .

خاکهای انباشته شده بروی این ساختمانها که در پارهای از نقاط تا ۳/۵ متر میرسیده قسمتی در سالهای بین ۱۳۱۵ تا تابستان ۱۳۱۸ توسط بنگاه شرقی شیکاگو برداشته شد و قسمتهای شمالی و کوتاه کردن دیوارهای خشتی باستانی و پوشاندن آنها با آجر و کاه گل ، از پائیز سال ۱۳۱۸ تا بهار سال ۱۳۱۹ توسط بنگاه علمی تخت جمشید که جانشین هیئت علمی دانشگاه شرقی شیکاگو گردید ، از محل اعتبارات وزارت فرهنگ انجام گرفت .

اشیاء مهم و قابل ملاحظه ای که علاوه بر ظروف سنگی شکسته ضمن کاوشهای هیئت علمی امریکائی درین قسمت پیدا شده عبارتند از :

۱- دو مجلس بزرگ حجاری از جلوس رسمی داریوش بزرگ ، بر دیوار

وایوان شرقی وجنوبی حیاط شرقی تالار ۹۹ ستون که بنوبه خود از کشفیات گرانبها و بی نظیر است .

در هر دو مجلس که همانند یکدیگرند^۱ شاهنشاه (داریوش بزرگ) نمایانده شده که با جامه مجلل شاهی بروی صندلی نشسته، در یک دست عصای سلطنتی و در دست دیگر گل زندگی (گل لتوس)^۱ دارد، و لیعهد کشور (خشیارشا) که او هم گلی در دست دارد، پشت سر شاه با کمال احترام ایستاده است. پشت سر ولیعهد یکی از بزرگان پارس و سپس اسلحه دار مخصوص شاهنشاه ایستاده اند. کسیکه در برابر شاه مشغول ادای احترام و عرض گزارش است، یکی از بزرگان ماد میباشد. بین شاهنشاه و شخصیت مادی، دو آتشدان یا عود سوز قرار دارد. در کنار مجلس دو نفر پاسدار پارسی که یکی از آنها عود دانی در دست دارد، دیده میشود. علاوه بر ریزه کاری و ظرافتی که برای تراش این دو مجلس حجاری بکار رفته، بر روی غلاف خنجر که بکمر اسلحه دار باشی آویخته، اشکال بزکوهی و حیوانات دیگر در کمال ظرافت و حساسیت طراحی شده است. ته غلاف نیز بابک سرگوزن مزین گردیده است. بالای سر این مجلس یک ردیف شیر ایستاده حجاری شده، که قسمتی از آن بین خاکبرداریهای قسمتهای جنوبی آپادانا حوالی

۱- مجلس حجاری طرف جنوبی که سالمتر مانده بود در بهار سال ۱۳۱۷ با چند شیئی و نمونه های دیگر به تشخیص و توسط آقای سید محمد تقی مصطفوی مدیر کل پیشین باستان شناسی جهت نصب در موزه ایران باستان انتخاب و بتهران حمل و در تالار موزه نصب گردید. مجلس دیگر که در محل نگاهداری میشود شکستگیهای پیدا کرده و قسمتهائی از نقوشش ضایع شده است.

پله های تپه مرکزی بدست آمد و بموزه ایران باستان برده شد و برای نمودن وضع قدیم حجاری فوق الذکر، در نزدیکی آن نصب گردید .

۲- دیگر از اشیاء قابل توجهی که ضمن خاکبرداری این قسمت پیدا شد هفت لوحه سنگی است، هر کدام با اندازه ۵۲ × ۵۸ سانتیمتر متعلق بزمان خشیارشا ، بخط میخی بابلی و پنج عدد بخط میخی پارسی است . مضمون سه لوحه پارسی عیناً مطابق سنگ نبشته پیدا شده در حرمراس است که ترجمه آن در صفحه ۵۵ مذکور شد ، ولی دو لوحه آن میخی پارسی و دارای مطالب دیگری است شبیه بهم که مفاد آن چنین است :^۱

« خدای بزرگی است اهور مزدا ، که این زمین را آفرید ، که آن آسمان را آفرید ، که مردم را آفرید ، که شادی را برای بشر آفرید ، که خشیارشا را شاه کرد ، یگانه شاهی را از شاهان بسیار و یگانه فرمانداری را از فرمانداران بسیار .

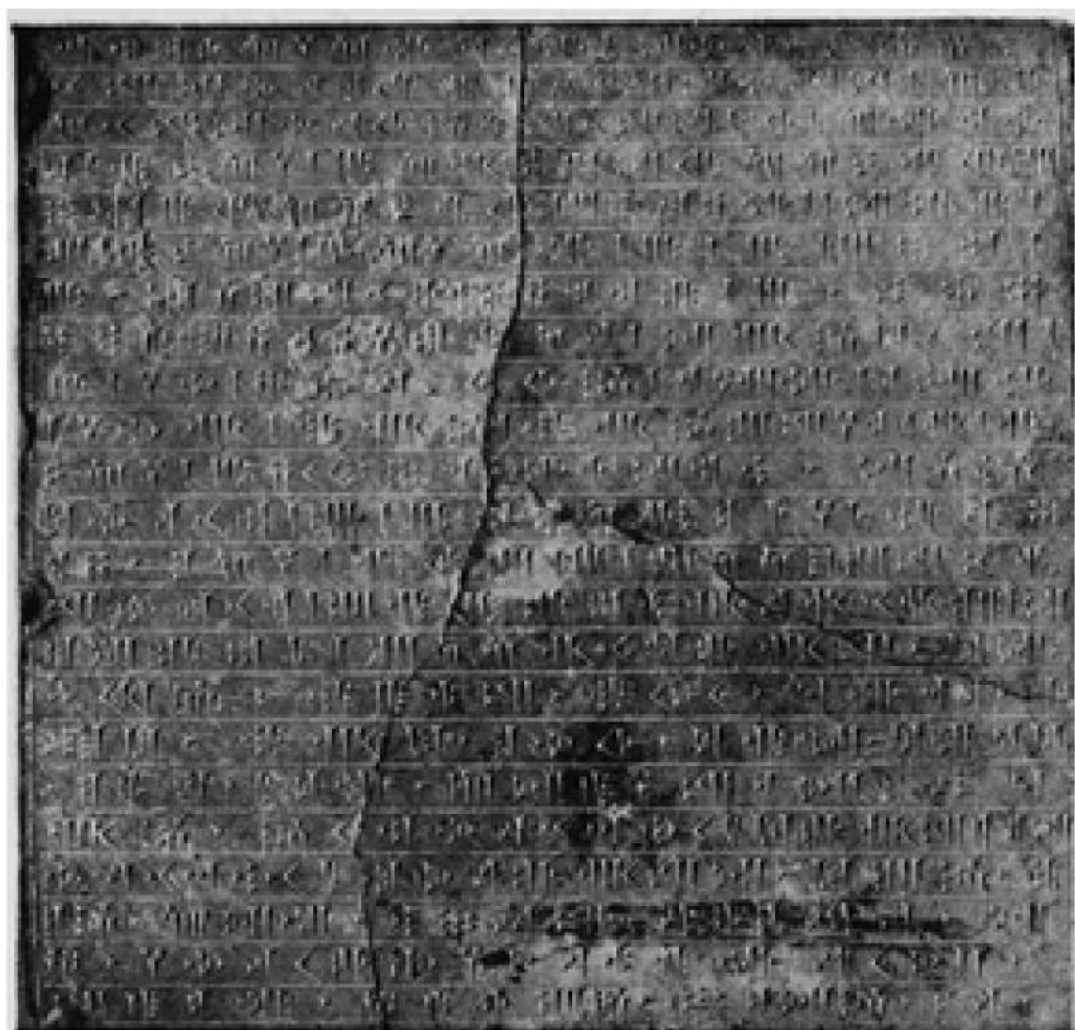
منم خشیارشا ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورهایی که دارای ملل

۱- در سال ۱۳۱۶ خورشیدی قسمتی از متن عیلامی لوحه دیگری بدست آمده بود که ناقص بود در سال ۱۳۳۶ که ما در پیرامون بناهای مشرق عمارت خزانه (دانه کوه رحمت) کاوش میکردیم قطعه دیگر آن پیدا شد و در نتیجه لوحه نامبرده کامل گردید . پرفسور ژرژ کامرون استاد خط و زبان عیلامی آنرا مورد مطالعه و بررسی قرار داد و ترجمه کرد . او این کتیبه را بنام « کتیبه دیوان » نامیده و در اطراف آن در بیست و چهارمین کنگره خاورشناسان برپا شده در شهر مونیخ آلمان در سال ۱۹۵۷ ، سخنرانی ایراد کرد ، موضوع سخنرانی و ترجمه لوحه در صفحه ۱ و ۳۶۹ مجلد چهارم گزارشهای باستان شناسی و صفحه ۲۹۲ پایتخت های شاهان هخامنشی نشریه شماره ۸ دانشگاه پهلوی تألیف مؤلف چاپ و منتشر گردیده است .

گونگون است ، شاه این زمین بزرگ پهناور ، سرداریوش شاه هخامنشی
بارسی پسر پارسی آریائی از دودمان آریائی .

خشیارشا شاه گوید : اینست کشورهایی سوای پارس که بفرمان اهورمزدا
من پادشاهشان هستم ، من بر آنها فرمانروائی دارم ، پیش من باج میآورند ،
آنچه بآنها از جانب من فرمان داده میشود ، آنرا انجام میدادند ، قانونی را
که از آن من بود رعایت میکردند : ماد ، عیلام ، رخیج ، ارمنستان ،
سیستان ، پارت ، باختر (بلخ) سغد ، خوارزم ، بابل ، آشور ، ستاگید
لیدییه ، مصر ، یونانیانی که در کنار دریا زندگی میکنند و آنهاییکه آنسوی
دریا هستند ، میچیا ، عربستان ، قندهار ، سند ، کاپادوکیه ، داهای ، سکا هوم-
ورکا ، سکا های نیزخود ، مقدونیه ، پونتیا ، لیبان ، کرکا ، حبشه .

خشیارشا شاه گوید : هنگامیکه من شاه شدم در میان این کشورهاییکه
در بالا نوشته شد نافرمانانی بود ، پس مرا اهورمزدا کمک کرد ، باراده
او من آن کشورها را در هم نوردیدم و بجای خود نشاندم . در بین این
کشورها پیش از من دیوانرا پرستش میکردند پس بفرمان اهورمزدا من
آن پرستش خانه دیوانرا برافکندم و فرمان دادم پرستش دیوان نکنند .
هرجا پیش از من دیوانرا پرستش میکردند در آنجا من اهورمزدا
وارتا (فرشته داد) را با فروتنی ستایش نمودم و آنچه نادرست بود درست
کردم اینکارها که از من سرزد همه بفرمان اهورمزدا بود ، اهورمزدا مرا
یاری کرد تا این کرده ها را انجام دهم ، تو که در روزگار پسین میآئی ،
اگر اندیشه کنی که در زندگانی شاد باشی ، و در مرگ خجسته ، بآن
دستورهاییکه اهورمزدا فرموده است رفتار کن . هر که اهورمزدا و ارتارا



لوحة عیلامی پیدا شده در پیرامون خزانه تخت جمشید
 قسمتی از این لوحه در سال ۱۳۱۶ و بقیه در سال ۱۳۳۶ بدست آمد

بافروتنی نیایش کند ، در زندگانی شاد و پس از مرگ خجسته (آمرزیده) خواهد بود .

خشیارشا شاه گوید : مرا اهور مزدا از هر بدی نگهدارد ، همچنین خاندان مرا و این کشور را ، من از اهور مزدا درخواست میکنم ، اهور مزدا همه آنرا بمن ببخشد .»

۳- دو وزنه سنگی از سنگ مرمر سیاه، یکی بوزن ۱۲۰ کارشا^۱ (نه کیلوگرام و ۹۵۰ گرام) و دیگری بوزن ۶۰ کارشا در تالار صد ستون



وزنه سنگی ۱۲۰ کارشائی هخامنشی - موزه ایران باستان

۱- کارشا واحد وزن و پول نقره زمان هخامنشی

بروی خاک پیدا شد ، روی وزنه‌ها نوشته‌ای بسه خط، میخی پاریسی و عیلامی و بابلی بدین مضمون : « ۱۲۰ کارشا ، من هستم داریوش شاه شاهان ، شاه کشورها ، شاه این سرزمین ، فرزند ویشتاسپ هخامنشی . »

۴- پیکر سه شیر مفرغی که اکنون در موزه ایران باستان نگهداری میشود در نزدیکی تالار ۹۹ ستون در جانب شرقی آن سال ۱۳۱۶ پیدا شد. سه شیر مفرغی ایستاده و در میان آنها ظرف استوانه‌ای که جای گل یا چراغ بوده است جا گرفته . چون از ظرف نامبرده جزمحل اتصال آن بسه شیر مفرغی ، چیزی بیش باقی نیست . لذا نمیتوان بطور اطمینان درباره آن اظهار نظر نمود .

۵- مقداری ظروف و بشقاب و سینیهای شکسته همه از سنگ پیدا شد که هر مقدار آن قابل اصلاح و وصالی بود، در موزه ایران باستان و در موزه تخت جمشید نگهداری میشود .

خزانه تخت جمشید و شوش و بابل و هگمتانه (همدان) در اثر ترتیب وقاعده صحیحی که داریوش بزرگ برای دریافت مالیاتها داده بود، و بعد از او نیز بهمان ترتیب عمل میشد ، پراز شمشهای طلا و نقره و سکه‌ها و جامه‌ها و اشیاء و قالیه‌های اگرانبها و پرده‌های نقاشی ممتاز بوده که همگی هنگام گشوده شدن آن پایتختهای عظیم، بدست اسکندر و سپاهیان مهاجم و وحشی

۱- برای اطلاع از فرسهای زمان هخامنشی به « قالیه‌های زمان هخامنشی » تألیف سید محمد تقی مصطفوی که ضمیمه مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی (چاپ تهران فروردینماه ۱۳۳۴) است و مجلد دوم تمدن هخامنشی تألیف مؤلف صفحه ۲۴۹ مراجعه شود :

او افتاد و بتاراج رفت .

تاریخ نویسان قدیم مقدار طلا و نقره خزانه تخت جمشید را با اشیاء گرانبها و پارچه‌های زربفت و زر و سیم در حدود ۱۲۰۰ میلیون فرانك طلا تخمین زده‌اند . دیودور سیسیلی مورخ معروف مینویسد که سه هزار شتر وعده زیادی قاطر، از شوش طلبیده شد، تا ذخائر تخت جمشید را برای اسکندر حمل نماید . مورخین دیگر ازین تعداد بیشتر نوشته‌اند .^۲

کنت کورث راجع بتاراج خزانه تخت جمشید مینویسد : «طلا و نقره در اینجا برویهم تل شده بود پارچه‌های نفیس و اثاثیه پر قیمت که فقط برای تجمل و شکوه در بساط عمارت سلطنتی اینجا گسترده بودند ، خارج از حد و حساب بود . باین واسطه بر سر غارت آنها بین خود فاتحین جنگ و جدال میگرفت . » بنابراین، خواه این ساختمانها خزانه بوده یا برای منظور دیگری ساخته شده باشد ، تصویر اینکه از آنهمه ذخائر و نفائس ذخیره شده، مقداری باید در زیر خاک مانده باشد ، در کاخی که تاراج شده و بعد طعمه آتش گردیده ، تصویری واهی و دور از اندیشه میباشد .

۶- خط میخی اکدی^۱ : يك لوحه گلی بخط اکدی در خلال کاوشهای

۲- برای اطلاعات بیشتر از خزائن و دفائن حوزه شاهنشاهی بصفحه ۸۰ تا ۱۲۴ جلد دوم تمدن هخامنشی تألیف مؤلف مراجعه شود .

۱- سومرواکد قدیمترین مردمان ساکن جنوب جلگه بین النهرین بوده‌اند (سومریها در نواحی جنوبی و جاویر خلیج پارس و اکدیه در شمال شرقی سومر) تاریخ آنان تا حدود ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد روشن شده و تا اواخر هزاره سوم پیش از میلاد تحت حکومت واحدی اداره میشده ولی در سال ۲۱۱۵ ق بدست ریم سین پادشاه عیلام منقرض و بسایر ملل ملحق گردید . سومریها واضع قانون و مخترع خط میخی و هیئت و طب و بسیاری از علوم بوده‌اند .

خزانه دیده شد، که تنها خط منحصر بفرد اکدی است که ضمن آثار تخت جمشید بدست آمده. نوشته حاکی از میزان مالیات چهار نفر مؤدیان مالیاتی است. پرفسور ژرژ کامرون خواننده الواح گلی تخت جمشید آنرا بنام لوحه ۸۵ ترجمه و تاریخ آنرا برابر با ماه نهم سال ۵۰۲ پیش از میلاد میداند. قسمتی از مفاد لوحه نامبرده بدین شرح است:

۱- بتاریخ بیست و پنجم ماه کیس لیمو (ماه نهم) سال بیستم سلطنت داریوش بابت بقایای بدهی ایندوکا خانم، مادر توتو رئیس بازرگانان ۱۴ مینا و پنج ششم مینا نقره سفید پرداخته شده که معادل ۱۴ مینا و ۱۸ شکل احتساب گردیده است.

۹ مینا و ۵۳ شکل نقره درجه دوم پرداخته شده که معادل ۹ مینا و نیم و $\frac{۳}{۴}$ شکل احتساب گردیده.

۵ مینا و سه شکل نقره درجه سوم پرداخته شده که معادل ۴ مینا و نیم و سه شکل احتساب گردیده.

نقره مالیات دسته سوم^۱

۷- ۷۵۰ لوحه گلی بخط عیلامی: علاوه بر الواح سنگی نوشته و لوحه گلی بالا، ۷۵۰ خشت گلی دیگر^۲ بزبان عیلامی نیز ضمن خاکبرداری درین قسمت بدست آمد که بسیاری از تاریکیهای تاریخ هخامنشی را روشن مینماید. لوحه های نامبرده در سال ۱۹۳۷ بر حسب تقاضای بنگاه

۱- ترجمه فارسی الواح گلی تخت جمشید توسط سید محمد تقی مصطفوی

در مجلد اول گزارشهای باستان شناسی (چاپ تهران ۱۳۲۹)

۲- اندازه خشتهای نوشته در حدود $۸ \times ۴ \times ۲$ سانتیمتر

شرقی شیکاگو و موافقت دولت ایران با مریکا برده شد و ۸۴ لوحه آن که نسبتاً سالم و قابل ترجمه بود توسط پرفسور ژرژ کامرون استاد دانشگاه شیکاگو ترجمه و تحت عنوان کتاب الواح گلی تخت جمشید^۱ منتشر گردید الواح گلی بعداً بایران برگشت داده شد و در موزه ایران باستان نگهداری میشود . ترجمه این الواح روشن ساخت که :

الف : شاهان دادگستر هخامنشی برای ساختمانهای خود چه در تخت جمشید و چه در سایر نقاط ، بکارگران اعم از هنرمند یا کارگر معمولی مرد یا زن ، پسر یا دختر ، دستمزدی متناسب با درجه مهارت و هنروری میپرداخته‌اند و فرضیه پاره‌ای از خاورشناسان قرون گذشته که تصور نموده‌اند کاخهای تخت جمشید و نظائر آن توسط اسیران و بطور بیکاری ساخته شده باطل و مردود ساخت .

ب - ملیت کارگر در لوحه ذکر شده که پارسی یا مادّی یا مصری یا ساردی یا بابلی و غیره بوده است .

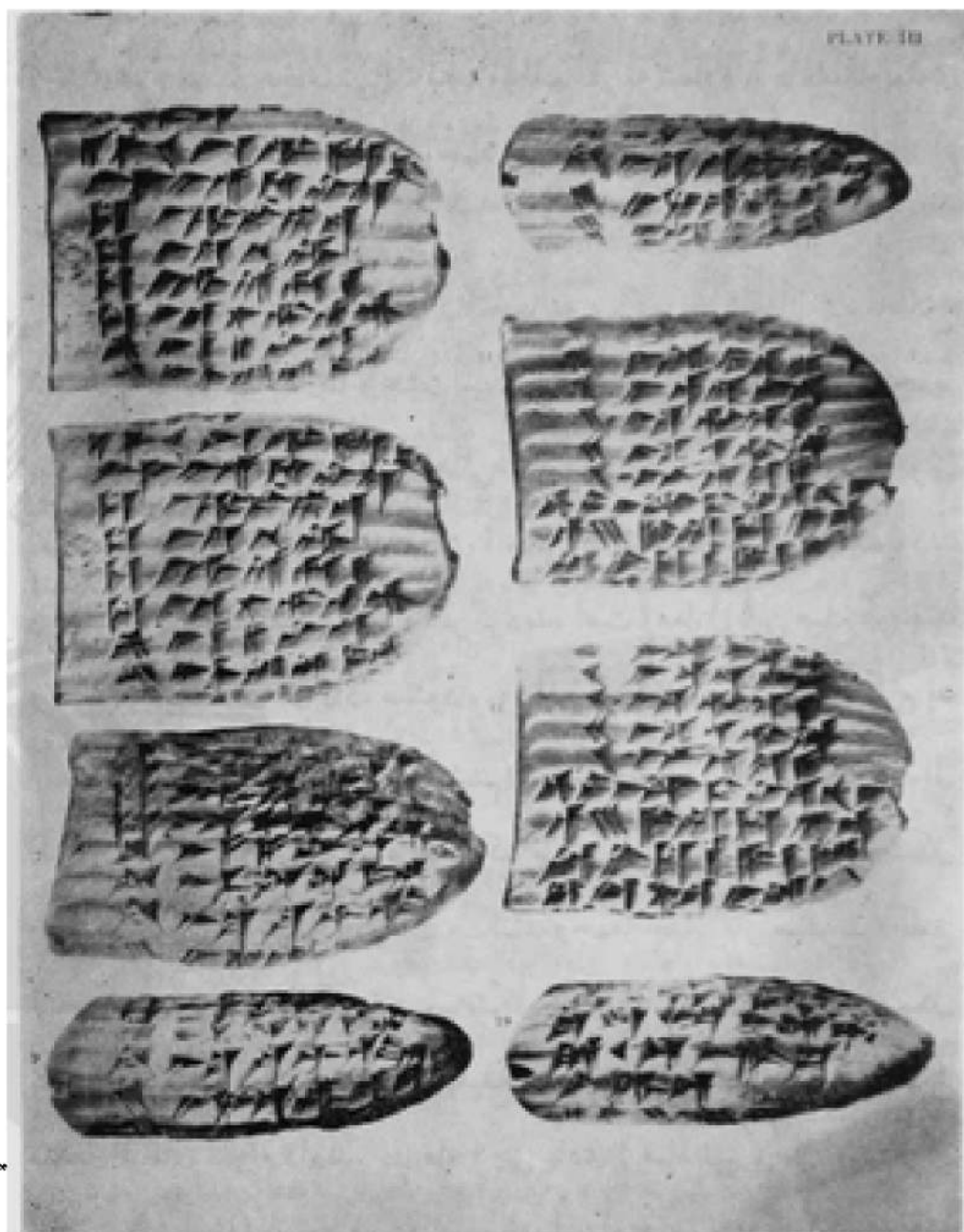
ج - پرداخت با پول نقره (کارشا)^۲ انجام میگرفته آرد و گوسفند و شراب در عرض ماه یا هفته بطور مساعد بکارگران داده میشده و در موقع پرداخت بنرخ تعرفه دولتی و بهای عادله روز ارزیابی و از مبلغ دستمزد وی کسر مینموده‌اند .

د - نام بعضی از شهرهای فارس از قبیل شیراز ، خفر ، فسا و نی ریز در لوحه‌ها ذکر شده است ، بسیاری مطالب و نکات مهم تاریخی دیگر از

مطالعه و بررسی این الواح والواح گلی پیدا شده در دییرخانه تخت جمشید معلوم گردید، که شرح آنها در صفحه اول کتاب پایتختهای شاهنشاه هخامنشی (مجلد سوم تمدن هخامنشی) تألیف مؤلف نشریه شماره ۸ دانشگاه پهلوی داده شده است. برای نمونه ترجمه چهار لوحه را جهت مزید اطلاع خوانندگان گرامی نقل مینماید.

مقادیر لوحه شماره ۲۲- «آرتا تخما به بردکاما خزانه دار پارسه اطلاع میدهد: معادل يك كارشا و هشت شكل ۲ و $\frac{۲}{۳}$ و $\frac{۲}{۹}$ شكل نقره (جمعاً ۸ و $\frac{۸}{۹}$ شكل) باید بعد از ازاها لی شام که مسئولیت کارشان بعهده و هوش است پرداخته شود. این عده برای انجام وظائف محوله نامزد شده بودند و اکنون از اشتغال ایشان صرف نظر گردیده است. معادل این مبلغ گوسفند و شراب بابت مزدشان داده میشود این پرداخت مربوط به ماه گرم پد (ماه چهارم) تا ماه کارباشیا (ماه ششم) یعنی جمعاً سه ماه از ششمین سال (سلطنت خشیارشا) میباشد سه نفر هر کدام ماهی يك شكل و سه ربع شكل و یک نفر ماهی يك شكل دریافت میکنند و جمعاً چهار نفر میشوند. طبق نرخ مقرر در فرمان يك گوسفند سه شكل نقره، و يك كوزه شراب يك شكل نقره، ارزیابی میگردد. ارزیابی این مبلغ را «پیکادا پارما» و دستیارانش مطابق مدلول فرمان انجام دادند. در ماه آچی یادی (ماه نهم) سال ششم (از سلطنت خشیارشا) دستور مهور داده شد. این لوح بوسیله «کارکیش» مرقوم گشته رسید آن از «ایرداکیا» دریافت شد.

۲- شكل (بکسر اول و دوم) $\frac{۱}{۱۰}$ کارشا و وزن آن معادل ۸/۳۰ گرام نقره بوده



نمونه لوحه های کلی نبشته

نکته مهمی که از مفاد این لوحه استنباط میشود انصاف و کارگرنوازی
 شهریاران هخامنشی است، که با وجود آنکه بعضی از کارگران اعزامی را
 مناسب کار ندیده، اجرتشان را بمیزانی که بسایر کارگران مشغول کار
 میپرداخته، هر چند که کاری از وجود آنها برخاسته نبوده، پرداخت مینموده اند.
مفاد ترجمه لوحه شماره ۴۴ :

«برابر پنج کارشا و سه شکل و نیم نقره بوسیله «شکا» به استادانیکه عنوان
 سرکاری صد نفر را داشته و در تهیه نقوش برجسته سنگی و منبت کاریهای چوبی
 پارسه، تحت نظر و مسئولیت «بردکاما»، اشتغال دارند، پرداخته شد.
 معادل این مبلغ بقرار هر سه شکل نقره، يك گوسفند احتساب گردید.
 این پرداخت مربوط بدوماه اول سال هفتم (سلطنت خشایارشا) بوده: ۱۱ نفر
 هر کدام ماهی يك شكل و نیم و ۷ نفر هر کدام ماهی سه ربع شكل ۱۰ نفر
 هر کدام ماهی نیم شكل دریافت نمودند.»

مفاد ترجمه لوحه شماره ۴۲ :

«آرتاتخما به وهوش خزانه دار پارسه گزارش میدهد: ۳۷ کارشا و يك
 شكل و ربع شكل نقره معادل نصف مزد کارگرانیکه «باکورادا» عنوان
 سرکاری صد نفر را در شیراز (شی رازی ایش) دارد و مسئول کارایشان است،
 بابت ماه سامیا (ماه یازدهم) در سال نوزدهم (سلطنت خشایارشا) داده میشود،
 صورت ریز کارگران و میزان دستمزد هر يك در لوحه ذکر شده است :

۱۲ نفر مرد هر کدام	سه شكل و سه ربع شكل
۱۱ پسر بچه	دو شكل و نیم
۱۱	يك شكل و سه ربع و يك هشتم شكل

- ۱۳ » » يك شكل وربع شكند
- ۱۵ » » نصف شكل و يك هشتم شكل
- ۷۸ نفر زن » دوشكل و نيم
- ۱۲ دختر بچه » يك شكل و سه ربع شكل و يك هشتم شكل
- ۱۸ » » يك شكل و ربع شكل
- ۲۰ » » نيم شكل و يك هشتم شكل
- در ماه ساميا (ماه يازدهم) از سال ۱۹ (سلطنت خشيارشا) اين دستور مهمور داده شد و از «مگا بيزوس» در پارسه رسيد دريافت گرديد . ۱
- ۸- ديگر از اشياء قابل ملاحظه پيدا شده در عمارت خزانه تنه و پاي يك پيكر مرمرين بسيار ظريف و زيبا كار يونان است كه سر آن شكسته و گم شده . (موزه ايران باستان)



سرداران و بزرگان پارس در پلکان شمالی کاخ مرکزی

- ۱- كتاب ترجمه الواح گلي تخت جمشيد تأليف سيد محمد تقی مصطفوی
مجلد اول گزارشهای باستان شناسی (چاپ تهران ۱۳۲۹)

جایگاه پاسداران و نخبانان کاخ

در دامنه کوه رحمت آثار دژها و برجهای چندی است که از دور مانند تپه‌های خاکی نمودار است . یکی از آن تپه‌ها که در مشرق عمارت خزانة واقع گردیده ، حفاری شد و نتیجه آن پیدایش اطاقها و راهروهای کوچکی جهت پاسداران و نگاهبانان کاخ سلطنتی بوده است ، در پشت این ساختمانها دیواری از سنگهای بزرگ نیم تراشیده وجود دارد، که در بسیاری از جاها سنگهای آن هنوز بر جای خود میباشد . این دیوار، بناهای پائین کوه را که ساختمانهای اصلی تخت جمشید است ، از برجهای روی کوه و آرامگاهها و چاه بزرگ سنگی جدا میسازد و در حقیقت حصار اولیه تخت جمشید را در قسمت مشرق تشکیل میدهد .

بین چاه سنگی و باغچه جنب آن و آرامگاه اردشیر سوم تا بالای کوه ، باز آثار دیوارهای سنگی و ساختمانهایی بروی آنها دیده میشود که همه متعلق به حصار شرقی کاخ و جایگاه پاسداران و افراد فوج جاودان بوده است . بنگاه علمی تخت جمشید از آغاز سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۸ خورشیدی در آنجا مشغول کند و کاو و روشن کردن وضع اولیه بنا گردید و قسمتهای جالبی را نمودار ساخت .

چاه سنگی

در سینه کوه رحمت يك چاه گود باد هانه پهنی با اندازه ۴/۲۰ متر در ۴/۲۰ متر، در کوه کنده اند. از حوضچه سنگی پشت چاه که در کوه تراشیده شده، و فرو رفتگی هائی که در لبه شمالی و جنوبی چاه تعبیه شده، چنین استنباط میشود که بوسیله حیوان یا وسائلی شبیه آن، آب از چاه کشیده و در حوضچه مزبور میریخته اند و از آنجا بتوسط مجرای سنگی که در کوه کنده اند، بمحوطه قصر میرفته است. خاک درون چاه را تا عمق ۲۴ متری در دوره هیئت علمی امریکائی خارج کرده اند، ولی بواسطه وجود سنگهای بزرگی که هنگام انهدام تخت جمشید یا بعد از آن بتدریج در ته چاه افتاده، نتوانستند آنرا بخوبی پاک نمایند و بمقاصد اصلی آن برسند.

نظیر چاه سنگی نامبرده سه چاه عظیم دیگر، که دهنه آنها وسیع تر از دهنه این چاه است، در دنباله کوه رحمت در جهت شمالی تخت جمشید و خارج از آنجا، محاذی چشمه علی آباد در سال ۱۳۲۹ کشف گردید. ۱. درون آن چاهها نیز با خاکهای مرور زمان پر شده و برای آگاهی بر چگونگی آنها لازم است خاکها بتمامی بیرون کشیده شود، تا بتوان بطور تحقیق مورد

۱- در کوه شرقی شیراز (کوه سعدی) يك چاه سنگی نظیر همین چاههای مشروحه بالا معروف بچاه قلعه بندر (فهندژ) با همین دهانه و عمق ۱۰۲ متر موجود است و شرح آن در کتاب شیراز تألیف مؤلف داده شده است.

استفاده این چاهها را فهمید . تا اقدام اساسی وجدی برای پاك کردن كامل آنها از خاك و سنگ بعمل نیاید و عمق حقیقی آن معلوم نشود، نظریه قاطعی درباره چگونگی آن نمیتوان ابراز داشت . بعضی تصور کرده اند که منبع آبی بوده که از سیلاب کوه در زمستان و بهار پر میشده و در فصول دیگر از آن برای مصارف ساختمانی و زندگی ساکنان و آبیاری قسمتی از کاخ استفاده مینموده اند .

ضمناً آثار يك مجرای سنگی در کنار کوه از حوالی ویرانه شهر قدیمی استخر^۱ تا نقش رجب و حتی يك کیلومتری شمال تخت جمشید دیده میشود که بوسیله آن آب را از جدول دهستانهای خفرك علیا بروی صفه تخت جمشید میرده اند ، بدیهی است که برای کارهای ساختمانی و کارسازی ساکنان قصر و کارگران ، آب فراوانی لازم بوده است که ازین منابع تأمین میگردد . ناگفته نماند که مورخان قدیم چون هرودوت و گزنفن و سترابن نوشته اند که آب آشامیدنی شاهنشاهان هخامنشی را از رود کرخه در ظرفهای سیمین کرده و هر جا که شاه توقف داشته میرده اند . آب کرخه فوق العاده زلال و گواراست .

۱- برای کسب اطلاعات بیشتری راجع به چاههای سنگی مکشوفه در کوه رحمت و شرح شهر قدیمی استخر بصفحات ۲۱ و ۲۸ کتاب آثار باستانی جلگه مرودشت (چاپ شیراز ۱۳۳۱) و کتاب تمدن ساسانی مجلد دوم تألیف مؤلف مراجعه شود .

دیرخانه شاهی

ساختمانهای خشتی روی دیوار شمالی، مشرف بدرّه، بر اثر کشف
الواح گلی مربوط بامور مالی و حسابداری ساختمان تخت جمشید،
بدیرخانه شاهی نامیده شده است.

در سال ۱۳۱۲ هنگام خاکبرداری در گوشه شمال شرقی صفّه توسط
هیئت علمی بنگاه شرقی شیکاگو در حدود سی هزار و چند خشت گلی نوشته
بخط عیلامی مربوط بدستمزدکارگران در دواطاق پیدا شد. دنباله حفاری
این قسمت در سال ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ در قسمتهای مهم آنجا که حفاری
شده بود، بوسیله بنگاه علمی تخت جمشید بعمل آمد و در نتیجه دوحیاط
و چند اطاق که مخصوص حسابداران بوده است پیدا گردید. کف این
دستگاه ساختمان از فضای شمالی صدستون در حدود سه متر بلندتر میباشد.
این هر دواطاق شکافی بعرض ۱۰ سانتیمتر احداث کرده بودند، تا دوحسابدان
ایادومنشی از دواطاق بتوانند باهم صحبت نمایند. این شکافها تقریباً نظیر
دریچه‌های کوچکی است که هم اکنون در دوائر دولتی و بانکها بین دو
اطاقی که کارشان بایکدیگر تماس دارد، میسازند.

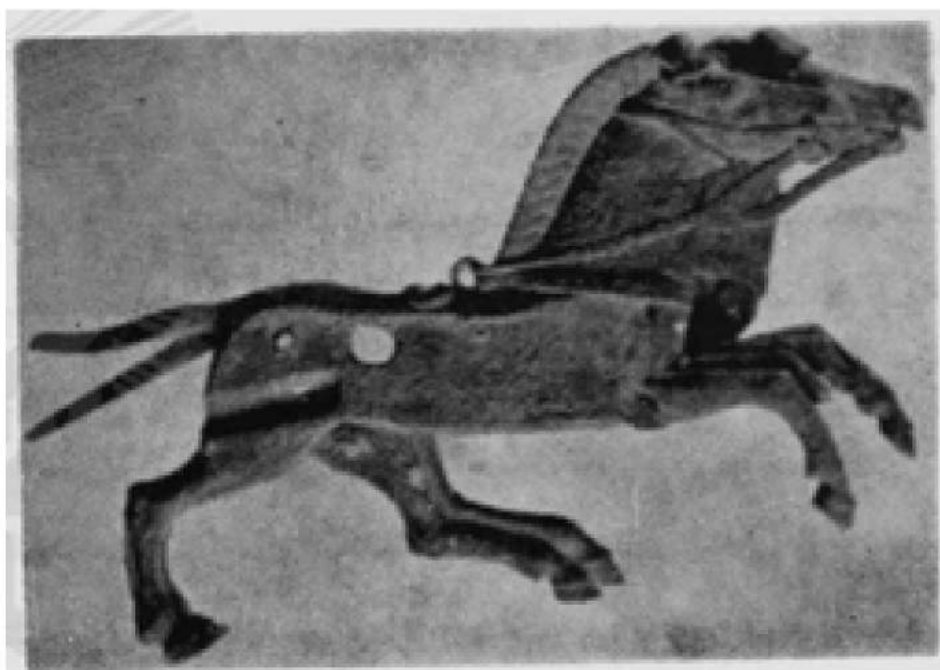
محل مشروح بالا فقط برای ثبت و ضبط اسناد ساختمانی و صورت
دستمزدکارکنان و کارگران بوده و جایگاه نگاهداری سالنامه‌ها و کتابهای
تاریخی و علمی و فلسفی و مذهبی و طبیی جای دیگری در تخت جمشید بوده

است که در نوشته‌های تاریخ نویسان قدیم به « دژنبشت » یا قلعه نوشته‌ها یادگردیده است و مخصوصاً مینویسند اوستا (کتاب مذهبی ایرانیان باستان) روی دوازده هزار پوست گاو نوشته شده و بضمیمه سایر کتابهای علمی و حکمتی در آنجا نگاهداری میشده است . بطور حتم پایتختی بدین معظمی و شاهنشاهی بدان والا مقامی و دانش پروری، دارای کتابخانه‌ای بوده است و همانطور که پلوتارک و پلی بیوس و سایر مورخان یونانی و رومی و اسلامی متذکر گردیده‌اند ، اسکندر پس از تاراج و سوزاندن و ویران ساختن تخت جمشید ، دستور داد کتابهایی که در دانشهای پزشکی و اخترشناسی و تاریخ و فلسفه بود ، یونان منتقل و بزبان یونانی ترجمه و سپس اصل آنها را بآب اندازند و بکلی نابود سازند و حتی دانشمندانی را که آن دانشها در سینه‌شان بود سربسته کرد .

این رفتار وحشیانه و کینه توزانه اسکندر، از ویران ساختن تخت جمشید و سایر شهرهای خاور زمین و غارت خزانه‌ها و ویرانی شهرها، بمراتب شنیع تر و ضربه بسیار شدید و غیر قابل جبرانی بود که بادیات و علوم و فنون ایران در دوره هخامنشی که بیشك از لحاظ علمی و فلسفی و حکمتی یکی از ادوار مشعشع و مهم تاریخ ایران و جهان بوده است ، وارد ساخت . نه تنها جلوی پیشرفت دانشها را در ایران گرفت، بلکه علوم و هنرهای کشورهای خاور باستانی را که هزاران سال بردانشها و هنرهای یونان پیشی داشت و مقدار زیادی از تمدن کثرت واژه‌ای و یونانی از آنها اقتباس گردیده بود ، دچار فترت ساخت .

آنچه از نوشته‌های کتزیاس تاریخ نویس و پزشك دربار اردشیر دوم

برمیآید در زمان هخامنشیان، محل‌هایی برای ضبط سالنامه و سرگذشتها و نوشته‌های دولتی موجود بوده که آنها را «دیفترای بازی لی‌کای»^۱ یعنی دفاتر شاهی مینامیده‌اند و آنچه از روایات سایر تاریخ‌نویسان قدیم از قبیل هرودوت، پلوتارک، دیودور و اسفار یهود استنباط میشود، شاهنشاهان هخامنشی برای ثبت وقایع روزانه و حوادث تاریخی، دبیران مخصوصی داشته‌اند که روز بروز رویدادها و سرگذشتها را مینوشتند و در جای ویژه‌ای بایگانی مینموده‌اند. دیودور سیسیلی مینویسد که تزیاس این گاهنامه‌ها را در کتابخانه شاهی دیده و کتاب خود را از روی آنها تدوین نموده است.^۲



پیکراسب فلزی (موزه ایران باستان)

1- Difterai Bazilica

۲- برای اطلاعات بیشتر درباره دانشهای عهد هخامنشی بصفحه ۲۷۸ تا ۲۹۷ جلد اول تمدن هخامنشی و شماره ۶۹ و ۷۲ مجله هنر و مردم نوشته مؤلف مراجعه شود.

آرامگاه اردشیر دوم و سوم هخامنشی

دو آرامگاه ازدو پادشاه آخری هخامنشی اردشیر دوم و سوم در سینه کوه رحمت (کوه شرقی تخت جمشید) و بقیه در پاسارگاد و نقش رستم می باشد .
باین ترتیب که آرامگاه کوروش بزرگ بنیان گذار شاهنشاهی هخامنشی و همینطور کمبوجیه فرزند او در پاسارگاد ، آرامگاه داریوش بزرگ و خشایارشا و اردشیر اول و داریوش دوم در نقش رستم (کوه حاجی آباد هفت کیلومتری شمال تخت جمشید) قرار دارد. آرامگاه اردشیر دوم و اردشیر سوم همانطور که اشاره شد در سینه کوه رحمت مشرف بکاخهای تخت جمشید و آرامگاه داریوش سوم ، شهریار ناکام هخامنشی هم در پشت پوزه جنوبی کوه تخت جمشید (رو بده شمس آباد) نیمه تمام مانده است .

نمای خارجی و طرز ساختمان و نقشه آرامگاههای نقش رستم و تخت جمشید همه باهم قرینه و يك شکل است و عبارت از يك حجاری است، که شاهنشاه داریوش بزرگ پادشاهی در حالیکه فروهر در بالای سرش در پرواز است، مینماید . پادشاه در برابر آفتاب و آتش فروزان یکدست را بحال دعا و نیایش بلند کرده، و در دست دیگر کمانی دارد .

اورنگ شاهنشاهی بر فراز دست و سر ۲۸ نفر نمایندگان کشورهای تابعه قرار گرفته است ، تنها آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم دارای نوشته مفصلی است که چون از موضوع بحث این کتاب خارج است از ذکر آن

صرف نظر مینماید^۱ و دیگر آرامگاه اردشیر سوم که بالای سر نمایندگان
کشورها و ملیت هر کدام بدین ترتیب مرقوم گردیده :

ردیف بالا از چپ بر راست : این پارسی است ، این مادی است ، خوزی ،
پارتی ، هراتی ، باختری ، سغدی ، خوارزمی ، زرنکی ، رنجی ،
ث - ت گوش ، گنداری ، هندی ، سکا های هوم ورکا .

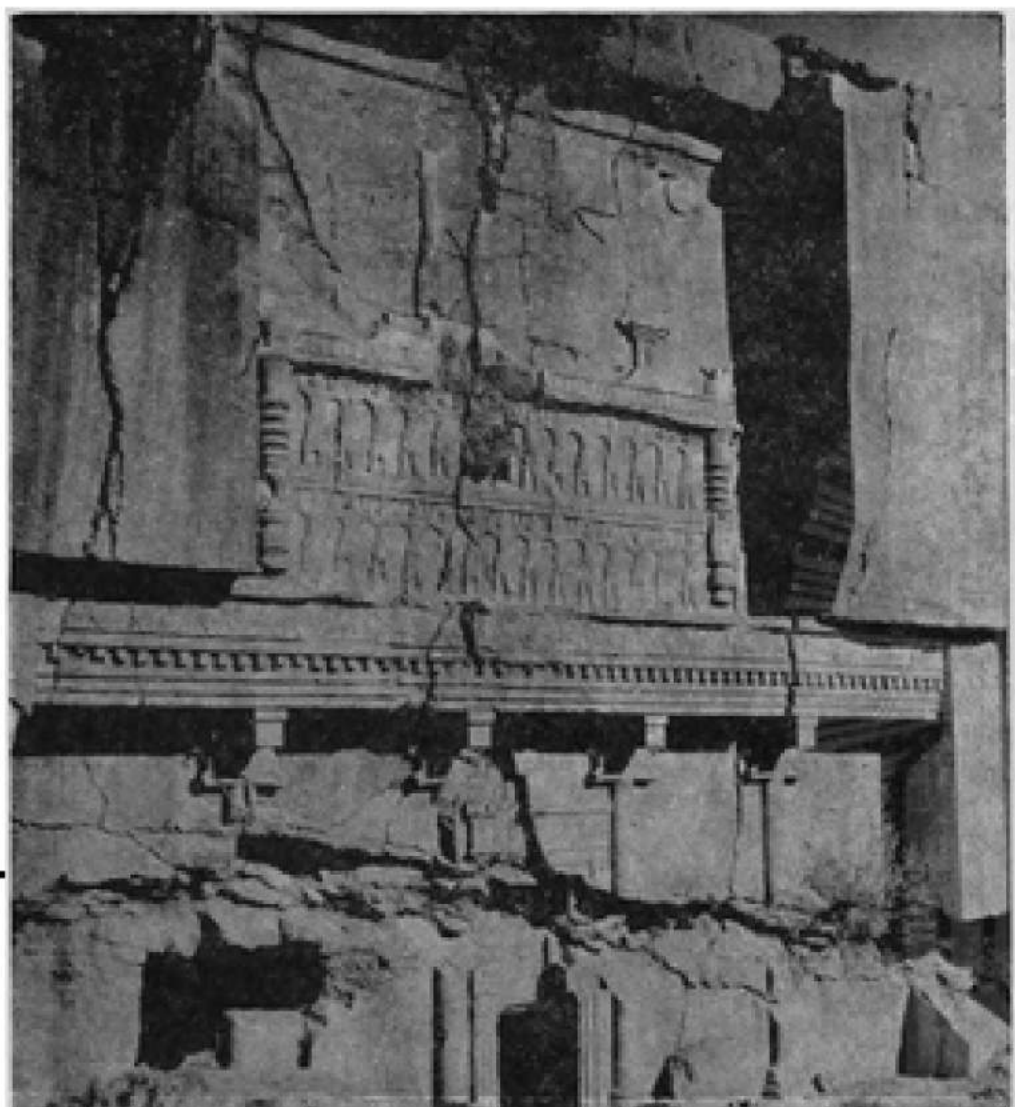
ردیف پائین : این سکائی نیز خود است ، بابلی ، آشوری ، عربی ، مصری
ارمنی ، ك پ دوکی ، لیدی ، یونانی ، سکائی آنور دریا ، مقدونی ،
یونانی سپردار ، پوتی ، حبشی است .

در سمت راست تخت شاهنشاه ، این کرکی است .

در سمت چپ تخت شاهنشاه ، این مچیائی است .

داخل آرامگاه ساده و در آن يك آرامگاه که منسوب ب اردشیر دوم است
جای دوقبر ، که شاید شاه و ملکه بوده ، و در دیگری جای شش قبر متعلق
ب اردشیر سوم و خاندان سلطنتی در سنگ کوه حفر کرده اند . روی قبرها
سنگ یکپارچه بزرگ محذبی میانداخته و در آنرا کاملاً مسدود مینموده اند .
راه عبور بیالای آن مشکل و بدون نردبان یا چوب بست غیر مقدور بوده
و این از آن لحاظ بوده است ، که دسترسی با جساد شاهان نباشد ، تاهنگام
تحولات و انقلابات از دستبرد مهاجمان و غارتگران و دزدان در امان بماند ،
لیکن با همه تدابیر متخذ و محکم کاری ، سرانجام تقدیر موافق تدبیر نشد
و از دستبرد مهاجمان و تاراجگران در امان نماند . مهاجمان وحشی بطمع

۱- ترجمه کامل این دو کتیبه در صفحه ۲۲۱ مجلد چهارم گزارشهای باستانشناسی
و صفحه ۱۸۹ جلد اول تمدن هخامنشی تألیف مؤلف نوشته شده است .

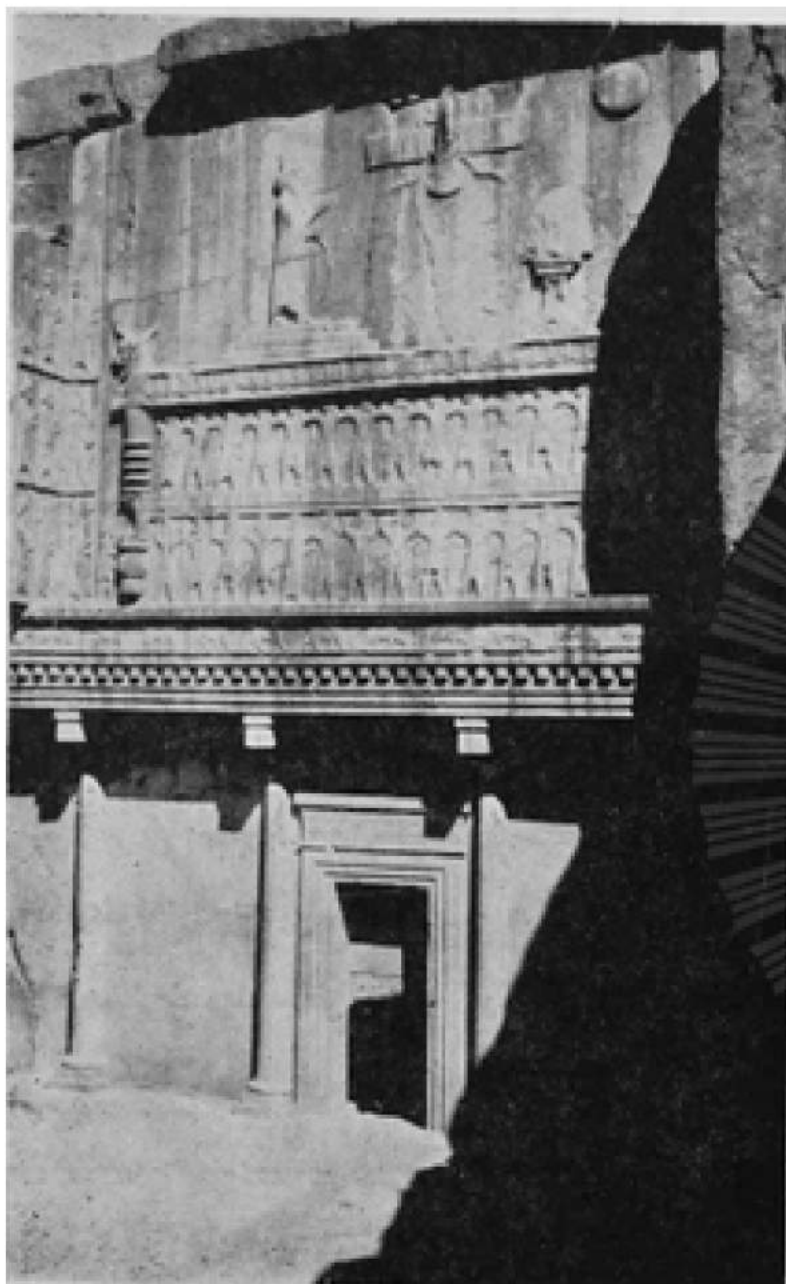


آرامگاه اردشیر سوم هخامنشی

ر بودن اشیاء گرانبهائی که با جسد شاه دفن شده، درهارا بازو سنگهارا شکستند. آرامگاه اردشیر دوم بخلاف سایر آرامگاهها يك فضای ۲۰ X ۲۰ متر در جلو دارد و سپس سنگ کوه را تا حدود چهار متر عمودی صاف نموده اند که دیوار جلو فضای آرامگاه را تشکیل میدهد، و در جلو این دیوار يك ردیف ساختمانهای روی صفه سنگ چینی شده، وجود داشته که در بهار سال ۱۳۳۴ کاوش و خاکبرداری ما در آنجا آغاز گردید، و در سالهای بعد پایان پذیرفت. اطاقها دارای ستونهای بوده که دو زیرستون یکی از اطاقها در جای خود مانده است.

جلو آرامگاه اردشیر سوم مثل سایر آرامگاههای نقش رستم يك راه باریکی گذارده اند و سپس دیوار عمودی که از کوه تراشیده شده، حایل میگردد و بعد ساختمانهای جلو آرامگاه شروع میشود، خاکبرداری جلو این آرامگاه نیز در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ بعمل آمد قطعاتی از کتیبه های بالای سر نمایندگان و قسمت اعظم در سنگی آرامگاه ضمن این خاکبرداری پیدا شد که در موزه تخت جمشید نگهداری میشود. پیدایش تکه های در آرامگاه از کشفیات جالب بود و نمودار ساخت که آرامگاهها با درهای سنگی مضبوط و مسدود میگرددیده است.

در محاذات این ساختمانها و بطرف شمال آثار سنگ چینی مفصلی است بطول ۳۲ متر که روی آن ساختمانهای خشتی بوده، و در آنجا نیز کاوشهای بعمل آمد. دو سنگاب سنگی در دو طرف فضای جلو آرامگاه اردشیر سوم موجود است که یکی از آنها از سالهای پیش مکشوف و دیگری در بهار سال ۱۳۳۴ حین خاکبرداری آن حدود از زیر خاک بیرون آمد.



آرامگاه اردشیر دوم هخامنشی

ساختمانهای خارج از صف

کاخهای سلطنتی منحصر بآنچه که شرح مختصر آنها گذشت نبوده ، بلکه خارج از صف و تا حریم نیم الی یک کیلومتری ، ساختمانهای مشهود گردیده که اغلب با سنگهای تراشیده ساخته گردیده است و قسمتهائی از آن که با سنگ بوده باقی و بقیه که با آجر یا خشت و چوب بوده ، در اثر گذشت روزگار و متروک ماندن محل ، و سیلاب بکلی از بین رفته و محو گردیده است . تاکنون چهار دستگاه از ساختمانهای ضلع جنوبی و جنوب غربی و مغرب و شمال غربی در حریم ۲۰۰ الی ۵۰۰ متری پیدا شده که ضمن آنها زیرستونهای منقوش و احیاناً خط دار و پله های ضریف و درگاههای سنگی جالب و قابل اهمیتی ، دیده شده است .

در سال ۱۳۲۹ که ما از کاوش در پیرامون تپه مرکزی و انبارهای شرقی کاخ هدیش فراغتی حاصل کردیم مشغول کاوش در ضلع جنوب غربی بیرون از صف تخت جمشید (در حدود پانصد متر فاصله) شدیم . در نتیجه این کاوش یک استخر بزرگ سنگی و تالاری بوسعت ۲۴۰ متر مربع با ۱۲ زیرستون سنگی و آستانه سنگی و اطاقهای منضمه بدان ، که در زیر یکمتر خاک مدفون بود هویدا گشت . در شمال این تالار و ایوان شرقی آن اطاقهائی

موجود بوده که بر حسب فرصتی که در دست بود در بعضی از آنها کاوش بعمل آمد . ۱

نتایج جالب توجه و دقت این کاوش و خاکبرداری بشرح زیر است :

۱- پیدایش خطهای میخی در حاشیه زیرستون باین طریق که هر زیرستون بیک زبان یا عیلامی و یا پارسی و یا بابلی خطی داشته است . خط یک زیرستون آن که بزبان عیلامی است سالم و قسمت مختصری از یک زیرستون که بزبان پارسی است نیز دیده شده ، ولی بقیه شکسته و از بین رفته است . مضمون نوشته چنین است : « خشیارشاه گوید : من این تَچَر را بنا کردم . » از روی این نوشته میتوان حدس زد که این ساختمان وسایر بناهایی همانند آن که در پائین صَفّه بنا گردیده ، مربوط بزمان داریوش و خشیارشا بوده و نیز بنظر میرسد که پیش از آنکه قصور عالی روی صَفّه ساخته و پرداخته گردیده باشد ، و همچنین در حین ساختمان ، بناهای خارج از صَفّه هنگام توقف موکب شاهنشاهی در پارس ، مکرشاه و ولیعهد و دربار سلطنتی بوده و بعداً که کاخهای روی صَفّه قابل پذیرائی شاهنشاه گردید ، ساختمانهای خارج مختص وزیران و ندیمان و مشاوران و سرداران گردید .

۲- آثار سوختگی که همه جای دیوارها را سیاه کرده و پیدایش ذغالهای فراوان ، بخوبی فهمانید که این ساختمانها نیز از آتش فروزانی که ثمره

۱- شرح مفصل ابن خاکبردار بیا و همینطور کاوشهای بنگاه علمی تخت جمشید تحت تصدی مؤلف از پائیز سال ۱۳۱۸ تا پائیز سال ۱۳۳۰ بنام گزارش ۱۲ ساله (مجلد دوم گزارشهای باستان شناسی) در سال ۱۳۳۰ و شرح بقیه کاوشها از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۸ نیز بنام مجلد چهارم گزارشهای باستان شناسی تألیف مؤلف بطور مشروح بچاپ رسیده است .

مستی و خود خواهی سردار مقدونی و دستیاران و سربازان وحشی او بوده
برکنار نمانده است .

کنت کورث مورخ سده اول میلادی و چند نفر مورخ دیگر ضمن توصیف
آتش سوزی تخت جمشید از شهری درکنار تخت جمشید نام میبرند که
بهمراه تخت جمشید سوخته ، بنا بر این میتوان گفت که منظور مورخین
همین شهر کوچک مجاور تخت جمشید بوده ، همانطور که شهر استخر (شهر
منتسب به تخت جمشید) با آنکه هشت کیلومتر دورتر بوده در اثر سقوط
تخت جمشید آنهم دوچار آسیب فراوانی گردید .

۳- در حین خاکبرداری تکه‌هایی از رنگ آمیزی گل‌های تزئینات سقف
و دیوار اتاقها برنگ قرمز و آبی و سفید پیدا شد و معلوم ساخت که درون
اتاقها پس از سفیدکاری ، با گل و بوته و اشکال مختلف برنگهای ثابت
و مطبوعی تزئین میگردد ، ولی چون این نقاشیها بروی گل و ورقه نازکی
از گچ صورت گرفته و در زیر خاک رطوبت آنها را از یکدیگر جدا ساخته
يك تکه درست آن بدست نیامد . کف تالارها و اتاقها با همان مواد قرمز
رنگی که قبلا بیان داشتیم مفروش بوده است .

۴- استخر سنگی - یکی دیگر از کشفیات قابل اهمیت در ساختمانهای
خارج از صفه ، پیدایش يك استخر بزرگ از سنگ در فاصله ۵۷ متری
جنوب تالار نامبرده است . درازا و پهنای استخر در هر جهت ۲۳/۵۵ متر
و گودی آن ۲/۱۵ متر است . بدنه و کف با سنگهای زبره تراش بزرگ که
ملاط آن سرب و قیر است و با بستهای آهنی دم چلچله‌ای بیکدیگر مرتبط
گشته ، ساخته شده است .

در گوشه جنوب غربی آن آثار آبریز سنگی است که آب از همان راه
بدرون استخر میریخته یا از آن خارج میگشته است .

آثار يك كاخ ديگر - ساختمانهای فوق الذکر از طرف شمال ادامه
داشته و يك دستکاه عمارت بزرگتری وصل میگشته ، که تالار وسیع
وستونهای عظیم و زیرستونهای نظیر تالار ورودی که در صفحه ۱۵ توضیح
آن داده شد ، داشته است . ایوانهای سه طرف تالار دارای زیرستون
وستون سنگی ، سرستونها از نوع شیردوسر و شکسته یکی از آنها در ایوان
غربی همین ساختمان موجود است . نقش زیرستونها با نقش زیرستونهای
كاخ آپادانا و مدخل فرق دارد و خود یکنوع ممتاز و جداگانه ای است .
خاکبرداری این تالار و اطاقهای اطراف آن در بهار سال ۱۳۳۴ شروع
گردید و سالهای بعد پایان پذیرفت و نقشه کامل آن نمودار گردید و با آنکه
آب بردگی ، دیوارهای خشتی را محو نموده و کار حفاری ما را مشکل
میساخت ، ولی کارگران ورزیده و دقیق و پیشینه دار حفاری از روی پی های
خشتی و کمال مواظبتی که هنگام کلنگ زدن معمول میداشتند موفق به پیدا
کردن بسیاری از آثار دیوار و جرزها گردیدند . دیوارهای خشتی باستانی
این آثار ترمیم شد و هر جا از بین رفته بود روی نقشه اصلی پی گذاری و
دو عدد از زیرستونها نیز بشکل اولیه تعمیر گردیده است .

در سمت جنوب و مغرب تخت جمشید خارج از صفّه در زمان هیئت
علمی امریکائی حفاریهایی بعمل آمده که نتیجه آن در محوطه جنوبی خارج
صفّه ، پیدایش پله های ظریف سنگی کنگره دار و تالاری بازیرستونهای
سنگی و اطاقهای چندی میباشد و در سمت مغرب در سال ۱۳۱۰ و

۱۳۱۱ پیدایش آثار و بقایای ساختمانی شبیه پرستشگاه است . برطرفین آستانه پرستشگاه نقش برجسته شخصی نمایانست که یکدست خود را بحال نیاز بلند کرده و در دست دیگر چوبی دارد . دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد این بنا و نقش را از فراتاداران وامرای محلی پارس که پس از هخامنشیها در زمان سلوکیها (حدود سال ۲۵۰ پیش از میلاد) در فارس فرمانفرمائی داشته‌اند، میداند . نقش نامبرده و نقش برابر آن که شکل زنی است، تقریباً محو و بزحمت و دقت زیاد میتوان جزئیات آنرا تمیز داد.



سپرداران و نیزه‌داران پارسی

خبرهای ارزنده پیداشده از ۱۳۱۹ تا ۱۳۳۹

«بعضی ابرحسب دایات شاهنامه فردوسی عیب دارنده
که در اطراف این خرابه ها گنج نهانست که اینکه اگر از این خرابه ها
آثاری بدست بیاید کمتر از گنج نیست» ادوارد برادن

درین فصل منظور شرح مختصر و خصوصیات چیزهای مهم و منحصر
بفردی است که در خلال خاکبرداریهای بیست سال یعنی از سال ۱۳۱۹
تا ۱۳۳۹ خورشیدی که کاوشهای علمی تخت جمشید و پاسارگاد و تپه‌های
ماقبل تاریخی توسط وزارت فرهنگ و اداره کل باستان شناسی کشور تحت
نظر مؤلف این کتاب انجام گرفته ، بدست آمده است و دارای ارزش تاریخی
و حاوی نکات فنی و هنری میباشد .

ضمناً باید گفته شود ، که مقصود از کاوش در ویرانه‌های تخت جمشید
و پاسارگاد و استخر و یا آثار باستانی دیگر همانند آنها ، که بدست مهاجمان
تاراج و یا بتدریج از سکنه خالی گردیده است ، آنطوری که برخی مردم
کوته نظر تصور میکنند ، پیدا کردن اشیاء بظاهر گرانبها و دست یافتن
بخزانه شاهان قدیم ، نمیتواند بوده باشد ، بلکه مقصود نهائی و منظور
عمده از ادامه کاوش در این آثار ، یافتن نقشه نخستین بنا و خارج ساختن
خاکهائی است که گذشت زمان بروی این پایتخت عظیم شرق و چشم و چراغ

آسیای قدیم گسترده است، میباشد، تا اطلاعات مربوط به چنین آثار تاریخی معظمی کامل گردد و معلوم دارد که مردمان امروز ایران زمین، بیادگارها و مفاخر ملی و باستانی خود ارج میگذارند و پاس آنها را نیکو نگاه میدارند. باوجود براین از حسن اتفاق ضمن کاوشها و خاکبرداریهای ۲۰ سالی که زمان تصدی مؤلف بکمک کارکنان و کارگران صمیمی و علاقه مند بنگاه علمی تخت جمشید انجام گرفت، علاوه بر قطعات نقوش برجسته حجاری و ساختمانها، اشیاء نفیس و بی نظیر چندی بدست آمده است که از لحاظ نمایاندن و شناسائی هنر و کمال دوران هخامنشی حائز اهمیت فراوان بوده و آنها را بهیچ بهائی نمیتوان برابر دانست. درین فصل کوشش خواهد شد که شرح چند تکه از برجسته ترین آنها را بیان نماید :

۱- تکه ای از روکش زرین در آپادانا - در اسفند ماه سال ۱۳۱۹

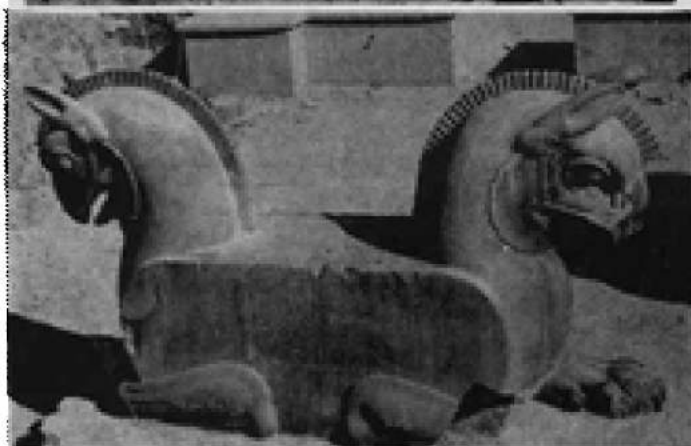
دراثنای خاکبرداری اطاقهای جنوبی کاخ آپادانا ضمن کوتاه کردن دیوارهای خشتی باستانی، در لای دیوار، یک قطعه زرین روکش در، باندازه ۳۱×۱۲ سانتیمتر و بوزن ۲۸۹ گرام که روی آن شکل سه گاو بالدار قلمزنی شده، بدست آمد. جای سوراخهای میخ نمایان و دومیخ طلا که روکش نامبرده توسط آنها بدر کوبیده میشده، همراه صفحه بود. این صفحه زرین فعلا در موزه ایران باستان (تهران) نگاهداری میشود و نمونه منحصر بفرد روکش در است که تا کنون پیدا شده است. مقداری از روکشهای منقوش فلزی دیگر هم بدست آمد که در موزه تخت جمشید گذارده شده است.

۲- قطعه ای از تاج طلا - یک تکه بند بندی طلا، متعلق بتاج همراه

این روکش زرین در همان سال پیدا شد، که آنها هم بزمزه ایران باستان



سرستون شیر
پیدا شده درسال
۱۳۲۱ مربوط بایوان
شرقی کاخ آپادانا



سرستون عقاب
پیدا شده درسال
۱۳۳۶



نقش عقاب روی صفحه
لاجوردی

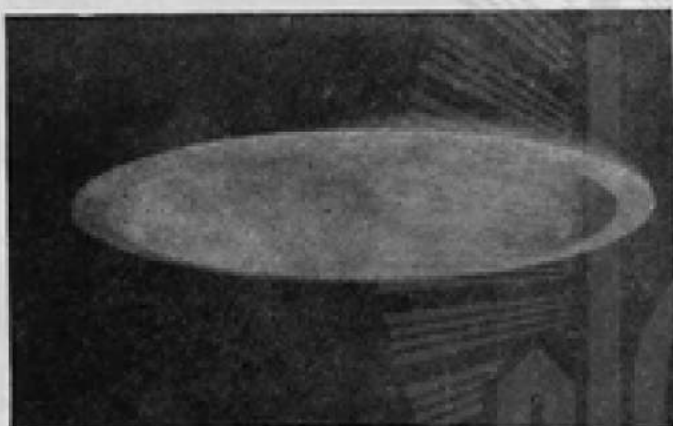
منتقل گردید .

۳- **دو بشقاب نقره** - از هزاران ظروف طلا و نقره دربار هخامنشی تنها دو ظرف نقره آن در دیماه سال ۱۳۲۱ در کنار مسیل مجاور دیوار شمالی صفه پیدا گردید . قطردهانه آنها بترتیب ۲۲/۳۰ و ۲۰/۲۰ سانتیمتر و وزن آنها ۳۹۴ و ۴۷۰ گرام است ، یکی ازین ظروف دارای نقشی چون ستاره در هر دو طرف و دیگری فقط در پشت دارای نقش میباشد (موزه ایران باستان شماره ۲۴۲۱ و ۲۴۲۲) .

۴- **گل‌های دوازده برگی طلا و گوشواره** - در خاکبرداری زیر زمینهای شرقی هدیش چند گل دوازده برگی طلا و تکه‌های کوچک دیگر مربوط بزینت زنان و یا تزیینات داخل قصور بدست آمد (قطر گل‌های طلا ۱/۷۰ سانتیمتر است) و نیز آویزه‌ای از طلا ضمن تالار ۳۲ ستون در زیر خاک دیده شد که دارای شکل و نقش زیبایی میباشد (موزه ایران باستان).

۵- **قطعه طلا بامینا** در سال ۱۳۲۷ قطعه مشبکی طلا با قطعات ریز مینا که در طلا ترصیع شده است، از لابلای خاک بیرون آمد . شیئی مکشوفه گرچه جزئی و بسیار کوچک است، ولی از لحاظ نمایانیدن صنعت میناکاری در ایران باستان دارای اهمیت هنری فراوانی میباشد . (موزه تخت جمشید)

۶- **سرپیکری از سنگ لاجورد** - پیدا شده در تالار ۳۲ ستون (تالار شرقی فضای صد ستون سنگی) بسال ۱۳۲۶ ، این پیکر زیبا سر یکی از شاهزادگان و با احتمال قوی خشیارشا بوده است . حجّازی آن در نهایت درجه ظرافت و زیبایی بعمل آمده . پیکر نامبرده از سنگ لاجورد دارای تاج کنگره داری میباشد که بروی موهای حلقه شده گذارده شده است ، این



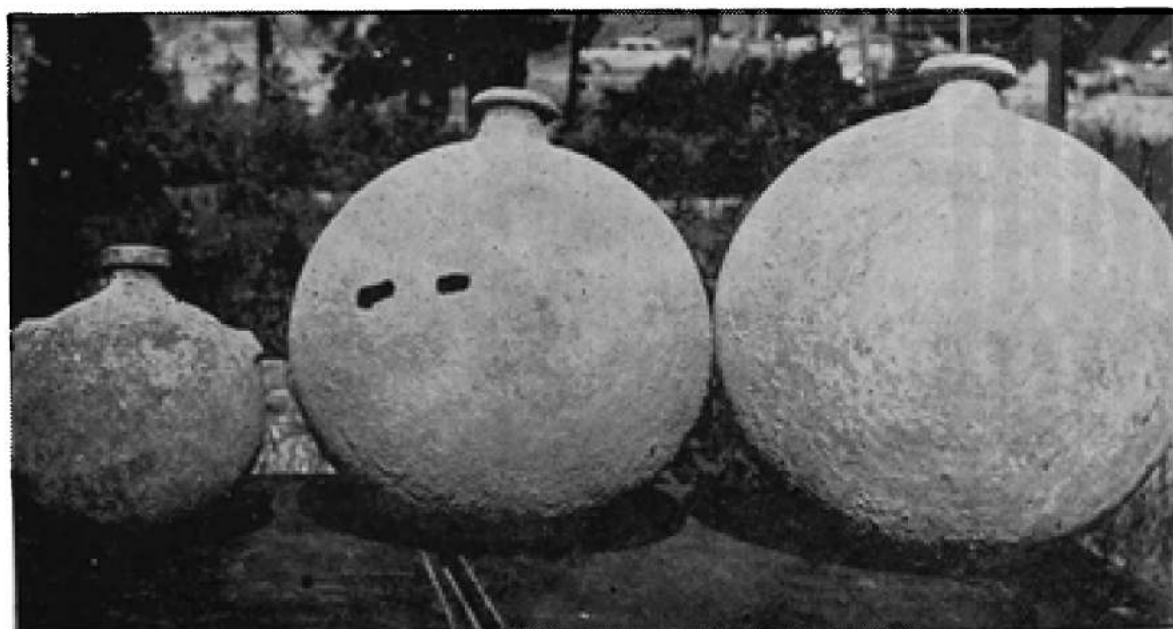
- از چپ بر راست : ۱- زیر ستون و قسمتی از ستون کاخ صد ستون ۲- سر پیکر از سنگ لاجوردی ۳- مجسمه سک نشسته نیمه تمام ۴ - بشقاب از سنگ یشم ۵ - سکه داریک ۶- پشت بشقاب سنگ یشم با خط آرامی

پیکر از لحاظ هنر مجسمه سازی عهد هخامنشی بسیار گرانبها و بی همتاست و اکنون زینت بخش قفسه اشیاء تخت جمشید در موزه ایران باستان میباشد، تنه آن بدست نیامد.

۷- پیکر شیر از سنگ لاجورد با اندازه ۱۰×۱۷ سانتیمتر در یکی از راهروهای ساختمانهای زیرزمینی شرقی هدیش در زمستان سال ۱۳۲۹ بدست آمد يك پنجه و قسمت پائین آن شکسته و مفقود گردیده است. جنس آن از سنگ لاجوردی بوده محل دندان و پنجه آن خالی و مینمایاند که جای عاج یا جنس دیگری بوده که بدان نصب مینمودند و هنگام آتش سوزی تخت جمشید سوخته است. مقدار دیگری سرو پنجه و تنه مربوط به مجسمه های دیگر شیر ضمن همین حفاری بدست آمد، که نمایاننده نظایر دیگر این پیکر میباشد. (موزه ایران باستان)

۸- شیر مفرغی کوچک - در ساختمانهای شمالی پیرامون تالار ورودی در زمستان سال ۱۳۳۱ پیکر مفرغی يك شیر نشسته با اندازه دوازده سانتیمتر و بلندی هشت سانتیمتر پیدا گردید، با آنکه ماندن زیر خاک و نمناکی و زنگ زدگی، ظرافت اولیه آنرا از بین برده با وجود براین تجسم و مهارتی که برای ساختن آن بکار رفته کاملاً مشهود و قابل تحسین است در پشت مجسمه دستهای برای بلند کردن آن ساخته اند. (موزه ایران باستان)

۹- عطردان از سنگ مرمر - عطردان نامبرده نظیر عطردانهائی که در تچرو هدیش در دست خدمه نقش گردیده، میباشد. طول آن ۱۲ سانتیمتر، فوق العاده ظریف و صیقلی است و در سال ۱۳۲۹ پیدا شد. جنس آن از مرمر و دو دستگیره کوچک در دو طرف دارد. (موزه ایران باستان)



۱- خمره بزرگ سفالی ۲- قمقمه های سفالی با اندازه های مختلف
(موزه تخت جمشید)

مقداری شکسته‌های گلدان و عطردانه‌های مرمرین نظیر همین عطردان درخلال خاکبرداریها بدست آمد، که هر کدام قابل وصال بوده تعمیر و گاهی خطوطی هم دارند. يك لیوان آبخوری کوچکتر از لیوانهای آبخوری بلوری امروز هم از سنگ مرمر بدست آمد.

۱۰- لب تخت سنگی سالم با خط آرامی - ظروف سنگی شکسته زیادی برنگ و طرح و اندازه‌های مختلف از سنگهای خوش رنگ سماق ویشم و مرمر، در عمارت معروف بخزانة بدست آمد ولی هیچگاه يك سالم و درست آن دیده نشده بود. خوشبختانه در سال ۱۳۲۸ در خیابان شرقی صد ستون (خیابان عریض کنار کوه رحمت) يك عدد بشقاب سنگی برنگ ماشی کاملاً سالم و صیقلی شده، بدست آمد که بنوبه خود از یافته‌های بی نظیر میباشد، خصوصاً آنکه در پشت ظرف با مرکب سیاه ثابت، چند سطر خط آرامی^۱ نوشته شده است. (موزه ایران باستان)

مقداری از تکه‌های ظرف و لب تخت شکسته، متدرجاً پیدا گردید

۱- خط آرامی در زمان هخامنشیان برای داد و ستد و تجارت و رفع احتیاجات عامه مردم از نظر سهولت در نوشتن متداول بوده است. در کنار آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم نیز نوشته‌ای که تقریباً محو شده بخط آرامی وجود دارد که متأسفانه چند حرف ناقص آن بیش خوانا نیست. خط درباری و رسمی کشور همان خط میخی پارسی بوده است که بزبان عیلامی و بابلی هم برای فهم کلیه کشورهای تابه مینوشته‌اند. يك مهره که روی آن خط آرامی دارد نیز ضمن خاکبرداریها دیده شد. در پشت بعضی ازهاونها و دسته‌هاونهای سنگی موجود در موزه تخت جمشید با خط آرامی کلماتی نوشته شده است. برای اطلاعات بیشتر از پیدایش و تحول این خط و نمونه‌های آن که در سرتاسر حوزه شاهنشاهی هخامنشی پیدا شده بجلد اول کتاب تمدن هخامنشی صفحه ۲۶۶ تألیف نویسنده مراجعه شود.



روکش زرین در کاخ آپادانا پیدا شده در سال ۱۳۱۹ با نقش کاو بالدار
(موزه ایران باستان)

که هر کدام قابل ترمیم و وصّالی بوده ، اصلاح و در موزه تخت جمشید گذارده شد .

۱۱- مهره سنگی با تصویر زن - شکل زن ضمن حجاریهای

تخت جمشید دیده نشده و این موضوع یا از نظر احترام و پرده نشینی توأم باوقاری که برای بانوان سلطنتی قائل بوده اند صورت گرفته، و یا مجسمه‌هایی از زن وجود داشته که از بین رفته است ولی نظریه اول بیشتر مورد پسند و اطمینان است ، زیرا اگر مجسمه‌هایی از زن که البته مربوط بملکه‌ها میشده وجود داشت ، لااقل قطعات شکسته آنها ضمن خاکبرداریها بدست می‌آمد و یا ضمن حجاریها همانطور که در حجاری ساسانیان (نقش رستم و نقش رجب) دیده میشود نقوشی، از آنها لااقل در تالارهای اختصاصی حجاری شده بود .

در زمستان سال ۱۳۲۷ در بین خاکهای خیابان بزرگ دامنه کوه رحمت نیمی از يك استوانه كوچك از سنگ مرمر، بدست آمد . روی این استوانه شکل زنی با گردن بند و کلاه و تاج و یاره و موهای افشان که نظیر آن دیده نشده بود ، در کمال ظرافت و ریزه کاری حجاری گردیده است . در وسط استوانه سوراخی است و طرف دیگر علامت يك حرف از خط میخی نقر شده، ولی بقیه آن شکسته و بدست نیامد. این شیئی شاید مهر یکی از ملکه‌ها بوده که شکل و نام او را روی آن نقش کرده بودند . (موزه ایران باستان) روی قالی پیدا شده در تپه پازیريك تركستان در سال ۱۳۲۸ مربوط بدوره هخامنشی هم نقش ملکه و بانوانی طراحی گردیده است .



نقش روی مهر استوانه شکلی
که در بناهای پیرامون
خزانة بدست آمده است
(موزه ایران باستان)



سر مجسمه خشیارشا
از سنگ لاجوردی پیدا شده
در تالار ۳۲ ستون
در سال ۱۳۲۶
(موزه ایران باستان)



۱۲- صفحه لاجوردی با شکل عقاب - دیگر از اشیاء جالب پیدا شده در سال ۱۳۲۶ در تالار ۳۲ ستون صفحه‌ای از سنگ لاجوردی با اندازه $۱۲/۵ \times ۱۲/۵$ سانتیمتر می‌باشد که روی آن شکل يك عقاب با بال‌های گسترده و پا‌های بازکنده شده، در حاشیه صفحه مثلثائی است که بارنگ‌های سفید و قرمز و سبز پررنگ شده است. (موزه ایران باستان)

عقاب مانند شیر نشانه فتح و فیروزی و اقتدار و کامیابی بوده و آنرا همیشه بفال نيك می‌گرفتند و از همین لحاظ است که بیرق شاهان هخامنشی با شکل عقاب مزین بوده است و طبق گفته مورّخین یونانی، پرچم ایران در آئزمان عقابی از زر بوده که در لشکر کشی‌ها پیش‌آورد می‌برده‌اند و در برابر تابش آفتاب درخشندگی ویژه‌ای داشته است.

نقش عقاب از دیرگاهان در هنرهای پهنه ایران دیده شده، و کهن‌ترین آنرا بروی سفال‌های پیش از تاریخ در تپه‌های شوش پیدا کرده‌اند و مربوط بحدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد می‌باشد.

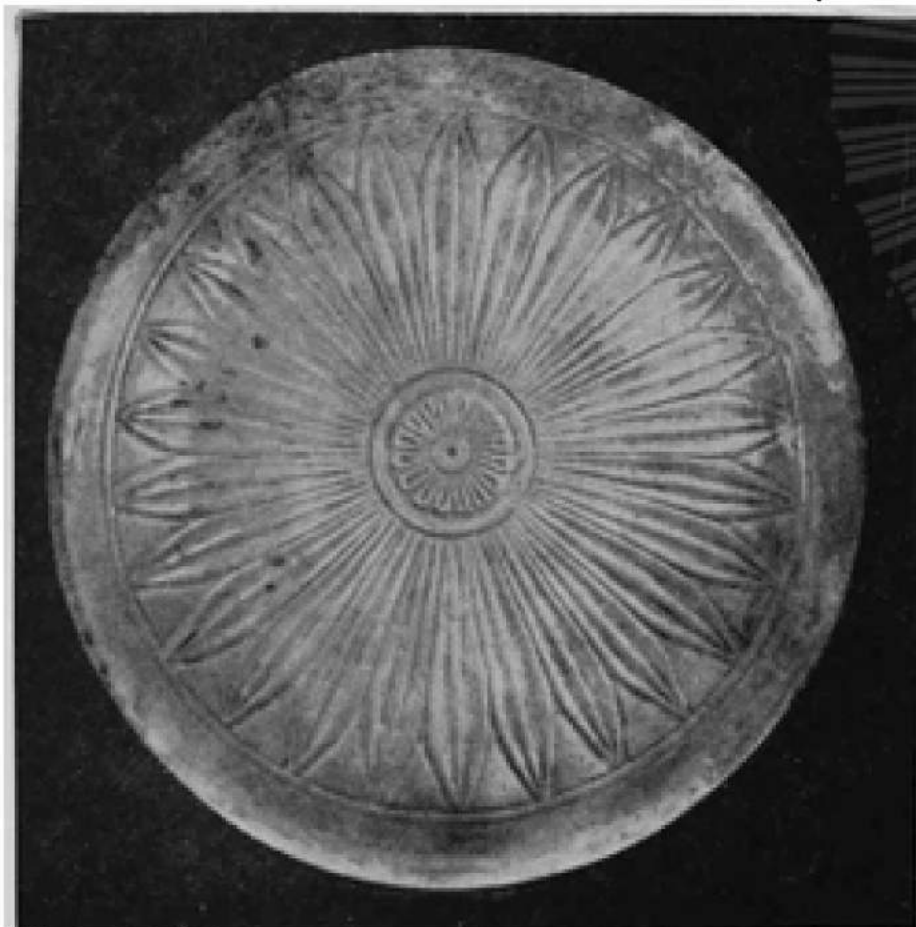
نشان عقاب توسط اسکندر و سرداران او بمصر رفت و از آنجا بروم وسایر کشورهای اروپائی رسوخ پیدا نمود. در ایران نیز متروک و منسوخ نگردید و در زمان پارت‌ها و ساسانیان زینت افزای اشیاء، مخصوصاً ظروف نقره بوده است. ۱

۱- راجع بعقاب و نشان عقاب و اهمیتی که این نقش در آثار باستانی دارد به بحث فاضلانه استاد فقید پورداد در فرهنگ ایران باستان (چاپ تهران ۱۳۲۶) صفحه ۲۹۶ و مقاله دانشمند فقید دکتر مهدی بهرامی مدیر سابق موزه ایران باستان در کنجکاو‌یهای علمی (نشریه شماره ۸۳ دانشگاه تهران) صفحه ۵۵ و مجلد دوم گزارشهای باستان‌شناسی (چاپ شیراز ۱۳۳۰) صفحه ۷۴ نوشته مؤلف مراجعه شود.



ساغر زرین هخامنشی
(موزه ایران باستان)

بشقاب نقره عهد هخامنشی
پیدا شده در سال ۱۳۲۱
در پیرامون تخت جمشید
(موزه ایران باستان)



۱۳- سرستون شیر - در فروردین ۱۳۲۱ کنار دیوار شرقی فضای شمالی آبادانا يك سرستون عظیم شیر مربوط بستونهای ایوان شرقی کاخ آبادانا در حالیکه به پهلوان افتاده بود پیدا گردید . بواسطه شکافی که در وسط داشته، استادان سنگتراش بوسیله بستهای آهنی دم چلچله‌ای، آنرا محکم کرده بودند و شاید از لحاظ همین منقصد ، مورد قبول و پسند مهندس و معمار قرار نگرفته ، از نصب آن صرف نظر نموده‌اند ، و در کودالی بزیر خاک آنرا مدفون ساخته بودند . طول این سرستون ۳/۷۰ متر و بلندی آن ۲/۳۰ متر است . گوش و شاخ و یال برای تکمیل زیبایی بدان نصب مینموده‌اند . دیدار این سرستون عظیم بی نظیر ، بلندی اندیشه و نبوغ کارفرمایان ، و کمال استادی و هنرمندی سازندگان آنرا مینمایاند ؛ و اهل فن بیش از پیش در برابر استادان و سازندگان این هیولای گران وزن هنری، سر تعظیم فرود آورده و با دیده تحسین و تمجیدی بدان مینگرند و متحیرند با چه وسائلی این سنگ گران وزن را تا ارتفاع بیست متری بالا برده فرازستون نصب مینموده‌اند . چند تکه‌های شکسته سرستونهای شیر در ایوان شرقی کاخ آبادانا پراکنده است .

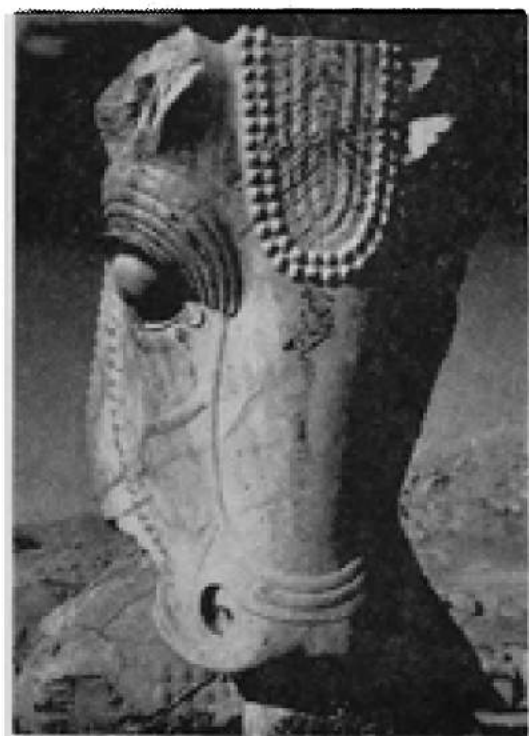
۱۴- سرستون عقاب - در فروردین ماه سال ۱۳۳۲ یک عدد سرستون عظیم عقاب که بهیچوجه از وجود آن اطلاعی نبود حتی نظائر شکسته‌ای از آن دیده نشده بود ، در ساختمانهای شمالی خیابان بین دو ورودیه (قسمت شمالی صفّه) ضمن خاکبرداری نمودار گردید . يك پنجه آن سالم است متعارها شکسته ولی قطعات آن در همانجا بوده که فعلا بدان وصل گردیده است . یکی دیگر نظیر آن در اسفند ۱۳۳۲ بفاصله ۱۳ متری سرستون



نقش نمایندگان کشورهای در پلکان شرقی
آپادانا که پیشکشهای خود را میبرند



عطر دان از سنگ مرمر
(موزه ایران باستان)



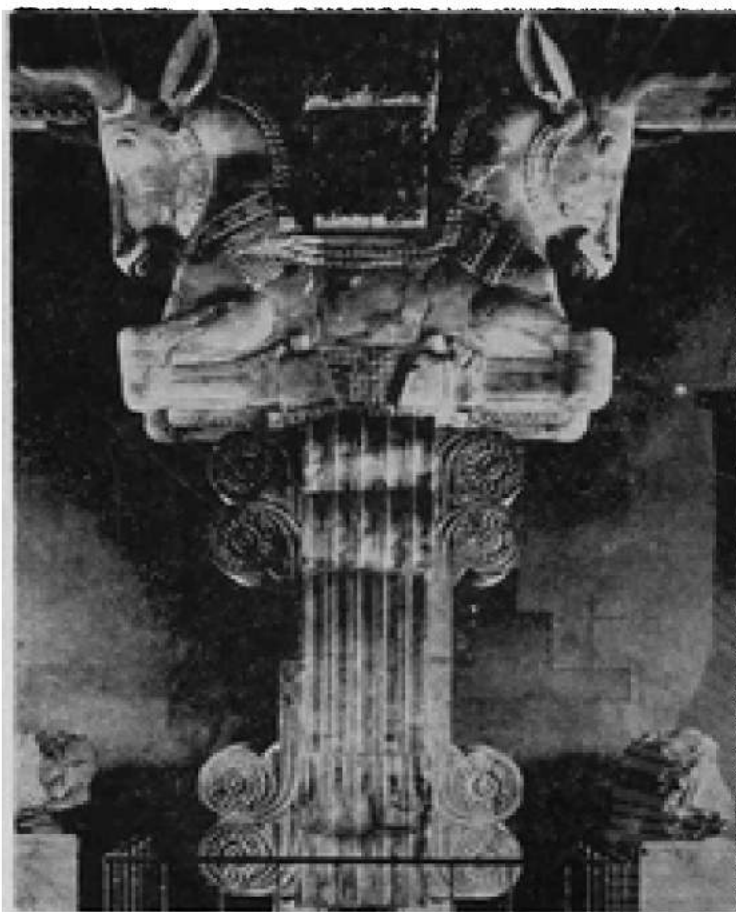
سر پیکر بزرگ گاو طرفین ایوان ←
شمالی کاخ صدستون

قبلی در زیر بیش از یکمتر خاک حین کاوشهای ما بدست آمد . دو پنجاه این سرستون نسبتاً سالم ولی يك سر آن شکسته و بکلی نابود گردیده است .
 بنگاه علمی درین قسمت از صفّه که کارگاه حجّاری بوده و همه جا آثار بریدگی سنگهای ضخیم، برای تالار ورودی نیمه تمام کاخ صد ستون سنگی نمودار است، چندی کار کرد و در نتیجه يك قسمت از خانه های خشتی کارگری که برای کارگران در همینجا وجود داشته و بسیاری از پایه های آنها حین حفّاری زمستان ۱۳۳۳ و بهار سال ۱۳۳۴ نمودار گردید و نقشه بناهای روی صفّه را تکمیل کرد .

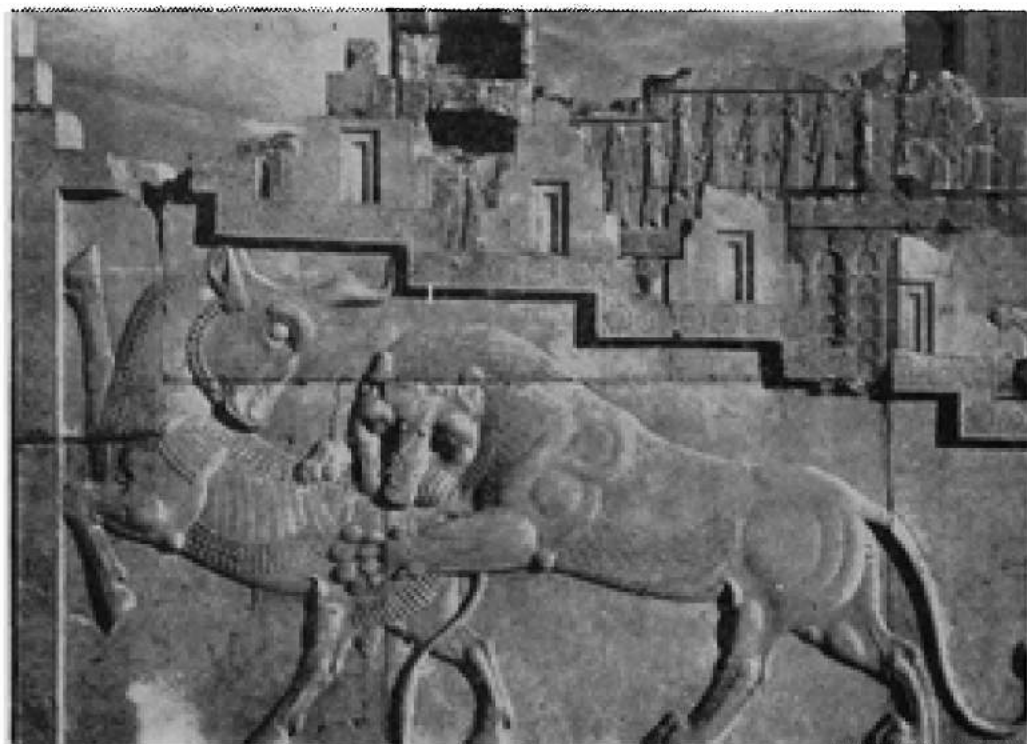
۱۵- سرستون گاو - در جنب تالار ورودی نیمه تمام، در سال ۱۳۲۵ زیر خاکها سرستونی بادوسرگاو در حالیکه به پهلوی افتاده بود بدست آمد که ظاهراً آنرا برای روی ستونهای ورودیه نیمه تمام ساخته و پرداخته بودند ، ولی به نصب آن توفیق حاصل نکرده اند . یکطرف آن شکسته و حجّارش محو گردیده ولی یکطرف دیگر آن نسبتاً سالم و نمودار کمال هنرمندی میباشد .

يك سرستون بزرگ گاو که از حیث اندازه کوچکتر از این سرستون است در سال ۱۳۲۶ در حوالی تالار ۳۲ ستون پیدا شد که یکسر آن سالم و یکسر آن شکسته و در همان نزدیکی افتاده است و شکسته های سرستون دیگری از همین نوع در همان مکان پراکنده است . این سرستونها شاید متعلق بایوان و تالار صد ستون سنگی بوده است .

۱۶ - قسمتی از سرستون ورودیه نیمه تمام - شکل و نقش این سرستون که متعلق بمدخل نیمه تمام بوده، از حجّاریهای بدیع و منحصر بفردی



قطعات سرستون کاخ آپادانا با پیکره گاو روی آن



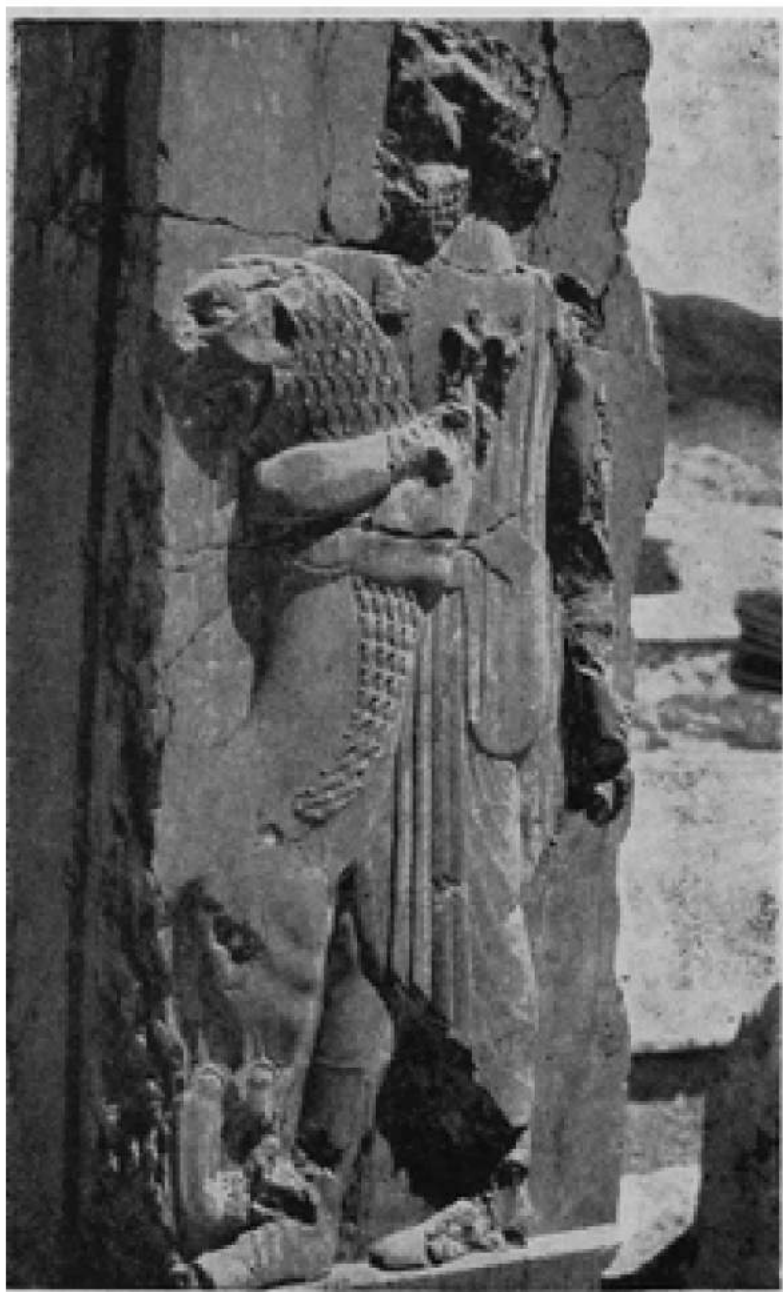
نقش حمله شیر بر گاو پلکان کاخ مرکزی

است که ضمن ستونهای سایر قصور دیده نشده است. از لحاظ نقشی که روی آن کاربندی گردیده، دارای اهمیت فراوانی است ولی تراش آن با تمام نرسیده. این سرستون در کنار ورودیه نیمه تمام و نزدیک سرستون بزرگ گاو میباشد.

۱۷- پیکر سنگ نشسته نیمه تمام - از سنگ سیاه در شش متری سرستون عقاب در فروردین ماه ۱۳۳۲ حین خاکبرداری پیدا شد. پیدایش این پیکر نیمه تراش تأیید کرد که سایر مجسمه های سنگی را در خود تخت جمشید تراشیده وزینت افزای تالارها و ایوانها مینموده اند. یک عدد از نوع این پیکر، ولی سالم و صیقلی شده که پیش از آن در خلال کاوشها بدست آمده بود، اینک در موزه ایران باستان نگهداری، میشود منتها پوزه و قسمتی از صورتش شکسته و نابود شده بود، که توسط اساتید فن تعمیر گردید. در همین محل و در جاهای دیگر گاهی تکه های نیم تراش ظرفها و هاونهای سنگی یافت شده که همه نمودار تراش بسیاری از ظروف و پیکرهای سنگی در خود تخت جمشید میباشد.

۱۸- قمقمه سفالی شکل این ظرف عیناً شبیه قمقمه های فلزی است که اینک میسازند، با گنجایش بیشتری در حدود سه برابر. یک طرف قمقمه محدب و طرف دیگر که هنگام حمل بیدن می چسبیده، مقعر است. قمقمه های بزرگتر از این و کوچکتر هم پیدا شده که در موزه تخت جمشید نگهداری میشود. بعلاوه یک دیزی سفالی نیز در خلال خاکبرداریهای خارج از صفه دیده شد، که دو دسته در دو طرف آن دارد.

۱۹- پیکر گاو - در اطاقهای جنوبی کاخ مرکزی تنه گاوی یافت شد.



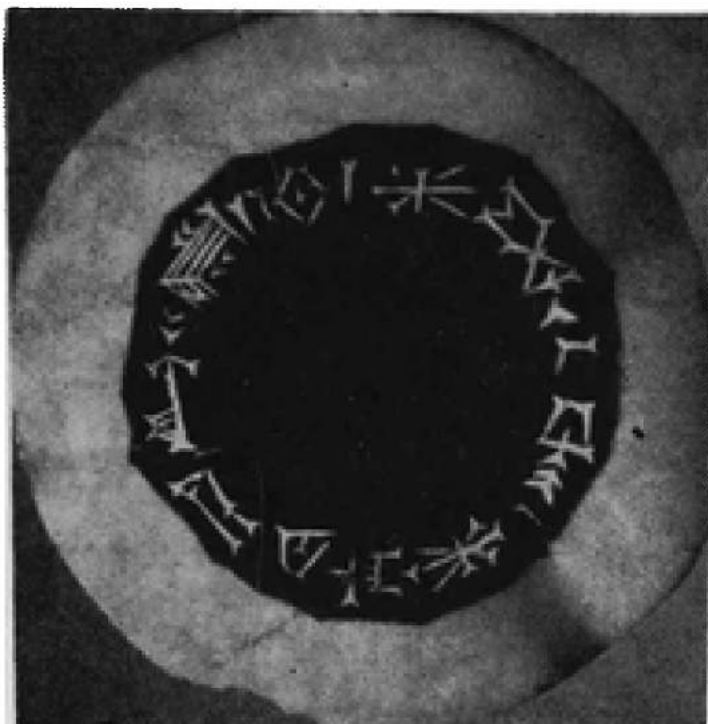
نقش درگاه کاخ تچر
نبرد با شیر و خفه کردن او

سازنده این پیکر نهایت استادی را در تراش آن بکار برده و آنرا فوق العاده طبیعی و شبیه ساخته است . سروپاهای آن شکسته و ازین رفته است . (موزه تخت جمشید)

۲۰- ظرف فلزی شبیه به بوته: این ظرف فلزی سنگین وزن، بشکل مخروط است و سوراخ در نزدیك لبه آن بمحاذی هم دارد که جای دسته یا جای آویزان کردن آن بوده، و وزنش در حدود ۱۸/۵ کیلو میباشد (قطر دهانه ۲۸ سانتیمتر و بلندی آن ۳۲ سانتیمتر) داخل آن هنوز بقایای رنگ لاجوردی تندی شبیه برنگهای بکار رفته در آثار دیده میشود. میتوان حدس زد که این ظرف را چون بوته جهت نوب فلزات گران قیمت یا پختن رنگهایی که حرارت زیاد لازم داشته است، مورد استفاده قرار میداده اند. محل پیدایش آن در یکی از اطاقهای شمالی خیابان بین دو مدخل در زمستان سال ۱۳۳۳ میباشد . (موزه تخت جمشید)

۲۱- تکه منبت کاری - يك قسمت از پیکر چوبی کوچکی در سال ۱۳۳۴ پیدا شد که زانو و پنجه های يك پرنده شکاری را مینمایاند که نشسته است. جنس چوب آن سفید و منبت کار با کمال دقت شکل نامبرده را در آن درآورده است، این شیئی کوچک، معرف هنر منبت کاری در دوران هخامنشی میباشد که در لوحه های گلی نیز از منبت کار سخن رفته است .

۲۲- مهره چشم با خط بابلی - در زمستان ۱۳۳۵ يك مهره چشم در اطاقهای دامنه کوه رحمت پیدا شد که از لحاظ خط میخی بابلی که در دایره سیاه وسط آن مهره از روی کمال ظرافت و زیبایی حکاکی شده شایان اهمیت است . قطر مهره ۲/۵ سانتیمتر و حاشیه سفید باریکی که سفیدی



چشم را تشکیل میدهد
در اطراف آن است .
درون دایره سیاه وسط ،
با خط ریز و زیبای
میخی نوشته ای بزبان
و خط بابلی باینمضمون
کنده شده : «پیشکشی
نبوکد و اوتسور به
مردوک» . ۲۹۱ (موزه

مهره چشم با خط بابلی
«پیشکشی نبوکدیتسر بمردوک»

ایران باستان)

دومهره چشم دیگرهم که دارای خط میخی میباشد در سالهای ۱۳۳۷
و ۱۳۳۸ بدست آمد . (موزه تخت جمشید)

۲۳- نقش اشخاصی که با زنبه گوسفند میبردند: در سال ۱۳۳۴ در
خلال خاکبرداریهای حیاط جنوبی کاخ تچروپیرامون هدیش قطعه سنگی
پیدا شد که روی آن نقش شخصی است که زنبه ای را میبرد ، درون زنبه
چهارگوسفندگذارده شده است . نقش شخصی که طرف دیگر زنبه را گرفته
است پیدا نشد . زنبه دارای پایه هائی است که هنگام بزمین گذاردن ،
دسته های آن بزمین اصابت نمیکرده که دست را مجروح سازد . اندازه

۱- خدای بزرگ بابلیها ۲- توضیحات مشروح درباره این مهره و
مردوک و چطور شده که این مهره چشم بابلی به تخت جمشید آورده شده در صفحه ۲۲۵
کتاب پایتختهای شاهان هخامنشی نشریه شماره ۸ دانشگاه پهلوی داده شده است .

این سنگ ۸۰×۶۰ سانتیمتر است . در طرف دیگر این سنگ نقش اشخاصی است که قوچ باخود میبرند . سنگ نامبرده مربوط بکنار دایکان بوده است . (موزه تخت جمشید)

۲۴- گلدان شکسته شیشه‌ای با نقش شیر و گاو - در تیرماه ۱۳۳۸

در پستوی یکی از اتاقهای دامنه کوه رحمت يك گلدان شیشه‌ای ظریف بدست آمد که در سهم خود از لحاظ نمایانیدن هنر شیشه سازی در عهد هخامنشی، یکی از کشفیات مهم و کم نظیر بود . قسمت مهم از این گلدان که دسته و سرگردن آنرا تشکیل میداده سالم است و عبارت از پیکر شیری میباشد که بر گاوای حمله مینماید . عیناً همانند شیرهایی که بر بدنه پله‌ها حجاری شده است ، پیکر گاو نیز مانند ستونهای گاو دوسر و بهمان شکل میباشد ، بعضی تصور کرده اند که شاید این شیئی شیشه‌ای ساغر (ریتون) بوده است . ۱ (موزه ایران باستان) مقدار دیگری شیشه‌های شکسته گاهی بین حفاریها بدست آمده است .



شرح اشیاء درون موزه تخت جمشید توسط آقای رحیم افلاطونی تهیه و تنظیم و ضمن انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارس بنام «راهنمای موزه تخت جمشید» چاپ و منتشر گردیده و علاقه مندان میتوانند برای اطلاعات بیشتر از اشیاء درون موزه تخت جمشید بآن نشریه مراجعه فرمایند .



۱- شرح مفصل این شیئی و توضیح هنر شیشه سازی ایران در عهد هخامنشی در صفحه ۳۰۰ کتاب پایتخت شاهنشاهان هخامنشی نشریه شماره ۸ دانشگاه پهلوی بقلم مؤلف داده شده است .

علاوه بر اشیاء مشروحه بالا مقدار دیگری از روکشهای مفرغی و پیکان
 و سر نیزه و ظروف سنگی و هاون شکسته و مهرها و قطعات ریز طلا و تکه‌های



نقش اشخاصی که با زنبه گوسفند می‌برند

مجسمه‌ها و عطردانهای مرمری، بتدریج پیدا گردید که در موزه تخت جمشید نگاهداری میشود.

اشیاء فوق‌الذکر بطور اجمال قسمتهای برجسته‌ایست که از هنگام اشتغال بنگاه علمی تخت جمشید بامر خاکبرداری و کاوش تا پایان سال ۱۳۳۹ در ویرانه‌های کاخها بدست آمده است. ضمناً هشت سالی که هیئت علمی دانشگاه شیکاگو (از اواخر سال ۱۳۱۰ تا نیمه ۱۳۱۸) مشغول خاکبرداری در تخت جمشید بودند اشیاء جالب دیگری کشف گردیده‌است که از مهمترین آنها ضمن شرح کاخها در جای خود یاد شد و رؤس آنها بدینقرار است:

الواح زر و سیم متعلق بکاخ آپادانا، سرستون حیوان بالدار با پیرانسان در کاخ مرکزی، هفت لوحه سنگی نوشته بنام خشیارشا در برج شرقی عمارت پائین کوه نزدیک عمارت معروف بخزانه، يك لوح سنگی نوشته بنام خشیارشا در زاویه جنوب غربی عمارتی که تجدید ساختمان شده است (حرمسرا)، و لوح سنگی بخط بابلی بنام اردشیر دوم در پائین شالوده سنگی تالار صد ستون بزرگ، متجاوز از سی هزار لوحه گلی در زاویه شمال شرقی صقه تخت جمشید، مجسمه سه شیر مفرغی متصل بهم در عمارت خزانه، مجسمه مرمری زن شبیه مجسمه‌های یونانی و قطعات فراوان ظروف سنگی کار مصر در محلهای مختلف عمارت خزانه که مقداری از آنها در موزه ایران باستان و بعضی هم در موزه تخت جمشید نگاهداری میشود.



نقش درگاه سنگی ساختمان شمال غربی خارج از صفه تخت جمشید

سراجام تخت جمشید

در خلال کاوشهای سی ساله تخت جمشید، در همه جا، همانطور که تاریخ نویسان یونانی نیز متذکر شده‌اند، آثار سوختگی و آتش سوزی که توسط اسکندر و سربازان وحشی او در تخت جمشید صورت گرفته، نمودار گردید و مسلم ساخت که این یادبود بزرگ شرق باستان، در اثر آتش سوزی ویران گردیده است. نه تنها کاخهای روی صفه دوچار این حریق گردیده، بلکه بناهای بیرون از صفه هم از این سانحه در امان نمانده، آنان نیز با آتش بیداد متجاوز و مهاجم مقدونی سوخته و بدست ویرانی سپرده گردیده است. شاید پارمائی تصور نمایند که آتش سوزی تخت جمشید توسط اسکندر، انتقام آتش گرفتن آتن و آکروپلیس پس از نبرد ترموپیل بوده است، اما باید باین نکته توجه داشت که بین این دو آتش سوزی حدود یکصد و پنجاه سال فاصله است و چهار پنج نسل پشت سر هم آمده و رفته بودند، و بعلاوه سبب آتش سوزی در آتن و کاخ و معبد آن، رفتار بی رویه و خلاف انسانیت یونانیها بود که یوننها و ساکنان جزایر و شهرهای کرانه آسیای صغیر را تحریک و وادار به آتش زدن شهر سارد و پرستشگاه و جنگل مقدس آن نمودند، و ایرانیان رؤف و مهربان را که با کشورهای مفتوحه و تابعه همیشه برفق و مدارا و ملاطفت رفتار مینمودند، وادار ساختند که در ازاء این جسارت و اهانت و تند روی یونانیان، برخلاف سنجیه و سنت خود، چنین

تصمیمی را در باره آتن که بدست خشیارشا گشوده شده بود، بموقع اجرا گذارند. در این باره تاریخ نویسان قدیم و خاورشناسان و باستان شناسان متأخر بتفصیل این موضوع را مورد بحث قرار داده و عمل ناپسند اسکندر را مورد تقبیح و تنقید قرار داده اند و چون نویسند نظریه و نوشته پاره از آنان را بضمیمه نظریه خود در کتاب پایتختهای شاهنشاهان هخامنشی نشریه شماره ۸ دانشگاه پهلوی از صفحه ۳۵۳ تا ۳۸۰ مشروحاً مورد بحث قرار داده است، در اینجا از ذکر مطالب دیگری خودداری مینماید. وعلاقه مندان میتوانند بدان کتاب مراجعه نمایند.



مجسمه شیراز سنگ لاجوردی پیدا شده در سال ۱۳۲۹
شرح در صفحه ۹۴ (موزه ایران باستان)

شرح مختصر کاوشهای علمی تخت جمشید

از قرن ۱۷ میلادی باینطرف توجه خاورشناسان و باستان شناسان بآثار باستانی کشورهای خاور زمین و ایران، بویژه تخت جمشید معطوف و اکثراً بادشواریهایی زیاد و وسائل غیر کافی و کندرو آفریز ، این آثار معظم تاریخی را دیدن کرده، و در حدود اطلاعات و فرصتی که برای بررسی و مشاهده آثار داشته ، مطالبی نوشتند . ولی چون وسائل مقتضی و فرصت کافی ذردسترس آنها نبوده ، بدیدن آنچه که از خاک بیرون بوده ، اکتفا کرده ، و روی همان مشهودات ، تحقیقاتی نموده اند و مطالبی بیان داشته اند ، همینطور دانشمندان ایرانی از قبیل نویسنده کتاب مرآت البلدان و فارس نامه ناصری (حاج میرزا حسن فسائی) و آثار عجم (فرست الدوله شیرازی) و غیره .

نخستین ایرانی که در تخت جمشید دست بکار خاکبرداری و تنظیم آثار گردیده ، بموجب نوشته ای که بر دیوار تالار تچر (تالار آینه) نقر گردیده شاهزاده قاجار معتمد الدوله فرهاد میرزا والی ایالت فارس در سال ۱۲۹۴ هجری قمری میباشد . ولی البته حقاری او علمی و از روی اساس صحیحی نبوده و مقصودش بیشتر پاک کردن يك قسمت از بنا از خاکهای زائد بوده است و شاید اشخاص دیگری نیز به همین قصد مبادرت بکاوشها و خاکبرداریهایی



نماینده بابل (سرزمین عراق فعلی) با پیشکشی خود
پله شمالی آپادانا

کرده باشند، که چون درجائی یادداشت نشده، نتیجه کار آنها بر ما نامعلوم است. نخستین حقّاری علمی و اساسی را دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد که از باستان شناسان معروف قرن اخیر است در سال ۱۳۱۰ شروع نمود. وی پس از يك بازدید دوماهه در سال ۱۳۰۴ (۱) و بررسی کامل روی آثار، با موافقت دولت ایران از طرف بنگاه علمی شرقی شیکاگو (بدستور پرفسور بریستد) مأمور حقّاری در تخت جمشید گردید و از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۴ ریاست و سرپرستی هیئت علمی را بعهده داشت. سپس باستان شناس فقید دیگر دکتراریک اشمیت استاد دانشگاه نامبرده دنباله کارهای او را تا سپتامبر ۱۹۳۹ یعنی آغاز جنگ جهانی دوم (شهریور ۱۳۱۸) تعقیب نمود. دو نفر باستان شناس نامبرده نتیجه پژوهشها و کاوشهای خود را بصورت کتابهای مشروح و مفصلی منتشر نموده اند که ما را از ذکر آنها بی نیاز مینماید.^۲ ضمن شرح آثار، موفقیت‌هایی که در اثر کاوش نسبت به پیدایش پارمائی از آثار از قبیل پله‌های شرقی آپادانا و لوحه‌های زر و سیم در زمان پرفسور هرتسفلد و عمارت خزانه و الواح گلی در زمان دکتر اشمیت، نصیب آنها گردید، در جای خود یاد شده است.

۱- گزارش مشروح این بازدید در کتابی بنام :

«Rapport Sur L' État Actuel Des Ruines De Persépolis»
 یزبان فرانسه در برلن سال ۱۹۲۸ میلادی چاپ و آقای مجتبی مینوی آنرا بعنوان گزارش در باره حالت کنونی اطلال شهر پارسه، (پرسپولیس) ترجمه و ضمیمه همان کتاب در همان سال منتشر گردیده.

۲- کتاب پرفسور هرتسفلد «ایران در شرق باستان» در سال ۱۹۴۰ و کتاب دکتر اشمیت بنام «تخت جمشید» در سال ۱۹۵۳ چاپ و منتشر گردیده است.



بزرگان و سرداران مادی
(پلکان کاخ مرکزی)

پس از عزیمت هیئت علمی امریکائی که مدت کار آنها رویهمرفته کمی بیش از هشت سال طول کشید، کاوشها تا پایان سال ۱۳۳۹ (بیست سال و نیم) ادامه پیدا کرد.

بنگاه علمی تخت جمشید از طرف وزارت فرهنگ وقت، تحت نظر اداره کل باستان شناسی طبق برنامه دقیق و منظمی کاوشهای علمی را در تخت جمشید و تپه‌های ماقبل تاریخی و پاسارگاد دنبال کرد و نویسنده مفتخر است که از سال ۱۳۱۹ تا خرداد ماه ۱۳۴۰ سرپرستی امور اداری و کاوشهای علمی نقاط نامبرده بالا را بهعهده داشته است و با همکاری و صمیمیت کارگران و کارکنان بنگاه علمی، نسبت بصیانت و ترمیم آثار بارعایت بنیه مالی کشور، حسب الوظیفه اداری و ملی، اقدامات شایان و مؤثری صورت گرفت و در نتیجه در عرض بیست سال نامبرده با همه اشکالات مادی و مالی که کم و بیش از آن اطلاع دارند، موفقیت‌های شایان توجه و تقدیری تحصیل نمود و مقدار زیادی از بنا را که زیر خاک پنهان بود، بدر آورد بطوری که در پایان سال ۱۳۳۹ نقشه قطعی قسمت مهم از بناهای روی صفه و قسمتی از بناهای خارج از صفه روشن گردید و اشیاء گرانبهای بی بدیل و نظیری از دل خاک بیرون آمد.

بنگاه علمی تخت جمشید قسمتهائی از آثار را که هیئت علمی امریکائی فقط بتپه نقشه و حدود آن اکتفا کرده و خاکهای زائد را بجای خود گذارده بود، بکلی پاک و بیش از صد هزار متر مکعب خاکهای گذشت زمان را از چهره باشکوه‌ترین و زیباترین آثار هنری ایران بزرگ، پاک کرد و بخارج صفه منتقل نمود و نیز دیوارهای خشتی باستانی را که آنها پیدا

نقش درختان سرو و نخل بر دیوار پلکان کاخ آپادانا

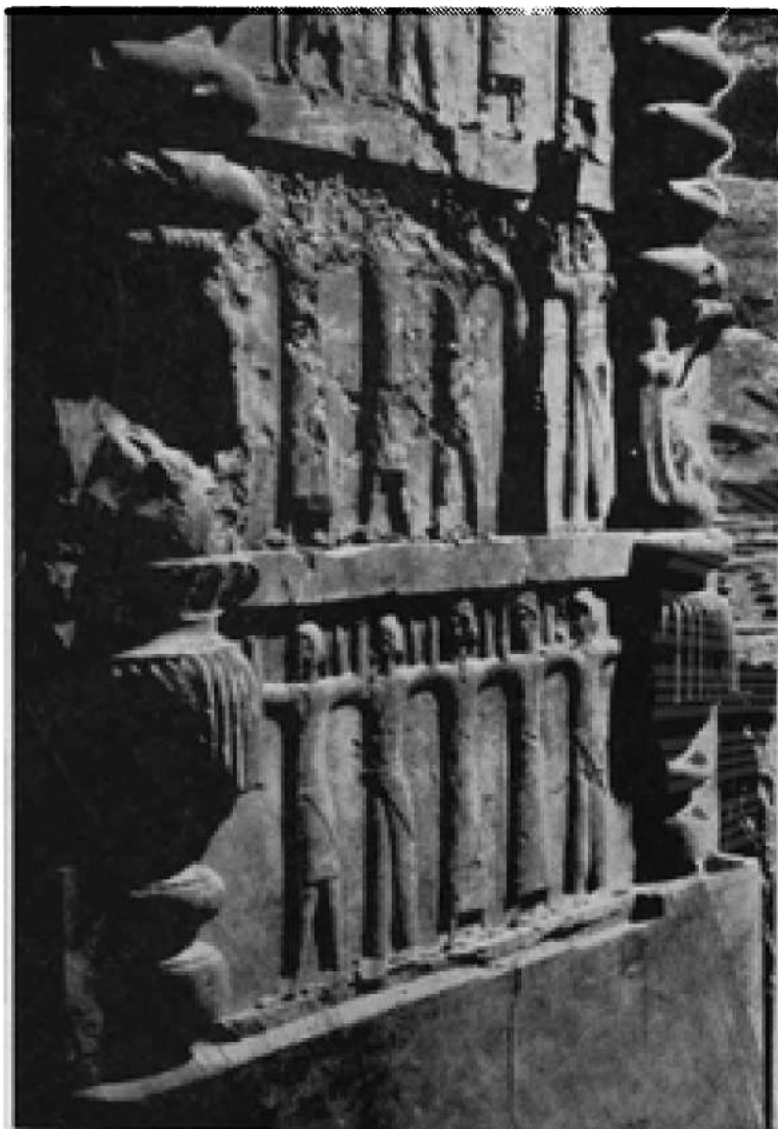


نموده و یا آنهایی را که بعداً بیرون آمد و باران آنها را منهدم و محو میساخت ، همه را پوشانده و برای حفظ آنها اقدام کرد .

نویسنده سرفراز و مباهمی است که در اثر توجهات و زراری محترم فرهنگ و همراهیهای صمیمانه همکاران باستان شناسی و علاقه و صمیمیت کارکنان و کارگران دلسوز و فداکار تخت جمشید، علاوه بر ادامه کاوش و پیدا کردن نقشه کامل و اصلی و صیانت آثار و حفاظت نقوش پلهها بتوسط احداث سایبانهای مناسب موقت ، و ترمیم دیوارهای قدیمی و تعمیر ستونهای آپادانا و تالار ورودی و تأسیس کتابخانه و ساختمان نمونه کوچک تخت جمشید (ماکت) برای موزه ایران باستان توسط هنرمند فقید جواد زاکانالی واحداث ساختمانهای ورودی پای پلکان و تهیه دستگاه برق و تلمبه آبکشی و چاه و تکمیل وسائل پذیرائی و گسترش موزه و قفسه بندی آن و تنظیم امور اداری و تشریفاتی و پذیرائی از شخصیتهای برجسته علمی و دانشگاهی و سیاسی و تأسیس درمانگاه و دبستان برای کارکنان بنگاه علمی و مردم آن ناحیه، توفیقات گرانبھائی حاصل کرد .

برای نویسنده این کتاب نهایت افتخار و خوشوقتی است که بهم خود توفیق خدمتی چنین کوچک را ، بفرهنگی چنان بزرگ که سبب سرافرازی و مباهات نژاد ایرانی میباشد ، یافته است .
حقاری در پاسارگاد - بنگاه علمی تخت جمشید در پاسارگاد که قدیمترین پایتخت شاهنشاهی هخامنشی و کاخهای کوروش بزرگ و آرامگاه ابدی اوست و قبلاً نیز حقاریهایی در آنجا بعمل نیامده بود ، شروع بکاوش و خاکبرداری نمود . در نتیجه آثاری مربوط بدوره های پیش از تاریخ

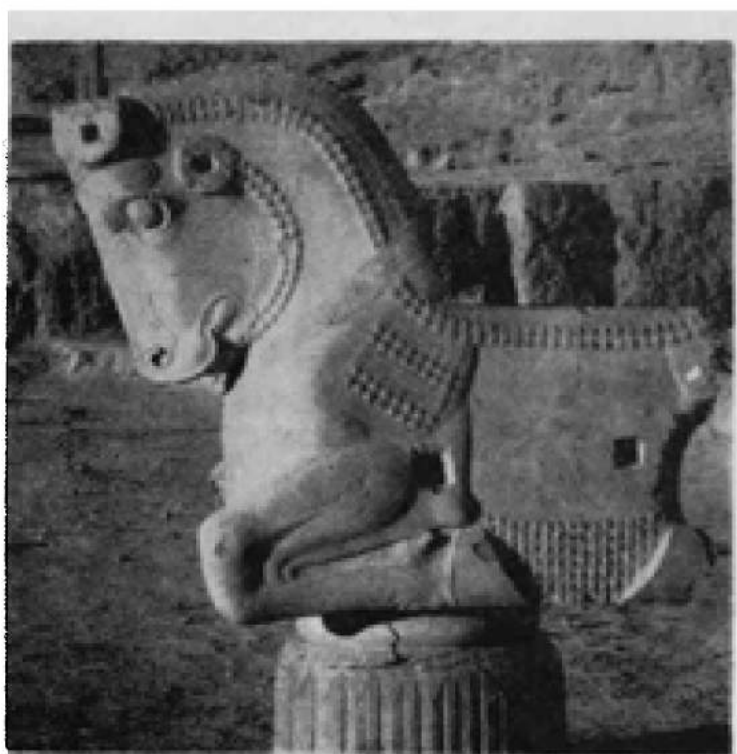
و همچنین ساختمان‌هایی از بدو فرمانفرمائی هخامنشیان که بزیر خاک پنهان بود، و یک ساختمان مربوط بدوره اسلامی را از خاک بدرآورد. ۱



نقش نمایندگان کشورها در زیر پایه اریکه شاهنشاهی هخامنشی
در درگاه جنوبی کاخ صدستون

۱- نتیجه این حفاریها و تحقیقات در مجلد اول گزارشهای باستان شناسی (چاپ تهران ۱۳۲۹) و مجلد دوم گزارشهای باستان شناسی (چاپ شیراز ۱۳۳۰) و کتاب پاسارگاد با قدمی‌ترین پایتخت شاهنشاهی ایران (چاپ شیراز ۱۳۳۰) و مجلد چهارم گزارشهای باستان شناسی چاپ سال ۱۳۳۸ تألیف مؤلف درج و منتشر گردیده است.

در تپه‌های پیش از تاریخ جلگه مرودشت و خفرك نیز پژوهشهای علمی دنبال گردید و ظروف سفالین منقوش متعلق به هزاره‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد بدست آورد که با کهن‌ترین اشیاء پیدا شده در تپه‌های فلات ایران (تپه سیالک کاشان - جعفرآباد شوش و غیره) هم دوره است. و اطمینان دارد که این کاوشها و خاکبرداریها پرتوی بتاریخ گذشته پرافتخار کشور کهنسال تاریخی ما خواهد افکند و نکات مبهم تاریخ ایران عزیز و فرهنگ ممتازش را روشن خواهد ساخت.



سرستون گاو در ایوان غربی تالار ۳۲ ستون
متعلق به ایوان شمالی کاخ صدستون

خط میخی هخامنشی

پژوهندگان و خاورشناسان در نتیجه کشفیات و تحقیقات قرون اخیر بر آنند که سومریها واضع خط میخی بوده‌اند و بعدها که آشوریان و بابلیان و عیلامیها بر آنها تاختند، این خط را از آنها اقتباس کردند. خط میخی هنگامی که در دست سومریها بود بصورت اشکال و مانند خط هیروگلیف (خط مصر قدیم) بود، اکدیها آنرا بصورت ساده‌تری درآوردند و از زمان سارگن اول اکدی (سده ۱۸ پیش از میلاد) این خط بهمه طوائف ساکن بین‌النهرین و کشورهای آسیای غربی سرایت کرد.

مادیها و پارسیها خط را از آشوریها و عیلامیها گرفتند و در دست آنها از صورت نموداری و آهنگی بشکل القبائی درآمد و این خود گام مهمی بود که شاهان ماد و پارس برای آسان ساختن خط میخی برداشتند. ولی در همان هنگام در بابل و آشور بهمان سبک قدیم خود یعنی نموداری رواج داشت. این مطلب از دیدار سنگ نبشته‌های تخت جمشید و نقش رستم و بیستون بخوبی معلوم میگردد. زیرا در این سنگ نبشته‌ها، هر جا که هر سه زبان (پارسی، عیلامی، بابلی) بکار رفته میخی پارسی، ساده‌تر، سلیس‌تر و آسان‌تر است.

خط بابلی یا آشوری دارای ۸۰۰ علامت، عیلامی یا اترانی ۳۰۰ علامت

ولی خط پارسی ۳۶ حرف باشش علامت بیش نداشته است . خط میخی را مثل خط لاتین از چپ بر راست مینوشته‌اند .

از خط میخی مربوط بمادها تاکنون کتیبه‌ای بدست نیامده و شاید اگر در شهر قدیم هگمتان که «همدان فعلی» بروی آن ساخته شده حقاریهای دامنه داری انجام گیرد ، نوشته وآثاری بدست بیاید - در آذربایجان هم بخط میخی نوشته‌هائی مشاهده گردیده است که بعضی از صاحب نظران احتمال میدهند خط اورارتو مربوط بعهد ماد باشد و البته پژوهشهای بعدی دانشمندان و استادان زبان، بیشتر این موضوع را روشن خواهد ساخت .

نوشته های میخی پارسی که تاکنون بدست آمده : لوحه‌های طلای همدان مربوط بارشام واریارمنا جد و جد اعلای داریوش بزرگ؛ سنگ نبشته های پاسارگاد مربوط بکوروش بزرگ ، نوشته های بیستون ، تخت جمشید ، نقش رستم ، الوند ، تنگه سوئز ، کرمان ، شوش ، ووان مربوط بزمان داریوش ودیگر شهریاران هخامنشی . خط میخی باغروب مهر درخشان هخامنشی روبرو ال رفت وخط پهلوی جایگزین آن گردید . دستور زبان فرس هخامنشی وخط میخی پارسی وترجمه همه کتیبه‌های میخی هخامنشی تحت عنوان « فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی » توسط آقای شارپ خاورشناس وایران شناس نامی انگلیسی بزبان فارسی وانگلیسی وفرانسه تهیه و توسط شورای مرکزی جشن بنیاد شاهنشاهی ایران بچاپ رسیده است وعلاقه مندان میتوانند بآن کتاب مراجعه نمایند .

خط آرامی - هنگامی که خط میخی در کشورهای پارس وماد وبابل وعیلام در مرحله پیشروی و تحول بود، خط دیگری نیز توسط بازرگانان

آرامی باین کشورها رسوخ مییافت که چون نوشتن آن بروی کاغذ پاپیروس وچرم و پوست حیوانات آسان تر بود ، پسند عامه مردم قرار گرفت و بتدریج در آن کشورها متداول شد و خط معمولی و همگانی گردید . این خط معروف بخط آرامی است .



دوپاسدار پارسی - نبش پلکان آپادانا

آرامیها در سده ۱۴ پیش از میلاد برای دزدی و چپاول بخاك فینیقیه و بین النهرین که همسایگان آنها بودند، تاختند و کم‌کم کشاورزان آنجا را مطیع نمودند و تجارت را بدست گرفتند.

آرامیها در سده دهم پیش از میلاد برای کارهای بازرگانی و داد و ستد، الفبائی از خط فینیقی^۱ اقتباس کردند که چون نوشتن آن آسان بود زبان تجارتی و بین‌المللی گردید. این خط در زمان اقتدار شاهان هخامنشی با اینکه تشکیل دولت واحدی در خاور میانه و خاور نزدیک دادند، که بیش از دو قرن دوام داشت، باز منسوخ و متروک نگردید. حتی نامه‌هایی که فرماندارهای نواحی غرب کشور نوشته میشد و لازم بوده است با اطلاع عامه مردم برسد، بزبان آرامی هم نوشته میشده است. ضمن سنگ نوشته‌ها فقط تا کنون کتیبه‌ای در نقش رستم سمت راست در ورودی آرامگاه داریوش بزرگ، بخط آرامی دیده شده که متأسفانه از ۲۴ سطر فقط چند حرف از سطر آخر باقی و بقیه بکلی ریخته و محو شده است. ولی بروی ظروف سنگی و مهرها و روی دسته‌های هاون و ته ظرفهای سنگی و همچنین در سایر نقاط تا بعد شاهنشاهی این خط با مرکب سیاه ثابت بسیار دیده شده است. حمله اسکندر مقدونی بایران و برچیده شدن اساس امپراطوری شکر ف هخامنشی، مانع سیر تکامل و رواج خط آرامی نگردید و خط پهلوی که در زمان پارتها متداول بود و خط پهلوی ساسانی مربوط بزمان ساسانیان

۱. فینیقیها خط ساده الفبائی مرکب از ۲۲ حرف اختراع کردند که بعدها همان خط، بایه و مایه سایر خطوط اعم از لاتینی - یونانی - سانسکریت - آرامی - عبری - پهلوی - سریانی - حمیری و سوی خط چینی (ژاپن - کره - سیام) گردید.

از همان خط باتغیراتی که در آن داده بودند، گرفته شده است.

خط پهلوی اشکانی در شمال و مشرق و مرکز ایران، و خط پهلوی ساسانی در جنوب و مغرب معمول بوده، ولی کتیبه‌های اردشیر و شاپور اول ساسانی اغلب با هر دو خط مرقوم گردیده و چون در پاره‌ای از نقاط کشور با خط و زبان یونانی که در زمان سلوکی‌ها و اوائل پارت‌ها رواج پیدا کرده، آشنائی داشته‌اند، در چند کتیبه ساسانی من جمله کتیبه دور کعبه زردشت در نقش رستم و کتیبه پهلوی روی سینه اسب شاهپور ساسانی در نقش رجب، ترجمه یونانی آن کتیبه‌ها نیز نوشته شده است. خط پهلوی را از راست بچپ مینوشتند.



یکی از نمایندگان کشورهای تابعه شاهنشاهی هخامنشی

تاریخ نویسان و خاورشناسان چه میگویند؟

محقق و مورخ عالیقدر امریکائی معاصر، پرفسور ویلیام جمزدورانت: (۱)

« تنها در هنر معماری بود که ایرانیان شیوه خاصی برای خود داشتند .
و با شکوه ترین آثار ایران باستانی، که در این اواخر بتدریج از زیر خاک
رازدار و نگاهدارنده ، بیرون آمده ، بلکان سنگی و صفه ها و ستونهای
تخت جمشید است . در این نقطه ، داریوش بزرگ و شاهانی که پس از
وی آمدند ، کاخهایی بنا نهادند ، تا بدینوسیله مدتی را که پس از آن
نامشان فراموش میشد ، درازتر کنند . در سراسر تاریخ معماری جهان
پله های بزرگ و باشکوهی که شخص را از زمین هموار ، بیالای صفه ای
که کاخها بر آن ساخته شده برساند ، بی نظیر میباشد اگر برای وسعت
بنا اهمیتی قائل باشیم، باید گفت که کاخ صد ستون از معبد پهناور کرناک
واژه کلیسای اروپائی جز کلیسای میلان بزرگتر است
.... شاید این دو کاخ (صد ستون سنگی و آپادانا) زیباترین بناهایی
باشد که در جهان قدیم و جدید بدست آدمیزاد ساخته شده است »

« هنر دوره هخامنشی ما را با نخستین شاهنشاهی جهان که یکی از منظم‌ترین و مقتدرترین و بی‌هیچ تردید، عادلترین دولتها بوده است، روبرو میکند یونانیان همیشه با احترام و وحشت از شاه بزرگ سارد، سخن گفته‌اند و حال آنکه این «شاه بزرگ» فقط یکی از فرمانداران شاهنشاه ایران بود

شاهنشاهی هخامنشی بر اصول اخلاقی و مذهبی بسیار متینی استوار بوده اساس این سیاست رفق و مدارای نژادی و مذهبی بوده است . این شاهنشاهی از آسیای مرکزی و رود سند تا نیل و دریای اژه گسترش یافت . در سراسر این زمین پهناور ، آسایش و فراوانی نعمت فرمان راند، و یکی از بزرگترین مراحل پیشرفت تمدن در این دوران طی شد .

شاهنشاهی هخامنشی «دولت آزادگان» بدقیقترین معنای این کلمه بود. بزرگواری و صفای باطن و راستی و حسن انتظام و احساس مسئولیت و لطف و روابط اجتماعی بادین شریف ، صفات برجسته دوره هخامنشی بود و همه آنها در هنر این دوران تجلی کرده است ... »^۱



باستان‌شناس فقید هر تسفلد :

« نقوش تخت جمشید نه از حیث تصور موضوعات و نه از لحاظ اصل کلی تزئینات و ترتیب صفوف ممتد، که استحکام و مهارت کامل صنعت معماری از

۱- صفحه ۲۱ شاهکارهای هنر ایران ترجمه آقای دکتر پرویز ناتل خانلری



نقش دو پاسدار پارسی بردر گاه ایوان شمالی کاخ صد ستون

آن هویدا است، و نه از لحاظ دقائق و تفصیل جزئیات و شکوه دوره رسمی که در آن پیداست، ابداً شباهتی با آثار یونانی ندارد و از تأثیر صنایع آن ملت که گاهی در بحثهای محققان و متبعان دیده میشود بهیچوجه حکایت نمیکند. هنر تخت جمشید را اگر بخواهیم در يك عبارت تعریف کنیم باید بگوئیم: آخرین تجلی صنایع و فنون ظریفه شرق باستانی که بصورت رسمی درآمده و نظیر صنعت امپراطور است .»



باستان شناس فقید پرفسور آندره گدار فرانسوی . (۱)

« هنر دوره هخامنشی مانند هنر آشوری کوشیده است همه جا خصیصه کاملاً شرقی و قدرت شاه را نشان دهد . هنر هخامنشی مانند هنر یونانی دارای ذوق تناسب و هم آهنگی و وزن بوده . ولی طرحها عمقاً آسیائی بوده اند . این دلیل آن نیست که ایرانی هنر یونانی را نمیشناخته شاهنشاهان هخامنشی نسبت بزیبائی هنر یونانی حساس بودند ، اما کمال مطلوبشان بطور آشتی ناپذیری باهم مغایرت داشت . در هنر و همچنین در سیاست ، اصرار داشتند که جز از تمدن قدیم و بتمام معنی شرقی، الهام نگیرند»



۱- کتاب هنر ایران تألیف آندره گدار ترجمه آقای دکتر بهروز حبیبی از
انتشارات دانشگاه ملی ایران سال ۱۳۴۵ صفحه ۱۳۴



نقش ساسانی بردیوار ایوان شمالی تالار حرمسرا

« هخامنشیان نخستین پادشاهانی بودند که وحدت عالم شرقی را ،
و عبارت دیگر جهان متمدن را ، که عناصر مختلف ، آنرا تحت يك نظارت
سیاسی که هیچگاه سابقه نداشت ، بهم مرتبط میساخت ، تأمین کردند
ایرانیان نه تنها شاهنشاهی جهانی تأسیس کردند ، بلکه بایجاد تمدن جهانی
که منطقه نفوذ آن وسیع بود ، موفق آمدند .

.... هنر هخامنشی بنواحی بسیار دورتر از سرحداتی ایران رسید .
نفوذ آنرا در مصر ، قبرس ، سواحل دریای سیاه و مخصوصاً در سکائیان میتوان
دید.... در هند هم هنر معماری هخامنشی آثار خود را باقی گذارده است....»



دکتر ج. کریستی ویلسن از قول استانی کن : (۲)

« صنایع هخامنشی چنان سبك معين و معلومی دارد که گرچه تأثیر صنایع
خارجی در آن بسهولت تشخیص داده میشود ، باز میتوان خصائص ایرانی
آنرا که واضح و آشکار است ، مشاهده نمود تصویر سربازان و اسبان ایرانی
مانند سربازان و اسبان آشوری بی روح نبوده و خشونت و سبعیت آنها را
ندارند . تصاویر حیواناتی که ایرانیان کشیده اند ، مخصوصاً تصویر حیوان
اهلی ایران یعنی بز کوهی ، دارای روح و دقت و سادگی است که در بین
صنایع آسیا تا کنون نظیر آن دیده نشده است . اقتباس از صنایع سایر اقوام

۱- صفحه ۱۹۶ کتاب ایران از آغاز تا اسلام ، ترجمه آقای دکتر محمد معین .

۲- صفحه ۸۲ کتاب تاریخ صنایع ایران تألیف کریستی ویلسن ترجمه

آقای دکتر عبدالله فریار .

کار صنعتگرانی بوده که مایل بوده‌اند از دیگران نکات فنی را بیاموزند
ولی هنرمندان هخامنشی استقلال و سبک صنعتی خود را حفظ نمودند.»



سر توماس هربرت (۱) شاعر و نویسنده انگلیسی در قرن هفدهم :

تخت جمشید از لحاظ عظمت و زیبایی و موقعیت طبیعی و ثروت و نعمت
و سایر مزایا ، در دنیا بی نظیر بوده است.... دون گاسیاس دو سیلوا فیکوروا^۱
سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا که در سال ۱۶۱۹ میلادی بدربار شاه عباس
آمد ، درباره تخت جمشید میگوید : از رم بسیار با عظمت تراست و بدون
اغراق یگانه بنائی در دنیای امروز است که با عظمت کامل باقی مانده است.
بعقیده من صنعت و کار بشر و طبیعت و هنر ، دست بهم داده معنی و مفهوم
عظمت را بتمام معنی ظاهر ساخته‌اند»



اوژن فلاندن مورخ و سیاح فرانسوی : (۱)

«.... دو چیز دست یکی شده و این نقوش را بدین طریق زیبا و قشنگ
ساخته است : دست پر قدرت ، مهارت استاد ، اولی از طرز تصاویر و هیکل‌های
عظیم حجاریها و نقوش ، دومی از ظرافت و لطافت صوریکه بیشتر در درون
جرزهای درهای کاخها یا پله‌هاست . قطع دارم که کلیه سیاحان با من هم
عقیده‌اند بر اینکه بناهای تخت جمشید در بین آثار باستانی عالم اهمیتی

1- Sir Thomas Herbert 2- Don Garcias de sylva Figueroa

۱- سفرنامه اوژن فلاندن

خاص دارد و هر کس بدید نشان مات و مبهوت میگردد سرانجام میگوییم:
هر چه در تخت جمشید یافت میشود ، سرمشق استادان است ، چه از حیث
صنعت و ظرافت و هر چه تصور کنید مقامی بلند دارند»



ادوارد براون :

.... در یکی از پنجره‌های کاخ، چشم من بیک سنگ افتاد و آن سنگ
بقدری جلا داشت و صیقلی بود که من مانند آئینه شکل خود را در آن
میدیدم و از مشاهده آن سنگ خیلی متأثر شدم ، زیرا با اینکه تقریباً
۲۴ قرن از بنای کاخ تخت جمشید میگذرد و بعد از ویرانی این کاخ دیگر
کسی در صدد صیقلی کردن سنگها بر نیامده و با اینکه متجاوز از بیست و یک
قرن از ویرانی کاخ میگذرد ، هنوز سنگ مزبور مانند آئینه صیقلی است...»



سرپرسی سایکس :

«... با اینکه يك قسمت از پیکرها زیر خاک رفته ، معذلك مشاهده
نقش و نگار عمده‌ایکه متجاوز از دوهزار سال پیش در عید نوروز هدا یای
گرانبهای خود را برای شاه شاهان و شاهنشاه ایران میبردند ، دریننده
تأثیر غریبی مینخشد .

از پله‌های کاخ خشیارشا که گذشتند ، بتالار بزرگ دیگری میرسند ،
قصر هفتاد و دو ستون که حکایت از گذشته با مجد و عظمت ایران میکند ،
چشمها را خیره میسازد . عبارت کتاب اشعیای نبی یعنی دو جمله « بابل



درگاه سنگی ساختمان شمال غربی خارج از صفه تخت جمشید

سقوط کرده است» و « بابل خراب شده است » در هیچ جا بمثل این محل
یعنی در قصری که شاهنشاه ایران، بزرگان کشور را بحضور می پذیرفته
است در انسان مؤثر واقع نمیشود.^۱



دکتر ریچارد فرای :

«..... ویرانه های تخت جمشید امروز نشانه ایست از هنر شکفت جهان
باستان . ستونهای بیشمار و بلندی که زمانی در میان تالاری جای داشته
است ، بایستی اثری شکفت در خاطر بیننده آن تالار گذاشته باشد ، بویژه
کسی که از پای سکوئی که ساختمانها بر فراز آن و مسلط بردشتی که اکنون
بنام مروتشت خوانده میشود ، بیالای کاخ میرفت، سخت مبهوت میشد.....»



پیر لوتی نویسنده شهیر فرانسوی : (۲)

« این بنا یکی از عجائب دنیای قدیم بوده و با اهرام مصر از حیث غرابت
برابری میکند ، اما در اینجا خیلی کمتر از ممفیس رفت و آمد شده، بنا بر این
اسرارش کمتر از آنجا مکشوف گردیده است
... این خرابه های آرام و ساکت بوسیله کتیبه های بسیار ، تاریخ خود
و جهانرا بیان میکنند . کمترین قطعه سنگ ، بامردمی که بتوانند نوشته ها
و آثار عهد قدیم را بخوانند ، گفتگو میکند ...»

۱- صفحه ۱۶۶ جلد دوم هشت سال در ایران یاده هزارمیل سیر در شاهنشاهی
ترجمه آقای حسین سعادت نوری ۲ - کتاب میراث باستانی ایران

...در این ساختمان انسان خود را بیشتر محاط و اگر بتوان گفت غرق در تاریکیهای این جهان گذشته می بیند .. اشیاء این ناحیه که از ادامه بقاء و از شکافته شدن در طول قرون مختلفه خسته هستند ، اکنون ناظر وجود يك شب دیگر میباشند...^۱



آلبر شاندر فرانوی نویسنده کتاب کوروش بزرگ : (۲)

« پارسها باختلاط اقوام و پیشرفت هنر که تنها وسیله مظاهر خصوصیات يك ملت است ، یاری و مساعدت کردند . فرمانروایان آنها ، پادشاهان مقتدری بودند که بعظمت و جلال میگرائیدند و دلیل بارز آن ، شهرهای با عظمت پاسارگاد و تخت جمشید است ، که بمثابه اشعار با عظمتی از سنگ ساخته و پرداخته شده و نشانه نبوغ نژاد و پاکی است . نژادی که حماسه ملی کوتاه آن اثر درخشان و تابناکی در تاریخ جهان بیادگار گذاشته است . »



برگزیده ای از نوشته سیاستمدار معروف انگلیسی لرد کرزن :

« این هنر اصولاً تا آنجائیکه ما اطلاع داریم هنری نوظهور و کوتاه عمر بوده که بطور ناگهان و بيمقدمه منقرض شده است . حد اکثر دوران زندگی این هنر دوست سال بود که آغاز آن یکی شدن انزان و پارس و ماد بدست کوروش بزرگ و پایان آن حمله اسکندر مقدونی بوده است . »

۱- کتاب بسوی اصفهان ترجمه آقای بدرالدین کتابی صفحه ۱۱۰

۲- کتاب کوروش بزرگ تألیف آلبر شاندر ترجمه آقای دکتر هادی هدایتی

وجود این هنر همزمان با دودمانی بوده که از آن پشتیبانی کرده و یا خود آنرا بوجود آورده است و بعد از اینکه این سلسله فتوحات و کشور گشائیهای خود را بوسیله این آثار بر صفحه روزگار جاویدان ساخته ، خود آثار هم بر نوشت این دودمان یعنی اضمحلال و انقراض سربع دوچار شده است .

.... صقه تخت جمشید بعثت سنگهای گران وزن و استحکام ساختمان ، دارای عظمت و مقام شامخی شده است که منحصر بخود آن میباشد و هیچ مقلدی نمیتوانست در ساختمان پلکان کوه رحمت تا این اندازه از فرصت استفاده کند . موضوع چند جبهه بودن صقه (سکو) هم کاری قدیمی است ، ولی نه اینکه در هیچ جای دیگر باین خوبی انجام شده باشد و یا اثر آن باین عظمتی که در مرودشت روشن است ، نمایان باشد . در حجاریهای پلکان و ردیفهای طولانی افراد و کتیبه ها ، معمار ایرانی به بهترین وجهی شایستگی و استعداد خود را نشان میدهد . زیرا مصریها به پلکان نظر بکمی وسعت آن ، جهت حجاری کمتر توجهی ابراز میکردند و یونانیها تقریباً بکلی از این فکر غافل بودند و معمولاً برای نشان دادن تشریفات مذهبی یا سلطنتی از دیوارهای مخصوص استفاده میکردند و این نبوغ هنرمندان ایرانی بوده که این طریقه را اختراع و بحد کمال رسانیدند و با اعمال این رویه در آن واحد سه استفاده بزرگ از نتیجه کار خود میبرند: اول صرفه جوئی در ساختمان ، دوم اعتلاء و عظمت آن ، سوم انجام مهمترین منظور خود یعنی تجلیل مقام سلطنت شاهنشاهی و همینطور در مورد آرامگاههای سنگی با اینکه فکر آن اصولاً از مصر سرچشمه گرفته^۱ در ساختمان آنها

۱- در اینجا لرد کرزن بمقایر مادیها که در سرپل ذهاب و سایر نواحی

بقیه پاورقی در صفحه بعد

که بتوانم کردن مهارت و وقار فوق العاده انجام یافته ، چیزی از دیگران تقلید نشده است ، زیرا کندن دخمه های عمیق در دل سنگ و نماهای حجاری شده و ایجاد مدخلهای کاخ مانند روی سنگ ، وبالاخره تصویرهای پادشاهان در حین عبادت منحصرأ از مختصات سلیقه ایرانی بوده است
 حقیقتاً بایستی به پیشرفت هنرمندان ایرانی که با آرامش ولی بادقت نمایان و در راه تکامل هنر، احراز کرده اند تبریک بگوئیم»



و . بارتلد خاورشناس شهیر روسی : (۲)

« دولت ایران در تاریخ دنیا نخستین دولتی بوده که توانست مسخر شده گان را عفو کند و در ممالك مسخره حکومتی منظم تر از حکومت های سابق برقرار سازد .

بعضیها علت نوع پروری سلاطین ایران و خاصه کوروش را که نسبت به فاتحین سابق بیشتر حس نوع پروری داشته تأثیر نفوذ مذهب دانسته اند . ولی این نظریه از زیر تنقید سالم بیرون نمی آید . چه سلاطین مادی هم که نینوا را بکلی خراب و ویران ساختند زرتشتی بودند . عقیده ای نیز اظهار شده مبنی بر اینکه ایرانیان برای شرق همان مقام و اهمیت را

بقیه پاورقی صفحه قبل

کرمانشاهان و کردستان و داود دختر در خاک ممسنی و نظایر آن که در همه کوهها احداث شده و مربوط بدوران پیش از تشکیل شاهنشاهی هخامنشی است ، توجه نکرده والا تعبیه آرامگاههای شاهان هخامنشی را در دل کوهها تقلید از مصر تصور نمی نمود .

۲- جغرافیای تاریخی ایران ترجمه حمزه سردادور صفحه ۲۰

داشتند که بعدها رومیان برای دنیای قدیم احراز نمودند ..

... امپراطوری هخامنشی مثل دول عظیمه‌ای که بدست تمام کشورهای متمدن بنا گردیدداند ، درجه اهمیتش برای ملتی که موجد آن بوده کمتر از اهمیتی بود که همین دولت برای معاصرین متحدش دارا بود . توسعه دائره معلومات جغرافیائی و کلیتاً افق دانش نمایندگان تمدن یونانی ، که هرودوت و اسلاف وی در تألیفات خود از آن سخن میرانند ، فقط زیر سایه فتوحات ایران حاصل آمده بود . »



پرفسور ژرژ کامرون امریکائی استاد خطوط قدیمه : (۱)

«.... کاخها ، نقشهای برجسته و سنگ نبشته‌های پراختخار تخت جمشید تا امروز همچون یادگارهای با شکوه قلمرو پهناور و شاهکارهای عالی داریوش ، خشیارشا و اردشیر بجا مانده است . هنوز تمام اینها باستثناء معدودی از آنجاها ، بناها و آثار باستانی که ایران را چنین مشهور ساخته است ، موجودند . تخت جمشید بجهات زیادی مجلل ترین کاخهای شکوهمند شاهان هخامنشی بوده که قسمت عمده آن بوسیله داریوش و فرزندش خشیارشا طراحی و ساخته شده و پس از بیست و چهار قرن باقی مانده است . کاوشهای ماهرانه‌ای که در آغاز از طرف بنگاه شرقی شیکاگو و سپس بوسیله بنگاه علمی تخت جمشید بعمل آمد ، این شگفتیهای عظیم متوالی

۱- سخنرانی پرفسور ژرژ کامرون در بیست و چهارمین کنفره خاورشناسان برپا شده در مونیخ سال ۱۹۵۷ صفحه ۱ و ۲۶۹ مجلد چهارم گزارشهای باستان شناسی تألیف مؤلف

را بیار آورده است . کاخها ، پلکان مزین ، نقوش برجسته با شکوه ،
ستونهای برج آسا ، آرامگاهها و گنجینه‌های وسیع اسناد....»



قسمتهائی از عقاید و نوشته‌های خاور شناسان و باستان شناسان در
باره تخت جمشید و هنرایران در دوره هخامنشی بطور خلاصه ذکر شده ،
برگزیده مطالبی است که مشروح آن در صفحه ۳۹۶ تا ۴۲۰ کتاب
پایتخت شاهان هخامنشی نشریه شماره ۸ دانشگاه پهلوی تألیف این
مؤلف و در صفحات ۲۵ تا ۵۴ نقل گردیده است .



سایر آثار نویسنده این کتاب

- ۱- گزارش کاوشهای علمی پاسارگاد ضمیمه مجلد اول گزارشهای باستانشناسی چاپ تهران سال ۱۳۲۹ خورشیدی .
- ۲- تاریخ پیدایش خط و تحول آن در شرق باستان و ترجمه کتیبه‌های میخی و پهلوی چاپ شیراز سال ۱۳۲۹
- ۳- پاسارگاد یا قدیم‌ترین پایتخت شاهنشاهی ایران چاپ شیراز سال ۱۳۳۰
- ۴- مجلد دوم گزارشهای باستان شناسی حاوی کاوشهای ۱۲ ساله بنگاه علمی تخت جمشید و تپه‌های ماقبل تاریخ مرودشت چاپ سال ۱۳۳۱
- ۵- شرح آثار تاریخی جلگه مرودشت سال ۱۳۳۱
- ۶- پارس در عهد باستانی ضمیمه نشریه شماره ۲ کانون دانش پارس چاپ سال ۱۳۳۲
- ۷- شرح آثار تخت جمشید بزبان انگلیسی چاپ شیراز سال ۱۳۳۲ ترجمه آقای شارپ
- ۸- شرح آثار تخت جمشید بزبان فارسی با همکاری آقای سید محمد تقی مصطفوی چاپ سال ۱۳۳۴
- ۹- شرح کاوشها و آثار تاریخی پاسارگاد بزبان انگلیسی ترجمه آقای شارپ چاپ سال ۱۳۳۵
- ۱۰- شرح آثار تاریخی شیراز بزبان انگلیسی ترجمه آقای شارپ سال ۱۳۳۵
- ۱۱- تاریخچه شیراز و شرح آثار باستانی آن بزبان فارسی چاپ سال ۱۳۳۷
- ۱۲- مجلد چهارم گزارشهای باستان شناسی شامل کاوشهای هشت ساله بنگاه علمی تخت جمشید در پاسارگاد و تخت جمشید و تپه‌های ماقبل تاریخ فارس در سال ۱۳۳۸
- ۱۳- جلد اول تمدن هخامنشی در سال ۱۳۴۱
- ۱۴- جلد اول تمدن ساسانی در سال ۱۳۴۲
- ۱۵- جلد دوم تمدن هخامنشی در سال ۱۳۴۳
- ۱۶- جلد دوم تمدن ساسانی در سال ۱۳۴۴

- ۱۷- جلد سوم تمدن هخامنشی (پایتخت های شاهنشاهان هخامنشی) نشریه شماره ۸ دانشگاه پهلوی درسال ۱۳۴۸
- ۱۸- شرح کامل آثار تاریخی و شخصیت های برجسته شیراز درسال ۱۳۴۷
- ۱۹- يك سلسله مقالات در دوره اول و دوم مجله دانشکده ادبیات شیراز
- ۲۰- مقاله ای در باره تاجگذاری شاهان هخامنشی و ساسانی در شماره دوم مجله ارتش سوم سال ۱۳۴۶
- ۲۱- يك سلسله مقالات تحقیقی در باره سیر حکمت و فلسفه و دانش و پزشکی و ادبیات و تاریخ نویسی ایران باستان در مجله هنر و مردم چاپ تهران
- ۲۲- چند مقاله در مجله فروغ تربیت
- ۲۳- مقاله در مجله اطلاعات ماهانه
- ۲۴- چند مقاله تحقیقی در باره کتیبه بیستون و کتیبه پهلوی شاپور اول در نقش رستم و تاریخچه قالی بافی و پارچه بافی ایران از دورانهای بسیار کهن در مجله بررسی های تاریخی ستاد بزرگ ارتشداران چاپ تهران
- ۲۵- چند مقاله در باره سهم بسزای دانشمندان ایرانی در فرهنگ اسلامی در مجله وحید چاپ تهران
- ۲۶- تاریخ خاورشناسی و ایران شناسی در نشریه شماره ۶ دانشگاه پهلوی
- ۲۷- مقاله تحت عنوان «کهن ترین تمدن در فلات ایران» در نشریه اداره کل فرهنگ فارس
- ۲۸- چند مقاله تحت عنوان نظریه خاورشناسان در باره تخت جمشید در مجله هخامنشی
- ۲۹- چند مقاله تحت عنوان «فرهنگ دیرین و میراث کهن» در روزنامه اطلاعات
- ۳۰- سی مقاله در باره بنیاد شاهنشاهی ایران در روزنامه پارس شیراز
- ۳۱- سی مقاله در باره تمدن قدیم فلات ایران در روزنامه گلستان چاپ شیراز
- ۳۲- يك سلسله مقالات در باره فرهنگ قدیم ایران در روزنامه پیک خجسته چاپ شیراز
- ۳۳- چند مقاله در روزنامه بهار ایران چاپ شیراز
- ۳۴- يك سلسله مقالات تاریخی و ادبی و اجتماعی در روزنامه عدل شیراز
- ۳۵- مقالاتی در دوره سوم مجله مهر چاپ تهران
- ۳۶- دوست و چهار گفتار تاریخی و باستانی و ادبی در رادیوی فارس از بهمن ماه ۱۳۴۶ تا آخراصفند ماه ۱۳۴۸ تحت عنوان «پارس بر بستر زمان»

عضویت مؤلف در مجامع و کنگره‌های علمی بین‌المللی

۱- عضو کنگره جهانی خاورشناسان

The International Congress of Orientalists

۲- عضو انجمن آسیائی پاریس La Société Asiatique

۳- عضو انجمن بین‌المللی قلم Le P.E.N International

۴- عضو کمیته خاورشناسی آسیای میانه

Comité D'études Des Civilisations De L'Asie Central

۵- عضو شورای مشورتی بنیاد بین‌المللی لودویگ کیمر تأسیس یافته

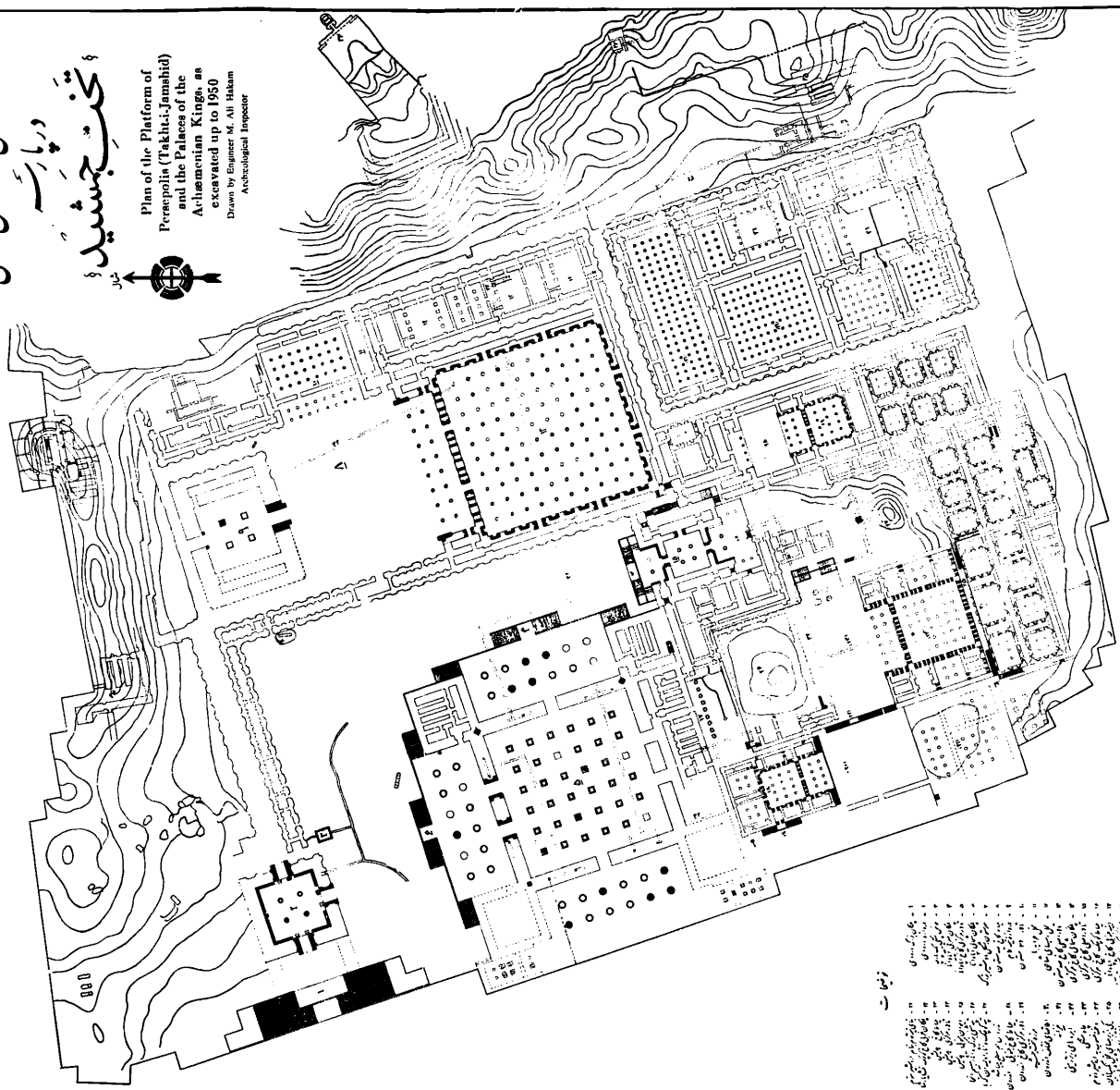
در سوئیس

Fondation Ludwig Keimer Pour les Recherches

Comparées En Archéologie Et Ethnologie

تخت جمشید
در پارس
تخته کاخهای شاهان پارس

Plan of the Platform of
Persepolis (Takht-e Jamshid)
and the Palaces of the
Achaemenian Kings, as
excavated up to 1950
Drawn by Engineer M. Ali Hakim
Archaeological Inspector



- توضیحات
- ۱- دیوارهای محاصره کننده
 - ۲- دروازه های محاصره کننده
 - ۳- دیوارهای داخلی
 - ۴- دروازه های داخلی
 - ۵- محوطه های خاکی
 - ۶- محوطه های آبی
 - ۷- محوطه های سنگی
 - ۸- محوطه های گچ
 - ۹- محوطه های سرامیک
 - ۱۰- محوطه های فلز
 - ۱۱- محوطه های چوب
 - ۱۲- محوطه های پنبه
 - ۱۳- محوطه های کتان
 - ۱۴- محوطه های ابریشم
 - ۱۵- محوطه های پشم
 - ۱۶- محوطه های پوست
 - ۱۷- محوطه های عاج
 - ۱۸- محوطه های استخوان
 - ۱۹- محوطه های شیشه
 - ۲۰- محوطه های طلا
 - ۲۱- محوطه های نقره
 - ۲۲- محوطه های مس
 - ۲۳- محوطه های آهن
 - ۲۴- محوطه های برنج
 - ۲۵- محوطه های گندم
 - ۲۶- محوطه های برنج
 - ۲۷- محوطه های گندم
 - ۲۸- محوطه های برنج
 - ۲۹- محوطه های گندم
 - ۳۰- محوطه های برنج



ارزش : ۸۰ ریال